





مجموعه گزارش‌های تخصصی آموزش عالی؛ شماره ۸

الزامات و زیرساخت‌های جذب دانشجویان بین‌المللی به ایران

پژوهشگر:

غلامرضا ذاکر صالحی

عضو هیئت علمی پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

پاییز ۱۳۹۷

نام گزارش: الزامات و زیرساخت‌های جذب دانشجویان بین‌المللی به ایران؛ شماره ۸
پژوهشگر: غلامرضا ذاکر صالحی
ناظر: احمد رضا روشن
مدیر مسئول انتشارات: فریده جعفری
سال چاپ: ۱۳۹۷
شمارگان: ۵۰ نسخه
نشانی: خیابان نلسون ماندلا، خیابان گلغام، شماره ۷۰، صندوق پستی: ۴۱۵۹-۱۹۳۹۵
تلفن: ۱۸-۲۲۰۱۰۶۱۶، دورنگار: ۲۲۰۵۰۳۳۸
وبگاه: www.irphe.ir، پست الکترونیکی: institute@irphe.ir

کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه و جز اینها برای ناشر محفوظ است.
(نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.)
مسئولیت دیدگاه‌های بیان شده در این گزارش بر عهده پژوهشگر است.

فهرست مطالب

ج	دیباچه
۵	چکیده
۵	مقدمه
۵	وضع موجود جذب دانشجویان بین‌المللی در ایران و جهان
۵	تعریف دانشجوی بین‌المللی
۶	مهم‌ترین کشورهای مبدأ
۷	کشورهای مقصد دانشجویان بین‌المللی
۷	کشورهای ایالات متحده، انگلستان و استرالیا
۱۰	کشورهای آلمان و فرانسه
۱۰	کشورهای ژاپن، کانادا و نیوزلند
۱۰	کشورهای مالزی، سنگاپور و چین
۳۲	مبانی نظری و ادبیات موضوع
۳۵	۱- ظهور آموزش عالی به مثابه یک کسب و کار
۳۶	۲- عامل تغییر اجتماعی، سیاسی و فرهنگی
۳۸	۳- تحرک و جابه‌جایی دانشجویان
۳۹	۴- آموزش چند فرهنگی
۴۱	۵- پدیده آموزش اضافی
۴۱	۶- مدل جاذبه-دافعه (کشش و رانش)
۴۶	بین‌المللی کردن برنامه درسی
۴۷	اهداف اصلی بین‌المللی کردن برنامه درسی
۴۸	الگوهای جذب دانشجویان خارجی
۴۹	۱- الگوی اقتصادی: نمونه استرالیا
۵۰	۲- الگوی علمی- آموزشی: نمونه آلمان
۵۰	۳- الگوی فرهنگی: نمونه ایران در دهه‌های گذشته
۵۱	برنامه‌های مبادله دانشجویی
۵۲	انواع برنامه‌های مبادله
۵۵	جمع‌بندی
۷۷	منابع:

دیباچه

مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی به مثابه نهادی علمی و تخصصی با رسالت دانش‌پژوهی در قلمرو آموزش عالی و رویکردی میان‌رشته‌ای، محور اصلی فعالیت‌های خود را به کارویژه‌های: ۱- تولید و ارتقاء دانش نظری و کاربردی در حوزه آموزش عالی ۲- انتقال و اشاعه دانش آموزش عالی به ذی‌نفعان در سطح خرد و کلان ۳- سیاست‌پژوهی و تحلیل سیاست‌های آموزش عالی قرار داده است. در این راستا به منظور پاسخگویی سریع، مؤسسه تدوین گزارش‌های تخصصی که رویکردی چابک و کوتاه مدت است را در کنار انجام طرح‌های پژوهشی به کار گرفته است.

مجموعه حاضر شامل گزارش‌های تخصصی آموزش عالی است و از نیمه دوم سال ۱۳۹۷ برای انتشار و بهره‌برداری ذی‌نفعان آماده شده است. گستره موضوعی این گزارش‌ها طیف وسیعی از چالش‌ها و دغدغه‌های کنونی در حوزه آموزش عالی نظیر: مدیریت و حکمرانی، توسعه کمی و کیفی، برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، منابع مالی و انسانی، بین‌المللی شدن و جذب دانشجویان خارجی، ارزیابی و تضمین کیفیت، مطالعات تطبیقی، تحلیل سیاست‌های آموزش عالی و ... می‌باشد. این گزارش‌ها سعی دارند ضمن تحلیل وضعیت موجود، راهکارهایی مفید و مؤثر در جهت بهبود نظام سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزش عالی کشورمان در سطح خرد و کلان ارائه نمایند.

در پایان ضمن دعوت از همه متخصصان و صاحب‌نظران آموزش عالی به مشارکت در این برنامه پژوهشی، خواهشمند است نظرات و نقدهای ارزشمندتان را در خصوص هر یک از گزارش‌ها به این مؤسسه ارسال نمایند.

رضا منیعی

معاون پژوهشی مؤسسه

چکیده

هم‌اکنون کشور ایران با ضعف جدی در زمینه جذب دانشجوی بین‌المللی روبه‌روست و مهم‌ترین جنبه آن در حوزه راهبردی و سیاستگذاری است. پس از پرکردن این خلأ راه برای اقدامات عملی و تمهید زیرساخت‌ها فراهم خواهد شد.

پرسش این است که در این بازار بین‌المللی سهم کشور ما چقدر است؟ علی‌رغم توسعه کمی جهشی در آموزش عالی ایران که موجب شده است تعداد دانشجویان از ۱۷۵ هزار نفر در سال ۱۳۵۷ به حدود ۴ میلیون نفر در سال ۱۳۹۷ برسد، از نظر شاخص تعداد دانشجویان بین‌المللی در منطقه و جهان در چه وضعیتی هستیم؟

علاوه بر این، این مطالعه در جستجوی پاسخ به پرسش‌های زیر است:

- ۱- چه آموزه‌های نظری و تجربی در حوزه جذب دانشجویان خارجی وجود دارد؟
- ۲- برای ارتقای کمی و کیفی جذب دانشجویان خارجی چه الزامات و زیرساخت‌هایی نیاز است؟

ساختار گزارش حاضر مشتمل بر سه بخش است:

- ۱- موقعیت و سهم کشورهای جهان و ایران در بازار تحرک بین‌المللی دانشجویان
- ۲- نظریه‌های توضیح‌دهنده مهاجرت‌های تحصیلی
- ۳- الزامات و زیرساخت‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، مدیریتی، حقوقی، آموزشی

مقدمه

توسعه علمی حرکتی چند وجهی است که در ظرف محیط بین‌المللی رخ می‌دهد. پدیده جهانی شدن اقتصاد و فرهنگ از سویی و موضوع جهان وطن بودن علم و فناوری از سوی دیگر، روند رو به رشد فعالیتهای بین‌المللی را افزایش داده است. حرکت آزاد و بدون محدودیت سرمایه، اطلاعات و ایده در سطح جهان که تحرک و جابه‌جایی دانشجویان و پژوهشگران و نوآوران بخشی از آن است، بن مایه تشکیل سرمایه انسانی در چارچوب و استاندارد جهانی است.

برخی از مزایای بین‌المللی شدن آموزش عالی عبارت‌اند از: ارتقای هویت ملی و ابزار معرفی فرهنگ ملی، رشد پیوندهای اقتصادی، رشد رقابت اقتصادی، معرفی علم به‌عنوان منبع اقتصادی، گسترش امنیت ملی و ارتقای تفاهم و درک متقابل بین‌المللی.

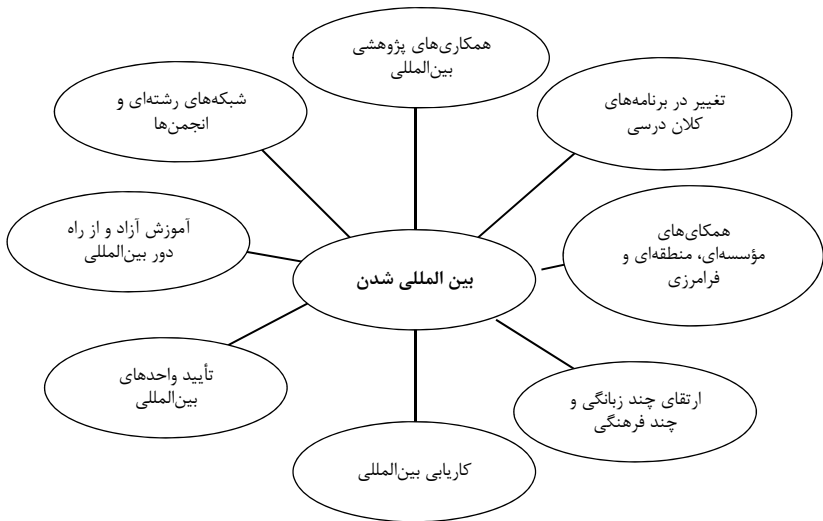
امروزه، کشورها با ارتقای سطح همکاری‌ها و تبادلات بین‌المللی علمی نه تنها مشروعیت جانبی و منزلت کسب می‌کنند، بلکه به نوسازی اقتصاد و کارآمدی فناوری خود مدد می‌رسانند. تحرک دانشجویان در سطح جغرافیای جهان زمینه‌های تسهیل انتقال فناوری و ظهور نوآوری‌های رادیکال را فراهم کرده، بازار علم و نظام عرضه و تقاضای آموزش عالی را نیرومند ساخته و تراکم و انباشت مناسبی از نیازها و کالاهای جدید فرهنگی و نرم‌افزاری را سامان داده است. این تراکم که همراه با تنوع و غنای فرهنگی است، موتور محرک توسعه علمی است.

امروزه، ظهور آموزش عالی به‌مثابه کسب و کار زمینه و فضایی را فراهم کرده است تا جذب دانشجوی خارجی و تحرک و جابه‌جایی آنان گسترده‌تر شود.

تحرک و جابه‌جایی دانشجویان^۱ نیز مبحث مستقلی است که از الگوهای موقعیتی، محلی و خاص پیروی می‌کند. تأثیر روابط سیاسی کشورها در شکل و میزان این تحرک قابل اعتنا و توجه است.

مطالعات موجود در زمینه رابطه مقطع تحصیلی با تحرک دانشجویی قابل بررسی است؛ کسانی که سطح تحصیلات بالاتری دارند، تحرک بیشتری دارند (کیائوهانگ، ۱۹۸۸).

اکنون به موضوع جذب دانشجوی خارجی نه به‌عنوان اقدامی زینتی و حاشیه‌ای، بلکه به‌عنوان یکی از اقدامات و جنبه‌های بین‌المللی شدن آموزش عالی نگریده می‌شود. سایر جنبه‌های آن در شکل ۱ مشاهده می‌شود.



شکل ۱. جنبه‌های مختلف بین‌المللی شدن آموزش عالی

مزایای بین‌المللی شدن آموزش عالی به قرار زیر است:

۱. ارتقای هویت ملی و ابزاری برای معرفی فرهنگ ملی (نایت وویت، ۱۹۹۸)؛
۲. رشد پیوندهای اقتصادی، رشد رقابت اقتصادی، علم به‌عنوان منبع اقتصادی؛
۳. گسترش امنیت ملی؛
۴. ارتقای تفاهم و درک متقابل بین‌المللی؛
۵. تقویت دیپلماسی و کاهش خصومت‌ها؛

۶. رشد اجتماعات علمی و جامعه‌پذیری علمی؛
۷. کاهش تعصبات و رشد تفکر انتقادی به‌عنوان اساس آموزش عالی؛
۸. ارتقای استانداردهای کیفیت؛
۹. تسهیل انتقال فناوری؛
۱۰. کاهش شکاف علم و فناوری بین جنوب و شمال (ذاکرسالحی و صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۹۱).

اگرچه همه دانشگاه‌ها بین‌المللی و جهانی نیستند، همه آنها تحت تأثیر فرایندهای جهانی و جهانی شدن هستند (اسکات، ۱۹۹۸: ۱۲۲). جهانی شدن گردش آزاد فکر و سرمایه در پهنه سراسر جهان با درنوردیدن مرزهای ملی و کم شدن حاکمیت ملی است. اما بین‌المللی شدن یک راهبرد انتخابی باحفظ تمام ابعاد حاکمیت ملی است. در بین‌المللی شدن می‌توان سه یا چهار کشورهدف یا چند دانشگاه مشخص را انتخاب و با آنها برنامه‌های مشارکتی را پیش برد.

دانشگاه‌ها امروزه تمام برنامه‌ها، فعالیت‌ها و همچنین قوانین و اصول مدیریت و کار خود را از طریق سیستم‌های مختلف الکترونیکی و چاپی به اطلاع همگان می‌رسانند. وبسایت‌ها و کاتالوگ‌ها در ایجاد «ارتباط چندسویه و فعال» بین مردم، دانشجویان و دانشگاه‌ها نقش مهمی دارند. این امر موجب می‌شود که دانشگاه به نحو مردم‌سالارانه‌تری اداره شود و در برابر مردم و مشتریان خود پاسخگو باشد. از این‌رو، وضعیت «جهانی شده» جهان امروز، نظام ارتباطات و ماهیت رفتارهای دانشگاهی را دگرگون کرده است. از این دیدگاه، دلنتی (۲۰۰۱) و اسکات (۱۹۹۸) برخی از شواهد و زمینه‌های جهانی شدن در آموزش عالی را به‌صورت زیر فهرست کرده‌اند:

- اینترنت و پست الکترونیکی ماهیت ارتباطات را تغییر داده‌اند و بخش عظیمی از دانش در فضای سایبر قرار داده شده است و زمان و فاصله دیگر موانعی برای گسب دانش و برقراری ارتباطات نیستند.
- دانشگاهیان امروزه به سهولت سیر و سفر می‌کنند. کنفرانس‌های بین‌المللی بیش از هر زمانی برگزار می‌شوند و دانشگاهیان فرصت‌ها و موقعیت‌های بیشتری برای ملاقات با همتایان خود در سراسر عالم را دارند.

- پیوندها و تشکلهای و شبکه‌های ارتباطی میان دانشگاهیان هر روز در حال افزایش است و شبکه‌های چند بعدی و چندگانه تحقیقاتی دانشگاهیان در سراسر جهان گسترش یافته است.
- فعالیت گروهی در تحقیقات و انتشار کتابها و مقالات گروهی و جمع مؤلفان رو به افزایش است و دیگر آن تصور دانشمند و نویسنده گوشه‌نشین و منزوی و تنها در حال منسوخ شدن است.
- آموزش عالی در حال استاندارد شدن بیشتر است.
- دانش فراملیتی در حال تحقق یافتن است؛ این امر در سیاست علم اروپا کاملاً دیده می‌شود. اتحادیه اروپا در زمینه تحقیقات سرمایه‌گذاری می‌کند و هزینه‌های پژوهشی را می‌پردازد.
- نه تنها مدرسان و استادان، بلکه سیر و سفر دانشجویان نیز افزایش یافته و تعداد دانشجویان خارجی جهان در حال افزایش است. دانشجویان نه تنها از کشورهای در حال توسعه، بلکه از کشورهای توسعه یافته نیز به کشورهای دیگر می‌روند (فاضلی، ۱۳۸۷).

دانشگاه‌های سراسر جهان به‌طور فزاینده به دنبال افزایش تحرک و جابه‌جایی بین‌المللی دانشجویان خود هستند. برای دانشگاهی که دانشجویان و کارکنانش فعالانه در برنامه‌های تبادل بین‌المللی شرکت می‌کنند، مزایای بالقوه متعددی وجود دارد. اساساً این امر می‌تواند به افزایش اعتبار بین‌المللی دانشگاه، فرصت محک خوردن در برابر نمونه‌های موفق، ظرفیت توسعه روابط بین‌المللی، تنوع جمعیت دانشجویان و همچنین تمام مزایای نهفته در تنوع و دسترسی به بازارهای استخدامی بالقوه شود. اکنون دانشجویان به‌عنوان شهروندانی جهانی شناخته می‌شوند (سیسون و برنان، ۲۰۱۲).

هم‌اکنون کشور ایران با ضعف جدی در زمینه جذب دانشجوی خارجی روبه‌روست و مهم‌ترین جنبه آن در حوزه راهبردی و سیاستگذاری است. پس از پرکردن این خلأ راه برای اقدامات عملی و تمهید زیرساخت‌ها فراهم خواهد شد. پرسش این است که در این بازار بین‌المللی سهم کشور ما چقدر است؟ علی‌رغم توسعه کمی جهشی در آموزش عالی ایران که موجب شده است تعداد دانشجویان از

۱۷۵ هزار نفر در سال ۱۳۵۷ به حدود ۴ میلیون نفر در سال ۱۳۹۷ برسد، از نظر شاخص تعداد دانشجویان خارجی در چه وضعیتی هستیم؟ این مطالعه در جستجوی پاسخ به پرسش‌های زیر است:

۱- چه آموزه‌های نظری و تجربی در حوزه جذب دانشجویان خارجی وجود دارد؟

۲- برای ارتقای کمی و کیفی جذب دانشجویان خارجی چه الزامات و زیرساخت‌هایی نیاز است؟

وضع موجود جذب دانشجویان بین‌المللی در ایران و جهان

تعریف دانشجوی بین‌المللی

دانشجویان بین‌المللی به افرادی گفته می‌شود که برای تحصیل از مرزها عبور کرده‌اند، اما مقیم یا شهروند کشوری که در آن تحصیل می‌کنند نیستند (فکت شیت مؤسسه WES، ۲۰۱۴).

سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی (OECD) دانشجویان بین‌المللی را افرادی معرفی می‌کند که به دنبال تحصیلات تکمیلی به خارج از کشور خود سفر می‌کنند. علی‌رغم این تعریف، در هر کشور طبق نظام آموزش ملی آن کشور تعاریف متفاوتی از دانشجویان بین‌المللی ارائه می‌شود. در ادامه چند تعریف مختلف از دانشجویان بین‌المللی آمده است؛

در کشور استرالیا «دانشجویان بین‌المللی» افرادی هستند که فقط با ویزای رده‌های ۵۷۰ تا ۵۷۵ در خارج از کشور خود تحصیل می‌کنند. دانشجویانی که از حمایت مالی یا بورس تحصیلی کشور استرالیا استفاده می‌کنند و دانشجویانی که ویزای موقت دیگری دارند و در کشور استرالیا تحصیل می‌کنند، در این گروه نمی‌گنجد. برای نمونه، شهروندان نیوزلند برای تحصیل در کشور استرالیا به ویزا نیاز ندارند و بنابراین، جزو دانشجویان بین‌المللی محسوب نمی‌شوند.

در کشور ژاپن طبق قانون کنترل مهاجرت و پذیرش پناهندگان «دانشجویان بین‌المللی» به اتباع خارجی اطلاق می‌شود که در هر یک از دانشگاه‌ها، دانشکده‌های تحصیلات تکمیلی، دانشکده‌های مقدماتی، دانشکده‌های فنی،

کالج‌های آموزش حرفه‌ای یا دوره‌های مقدماتی دانشگاه‌های ژاپن از طریق ویزای «دانشجویی» مشغول به تحصیل هستند.

بر اساس تعاریف یادشده، دانشجویان بین‌المللی کسانی هستند که در مؤسسات آموزشی خارجی تحصیل می‌کنند که این مؤسسات هم شامل برنامه‌های بلندمدت و هم برنامه‌های کوتاه‌مدت می‌شوند.^۱

گاهی نیز از واژه «دانشجویان خارجی» استفاده می‌شود که چندان متداول نیست. دانشجویان خارجی دانشجویانی هستند که شهروند محل تحصیل خود تلقی نمی‌شوند. بنابراین ملاک تعریف در اینجا ملیت و حق شهروندی است. (نه محل اقامت)

مهم‌ترین کشورهای مبدأ

بر اساس برآوردی، هر سال نزدیک به ۷۵۰,۰۰۰ دانشجوی چینی و ۴۰۰,۰۰۰ دانشجوی هندی برای تحصیل به مؤسسات آموزش عالی در سراسر جهان تقاضا می‌دهند که نشان‌دهنده علاقه شدید دانشجویان این دو کشور به تحصیل در خارج از کشور است. کشورهای چین و هند به ترتیب با ۴۴۱,۱۸۶ و ۱۷۰,۲۵۵ دانشجوی سیار در سراسر جهان دو کشور مبدأ برتر از نظر دانشجویان بین‌المللی به‌شمار می‌روند. محرک‌های اصلی تحرک و جابه‌جایی دانشجویان چینی و هندی کاملاً مشابه است. از نظر عرضه، محرک‌های اصلی یکی افزایش رفاه است که توانایی پرداخت هزینه‌های آموزش در خارج از کشور را بالا می‌برد و دیگری گسترش سریع نظام آموزش عالی بدون لحاظ کردن کیفیت است. از نظر تقاضا، محرک‌های اصلی یکی رویکرد تهاجمی دانشگاه‌ها به پذیرش دانشجویان برای جبران کاهش بودجه و دیگری دسترسی به طیف وسیع‌تری از کانال‌های جذب نیرو و ارائه‌دهندگان خدمات است.

شرایط لازم

دانشجویان بین‌المللی آینده‌نگر معمولاً قبل از پذیرفته شدن در دانشگاه، در

1. Wikipedia, The free Encyclopedia, (2018, Dec 27) International student

آزمون‌های زبان خارجی همچون TOEFL، iTEP، PTE، IELTS، DELF یا DELE شرکت می‌کنند. با وجود اینکه برخی از دانشجویان بین‌المللی هنگام ورود به کشور مورد نظر زبان محلی آن را در سطح خوبی فرا گرفته‌اند، متوجه می‌شوند که توانایی‌های آنان در زبان خارجی که در داخل کشور خود عالی به نظر می‌رسید، برای درک سخنرانی‌ها یا انتقال افکار و مفاهیم به‌صورت روان و مکالمه سریع کافی نیست. (همان ماخذ)

کشورهای مقصد دانشجویان بین‌المللی

طبق گفته سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) در کنفرانس جهانی ۲۰۰۹ این سازمان درباره گزارش آموزش عالی، در سال ۲۰۰۲ بیش از ۲٫۵ میلیون دانشجو در خارج از کشور خود مشغول به تحصیل بودند. یونسکو همچنین پیش‌بینی کرد که تعداد دانشجویان بین‌المللی احتمالاً تا سال ۲۰۲۰ تا حدود ۷ میلیون نفر افزایش یابد. مقصدهای اصلی که دانشجویان بین‌المللی برای تحصیل در خارج از کشور ترجیح می‌دهند، کشورهای ایالات متحده، انگلستان، آلمان، فرانسه و استرالیا هستند. به‌طور کلی، تعداد دانشجویان بین‌المللی بین سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۷ بیش از دو برابر شده و به بیش از ۲ میلیون نفر رسیده است. با این حال، بیشترین افزایش درصد دانشجویان بین‌المللی در کشورهای نیوزلند، کره، هلند، یونان، اسپانیا، ایتالیا و ایرلند بوده است.

در سال‌های اخیر، برخی از کشورهای شرق آسیا و خاورمیانه جذب دانشجویان بین‌المللی را در سطحی وسیع آغاز کرده‌اند. این مناطق با اهداف بلندپروازانه و آشکار وارد بازار شده‌اند تا با جذب چند صد هزار دانشجوی بین‌المللی به کشورهای خود به مراکز آموزشی منطقه‌ای تبدیل شوند.^۱

کشورهای ایالات متحده، انگلستان و استرالیا

کشورهای ایالات متحده، انگلستان و استرالیا بیشترین تعداد دانشجویان بین‌المللی را دارند. از نظر اعداد و ارقام، ایالات متحده با دارا بودن حدود ۷۲۳،۲۷۷ ثبت‌نام از

دانشجویان خارجی در سال ۱۱-۲۰۱۰ یک‌هزار و نود و یک نفر از این رقابت به‌شمار می‌رود و کشورهای بریتانیا و استرالیا به ترتیب با ۳۳۰,۰۰۰ و ۲۸۰,۰۰۰ ثبت‌نام از دانشجویان کشورهای خارجی پس از ایالات متحده در بالاترین رتبه‌ها قرار دارند. حدود ۲۰۰,۰۰۰ نفر از دانشجویان بین‌المللی ایالات متحده آمریکا، ۱۶۰,۰۰۰ نفر از دانشجویان بین‌المللی کشور انگلستان و ۷۰,۰۰۰ نفر از دانشجویان بین‌المللی کشور استرالیا زبان انگلیسی را به‌عنوان زبان دوم فرا گرفته یا معادل آن را به‌عنوان مبحث درسی یا دوره آموزشی آموخته‌اند.

تحرك و جابه‌جایی بین‌المللی دانشجویان در دهه اول قرن ۲۱ با دو رویداد بزرگ خارجی؛ یعنی حادثه ۱۱ سپتامبر و رکود اقتصادی سال ۲۰۰۸ به‌کلی تغییر یافت. حادثه ۱۱ سپتامبر ایالات متحده را بر آن داشت تا شرایط صدور ویزا برای دانشجویان را سخت‌تر کند، در نتیجه کشورهای استرالیا و انگلستان از این فرصت استفاده کردند و در جذب دانشجویان بین‌المللی به موفقیت رسیدند. جریان رشد برای کشورهای استرالیا و انگلستان ادامه داشت، اما رکود اقتصادی سال ۲۰۰۸ به آشکار شدن دو بعد ثبت‌نام دانشجویان بین‌المللی در این کشورها منجر شد: یکی نسبت بالا و کنترل‌ناپذیر تعداد دانشجویان بین‌المللی در مقایسه با دانشجویان بومی و دیگری مسائل مربوط به کیفیت و برخاسته از به‌کارگیری شیوه‌های تهاجمی پذیرش نیرو در این کشورها بود. به گفته سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی^۱ در سال ۲۰۰۹ به ترتیب ۲۱,۵٪ و ۱۵,۳٪ از ثبت‌نام‌ها در آموزش عالی در کشورهای استرالیا و انگلستان مربوط به دانشجویان خارجی بوده که این آمار در ایالات متحده کمتر از ۴٪ بوده است.

طبق "گزارش ۲۰۱۰ این درز"^۲ که در وبسایت سفارت ایالات متحده در کشور چین منتشر شده است، تعداد ویزاهای صادر شده از سوی ایالات متحده برای دانشجویان چینی برای تحصیل در دانشگاه‌های ایالات متحده از بیش از ۹۸,۰۰۰ ویزا در سال ۲۰۰۹ به حدود ۱۲۸,۰۰۰ ویزا در اکتبر ۲۰۱۰ افزایش یافته که نشان‌دهنده رشد ۳۰ درصدی در یک سال بوده و کشور چین را به برجسته‌ترین

1 . OECD

2 . Open Doors

کشور مبدأ دانشجویان بین‌المللی تبدیل کرده است. تعداد دانشجویان چینی و به‌طور کلی، تعداد کل دانشجویان بین‌المللی با ویزای ایالات متحده برای تحصیل در کالج‌ها و دانشگاه‌ها حدود ۳ درصد و تا حدود ۶۹۱,۰۰۰ در سال تحصیلی ۲۰۱۰-۲۰۰۹ افزایش یافته است. این تعداد در سال تحصیلی ۲۰۱۳-۲۰۱۲ به رقم ۸۱۹۶۴۴ رسید مؤسسه اپن درز، (۲۰۱۳). از سوی دیگر، افزایش ۳۰ درصدی ثبت‌نام دانشجویان چینی عامل اصلی رشد در سال ۲۰۱۰ شناخته شد و در حال حاضر، دانشجویان چینی بیش از ۱۸ درصد از کل دانشجویان بین‌المللی را تشکیل می‌دهند.

براساس آمار دولت چین در سال ۲۰۱۶ میلادی، در حدود ۵۰۰،۵۶۶ نفر دانشجوی چینی برای تحصیل به خارج از این کشور رفته‌اند و ۵۰۰،۴۲۲ نفر به این کشور بازگشته‌اند. به عبارت دیگر سهم دانشجویان بازگشته به دانشجویان خارج شده از ۵۵ درصد در سال ۲۰۱۱ به حدود ۸۰ درصد در سال ۲۰۱۶ افزایش یافته است که از نظر مقدار مطلق افزایش ۱۳۲ درصدی در حجم سالانه دانشجویان بازگشتی در طول دوره ۵ ساله است (نمودار ۱۰) (هائو و همکاران ۲۰۱۷ در: صلواتی و ملکی، ۱۳۹۷)

کالج‌ها و دانشگاه‌های ایالات متحده برای مدتی طولانی پذیرای دانشجویان چینی بوده‌اند، زیرا نظام آموزش عالی چین پاسخگوی کل تقاضاها نیست. در سال ۲۰۱۰، ۱۰ میلیون دانشجو در سراسر چین در آزمون ورودی کالج ملی شرکت و برای ۵,۷ میلیون ظرفیت دانشگاه رقابت کردند. از آنجا که دانشجویان خارجی در دوره کارشناسی به‌طور معمول شرایط لازم برای دریافت کمک مالی فدرال ایالات متحده را ندارند، در این موقعیت کالج‌ها قادر به ارائه کمک‌های مالی اندکی هستند. در حال حاضر، به لطف اقتصاد پررونق چین در سال‌های اخیر، خانواده‌های چینی بیشتری استطاعت پرداخت هزینه‌های دانشکده‌های ایالات متحده و مواجهه با چالش‌های خارج از کشور را دارند. نگرانی در خصوص تقلب در نمرات آزمون و ریز نمرات هر از گاهی تیتز اول خبره‌است. حتی دانشجویان چینی که در آزمون تسلط به زبان انگلیسی توانایی بالایی از خود نشان می‌دهند، ممکن است در صحبت کردن و نوشتن به اندازه کافی تبحر نداشته باشند و نتوانند همگام با کلاس‌های درسی ایالات متحده، که با نوشتن مقاله و بحث و تبادل

نظر همراه هستند، پیش روند.^۱

کشورهای آلمان و فرانسه

در سال ۲۰۰۶ کشورهای آلمان و فرانسه با دارا بودن حدود ۲۰٪ از دانشجویان خارجی جهان یا ۵۱۵,۰۰۰ از ۲/۷ میلیون دانشجویی در حال تحصیل در خارج از کشور به‌عنوان بهترین کشورهای مقصد ثانویه آموزش عالی شناخته شدند. این رقم در سال ۲۰۱۳ به ۵۷۷۲۹۳ دانشجو افزایش یافت (اطلس دانشجویان بین‌المللی، ۲۰۱۴).

کشورهای ژاپن، کانادا و نیوزلند

کشورهای ژاپن، کانادا و نیوزلند به‌عنوان کشورهای مقصد در حال تکامل برای دانشجویان بین‌المللی شناخته شده‌اند. در سال ۲۰۰۶ کشورهای ژاپن، کانادا و نیوزلند با حدود ۳۲۷,۰۰۰ از ۲/۷ میلیون دانشجو که برای تحصیل در آموزش عالی به خارج از کشور خود سفر کرده بودند، روی هم حدود ۱۳ درصد از بازار دانشجویان بین‌المللی را در اختیار داشتند. در سال ۲۰۱۳ این سهم با افزایش یک درصدی به ۱۴ درصد رسید (اطلس دانشجویان بین‌المللی، ۲۰۱۴). در کشورهای کانادا تعداد دانشجویان هندی به‌طور گسترده افزایش یافته و تعداد آنها در سال ۲۰۱۰ در مقایسه با سال ۲۰۰۸ تا ۲۸۰ درصد رسیده است. سازمان‌هایی مانند Learnhub با ارائه خدمات مشاوره‌ای که دانشجویان هندی را به خارج از کشور می‌کشاند، از روند رو به رشد دانشجویان بین‌المللی هندی نهایت استفاده را می‌کنند.

کشورهای مالزی، سنگاپور و چین

کشورهای مالزی، سنگاپور و چین مقاصد در حال ظهور برای دانشجویان بین‌المللی هستند. این سه کشور با دارا بودن حدود ۲۵۰,۰۰۰ تا ۳۰۰,۰۰۰ دانشجو که در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ تصمیم گرفته‌اند در این کشورها در مقطع آموزش عالی ادامه تحصیل بدهند، سهمی حدود ۱۲٪ از بازار دانشجویان جهانی را به خود

1. Wikipedia, The free Encyclopedia, (2018, December 27) International student

اختصاص داده‌اند. این ارقام تا سال ۲۰۱۴ افزایش چشمگیری داشته، به‌گونه‌ای که فقط کشور چین ۸ درصد کل دانشجویان خارجی را در این سال به خود اختصاص داده است.

در مجموع، جریان دانشجویان بین‌المللی نشان‌دهنده سیر جنوب به شمال است؛ بدین معنا که دانشجویان آسیایی ادامه تحصیل در ایالات متحده را ترجیح می‌دهند.

برخی از کشورهای دانشجویپذیر جهان در زمینه جذب دانشجویان بین‌المللی تجارب ارزشمندی دارند. در کشور استرالیا به‌منظور تشویق دانشجویان به شرکت در طرح‌های مبادله دانشجویان بین‌المللی طرحی با عنوان «سفر به فرهنگ‌های دیگر» در دانشگاه ملیبورن در دست اجراست (گستا و همکاران، ۲۰۰۶).

در کشور نیوزیلند فشار تقاضا برای پذیرش دانشجوی خارجی موجب تعیین سهمیه برای دانشگاه‌ها شده است. یافته‌های این مطالعه در کشور نشان داد اگر چه دانشگاه‌های دولتی نیوزیلند از اهمیت نقش دانشجویان بین‌المللی در جریان درآمدزایی و بین‌المللی کردن مؤسساتشان آگاهی دارند، کنترل تعداد دانشجویان بین‌المللی و در نظر گرفتن اهداف دیگر را نیز حایز اهمیت می‌دانند (لین، اسمیت وری، ۲۰۰۶).

از آنجا که کشورهای مختلف جهان به نقش و اهمیت جذب دانشجوی خارجی پی برده‌اند، سبک‌های متعدد بازاریابی برای جذب دانشجوی خارجی شکل گرفته است. یکی از پژوهشگران در تحقیق خود چهار نمونه از سبک متفاوت بازاریابی دانشجویان بین‌المللی از کشورهای فنلاند، اسکاتلند، استرالیا و ژاپن را با هم مقایسه کرده است (اینگر، آسکهاو، ۲۰۰۷).

در دهه گذشته این اتفاق نظر به‌وجود آمده است که تجارب تحصیل در خارج از کشور فقط برای دانشجویانی که قصد تحصیل در رشته زبان آن کشور را دارند ارزشمند نیست، بلکه کسب تجاربی حیاتی برای دانشجویان ثبت نام شده در رشته‌های بازرگانی پیش‌بینی شده است. این تغییر از اوایل سال ۱۹۸۰ میلادی ایجاد شد، هنگامی که پیدا کردن برنامه‌ای برای تجارت و کسب و کار بسیار دشوار و کمیاب بود؛ در آن شرایط بر ادامه تحصیل در کشورهای دیگر برای دانشجویان

بازرگانی تأکید شد. ماهیت و ارزش کسب و کار و تجارت جهانی به‌طور فزاینده در حال افزایش است و نیاز برای برقراری ارتباط با مردم توسط افراد حرفه‌ای در تجارت، زمینه‌ای قوی را برای ادامه تحصیل دانشجویان در خارج از کشور ایجاد می‌کند. مطالعه چالش‌های دانشجویان در خارج از کشور، موقعیت‌ها و فضاهای ناشناخته را مشخص کرده است و دانشجویان بیشتر درباره خود می‌آموزند و مجبور به نگاه انتقادی به ارزش‌ها می‌شوند (اینیس کلیتز و کلارک، ۲۰۰۳).

اوایل دهه ۱۹۸۰ کالج‌های بازرگانی سعی کردند راه‌هایی را برای بین‌المللی کردن استادان، دانشجویان و دوره‌های آموزشی خود پیدا کنند. در مواجهه با اقتصاد جهانی، لازم بود تا دانشگاه‌ها چالش‌های موجود را بشناسند. در این خصوص، استراتژی‌های مختلفی به کار گرفته شد، مانند تزریق موضوعات جهانی در کلاس‌ها، ایجاد دپارتمان‌های بازرگانی بین‌المللی و اجرای برنامه‌های CIBER، (مرکز آموزش و تحقیقات بازرگانی بین‌المللی). اگرچه مدارس کلیه این موارد را به کار برده‌اند، ولی بیشترین موفقیت‌ها از طریق کسب تجارب و شرکت در برنامه‌های تحصیلی خارج از کشور بوده است (سیدلی دولینگرو و ویل، ۲۰۰۳).

از منظر نهادهای سنتی اساسی‌ترین مشتری دانشگاه دانشجویان و والدینشان هستند. درعین حال، دانشجویان محصول هستند و تحصیل در خارج از کشور وسیله‌ای است که این محصولات را توسعه و بهبود می‌دهد و اعضای هیئت علمی بازیگران اصلی و کلیدی در ایجاد این بهبود و توسعه‌اند (یوکاس، ۲۰۰۳).

هم‌اکنون بیشتر کشورهای جهان به‌ویژه کشورهای در حال توسعه‌ای چون مالزی، ترکیه، سنگاپور، امارات متحده عربی، جمهوری آذربایجان و ارمنستان و... برنامه‌های مدون و بلند پروازانه‌ای برای توسعه جذب دانشجوی خارجی تدارک دیده‌اند.

به‌دلیل مزایای بی‌بدیل تحرک بین‌المللی دانشجویان، سهم درآمد برخی کشورها از این محل قابل توجه است، همان‌گونه که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود.

جدول ۱. درآمد کشورها از جذب دانشجویان خارجی به میلیارد دلار

کشور	۲۰۱۰-۲۰۱۱	۲۰۱۵	۲۰۱۷
امریکا	۱۸	۲۸	۳۹,۴
استرالیا	۱۵	۱۶	۲۵ دلار استرالیا
انگلستان	۱۴/۱		۲۲
کانادا	۶		
نیوزلند	۱/۵		

منبع: www.iie.org

ایضا: معاونت پژوهشی سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی ۱۳۸۸، Opendoors, 2017

امروزه، تأثیرات مالی جابه‌جایی دانشجویان بر اقتصاد کشور میزبان مورد توجه محققان قرار گرفته است.

بهبود دسترسی دانشجویان به مؤسسات آموزش عالی و برنامه‌های آموزشی‌شان به توانایی‌های فردی و مهارت‌هایشان وابسته است. اطلاعات جمع‌آوری شده از سراسر جهان بیانگر روند رو به بالای تحرک دانشجویان بین‌المللی است و در کشورهای میزبان مجموعه دانشجویان بین‌المللی شکل گرفته است. یافته‌ها بیانگر رشد ۵ برابری جمعیت دانشجویان در مؤسسات آموزش عالی خارج از کشورشان است. موج انتقالات دانشجویی در سطح بین‌المللی نه تنها سبب تأثیرات فردی در دانشجویان شده، بلکه در توسعه اجتماعی، مالی و اقتصادی کشورهای میزبان مؤثر بوده است؛ به‌عبارت دیگر، این کشورها از حضور دانشجویان به دنبال سود و منفعت هستند (مونچ و هوک، ۲۰۱۳).

در مقاله دلیپیر و همکارانش به اهمیت رقابت مالی و مبادله سرمایه انسانی از طریق مهاجرت دانشجویی پرداخته شده است. در این مقاله تجزیه و تحلیل اصولی از مهاجرت دانشجویان و کارکنان، که تحت رقابت دانشگاه‌ها و دولت‌ها شکل می‌گیرد، صورت گرفته است. مهاجرت دانشجویی اثر رقابتی در آموزش را به‌دنبال

دارد، در حالی که مهاجرت کارکنان اثر «سواری مجانی» را [برای دولت‌هایی که مایل به پرداخت یارانه آموزشی برای کارکنانی نیستند که در خارج از مرزها کار می‌کنند] به دنبال دارد. در حالت تعادل، همواره اثر «سواری مجانی» بر «رقابت» غالب است و در نتیجه، سرمایه‌گذاری بر سرمایه انسانی مسلط می‌شود. این ناکارآمدی را می‌توان با بودجه دانشگاه‌های خارجی اصلاح کرد، در صورتی که انتقال دانشجویان به خارج از مرزها اجرایی شود. با وجود درآمد درونزا، مالیات و برابری غیر مشارکتی دولت‌ها اثر «سواری مجانی» و «رقابت» به سرمایه‌گذاری در هر دو بخش آموزش و تحقیق منجر خواهد شد. به علاوه، این امر می‌تواند سبب تقویت رقابت مالی و تکمیل مبادله سرمایه انسانی کارآمد شود (دلپیر و ورهیدن، ۲۰۱۴).

در برنامه نظرسنجی‌ای که انجمن بین‌المللی دانشگاه‌ها^۱ به عمل آورد، جابه‌جایی دانشجویان و استادان به‌عنوان اولویت اول بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها بیان شد (کینت، ۲۰۰۳). نیکلسکو و همکاران (۲۰۰۹) برجسته‌ترین شاخص بین‌المللی شدن آموزش عالی را جابه‌جایی دانشجویان بیان کرده‌اند. ابرسل^۲ جذب دانشجویان خارجی در دانشگاه‌ها را از مصادیق بین‌المللی شدن آموزش عالی می‌داند. همچنین بک و همکاران^۳ دانشجویان خارجی و خدمات حمایتی از آنها را از مصادیق بین‌المللی شدن آموزش عالی می‌دانند (نقل از: عارفی، ۱۳۸۴).

نایت و دی ویت (دلایل علمی مرتبط با اعتبار و وجهه دانشگاه، انگیزه‌های اقتصادی و مالی، ملاحظات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و دیپلماتیک، هراس از بهتر عمل کردن دانشگاه‌ها و مؤسسات رقیب را چهار گروه از عواملی می‌دانند که بر بین‌المللی شدن برای جذب دانشجویان خارجی تأثیر می‌گذارند. لfter و باگدن^۴ (۲۰۰۷) سیر تکاملی بازار کار، تخصصی شدن تحقیقات علمی، جذب دانشجویان خارجی و به‌کارگیری فناوری‌های نوین را مهم‌ترین عواملی می‌دانند که دانشگاه‌ها را در خصوص بین‌المللی شدن تحت فشار می‌گذارند. راسین و همکاران^۵ (۲۰۰۳)

1. International Association of Universities (IAU)

2. Ebersole

3. Back et al.

4. Lefter and Bogdan

5. Racine et.al.

جذب دانشجویان خارجی را عنصری کلیدی و حیاتی در فعالیت‌های بین‌المللی دانشگاه‌ها می‌دانند (فتحی و اجارگاه و همکاران، ۱۳۹۰).

به‌طور کلی، زبان آموزشی دانشگاه‌ها، هزینه زندگی و شهریه تحصیلی، سیاست‌های مهاجرتی، شهرت علمی دانشگاه‌ها، نزدیکی جغرافیایی و... از عوامل تأثیرگذار برای ایجاد انگیزه در دانشجویان خارجی برای انتخاب کشور مقصد است (OECD, 2009).

نگاهی به سیر افزایش کمی دانشجویان خارجی در سطح جهان بیانگر جهش این تعداد به میزان حدود سه برابر در دهه اخیر بوده است (جدول ۲). افزایشی که کشور ایران آن را تجربه نکرده است.

جدول ۲. سیر تحول تعداد دانشجویان خارجی در جهان

۸۰۰۰۰۰	تعداد دانشجویان خارجی در سال ۱۹۷۵
۱۲۰۰۰۰۰	تعداد دانشجویان خارجی در دهه ۲۰۰۰-۱۹۹۰
۲۷۰۰۰۰۰	تعداد دانشجویان خارجی در سال ۲۰۰۵
۳۷۰۰۰۰۰	تعداد دانشجویان خارجی در سال ۲۰۰۹
۴۳۰۰۰۰۰	تعداد دانشجویان خارجی در سال ۲۰۱۲
۵۴۰۰۰۰۰	تعداد دانشجویان خارجی در سال ۲۰۱۴
۷۲۰۰۰۰۰	پیش‌بینی تعداد دانشجویان خارجی در افاق ۲۰۲۵
٪۵۰	سهم قاره آسیا از دانشجویان خارجی جهان

منبع: OECD, 2011 و اطلس دانشجویان بین‌المللی، ۲۰۱۴

بر طبق گزارش سازمان همکاری و توسعه اقتصادی «آموزش در یک نگاه» (۲۰۱۱) ثبت‌نام دانشجویان بین‌المللی، از دهه ۷۰ میلادی رشد باثباتی داشته، به‌طوری‌که پذیرش دانشجویان بین‌المللی از ۸۰۰ هزار دانشجو در سال ۱۹۷۵ به بیش از ۳/۷ میلیون دانشجو در سال ۲۰۰۹ رسیده است (OECD, 2011).

در سال ۲۰۱۵، حدود ۳/۳ میلیون دانشجوی بین‌المللی در کشورهای حوزه OECD مشغول به تحصیل بوده‌اند. پنج کشور میزبان اصلی دانشجویان بین‌المللی در حوزه

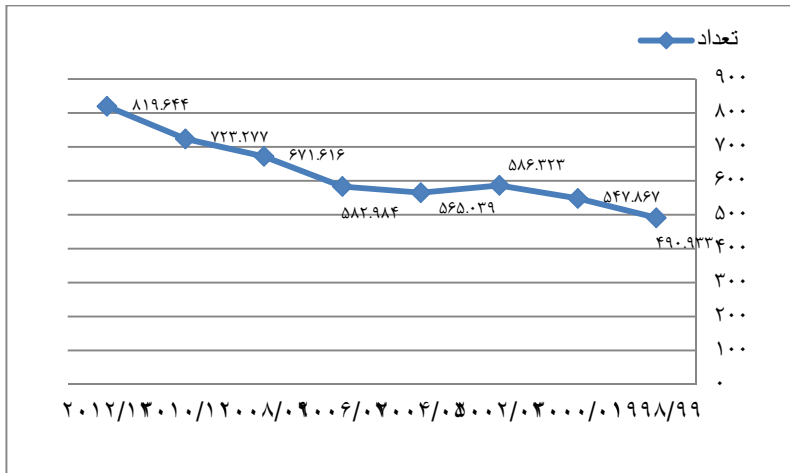
OECD حدود ۷۰٪ دانشجویان این حوزه را جذب خود کرده‌اند و پنج کشور اصلی دانشجوی فرست کمتر از ۴۰٪ کل مهاجران ارسالی به این حوزه را داشته‌اند. بیشتر دانشجویان سیار در کشورهای حوزه OECD از چین (۲۰٪) بعد از آن هند (۷٪) آلمان (۴٪) کره، فرانسه و عربستان سعودی (یا گستره ای بین ۲ تا ۳ درصد) می‌آیند (OECD, ۲۰۱۷).

محبوب‌ترین گزینه‌های مقصد همه متقاضیان سال ۲۰۱۷ عبارتند از: ایالات متحده آمریکا (۴۸٪)، انگلستان (۴۲٪)، کانادا (۳۴٪)، استرالیا (۲۸٪) و آلمان (۲۸٪) در کل، ایالات متحده آمریکا و انگلستان به ترتیب اول و دوم بوده‌اند. (applicant survey, 2018)

تعداد دانشجویان در خارج از کشور بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ در آسیا و کشورهای عربی رشد بالایی داشته است، اما در اروپا و سایر مناطق جهان این تعداد رشد چندانی نشان نمی‌دهد (۲۰۱۶، Unesco).

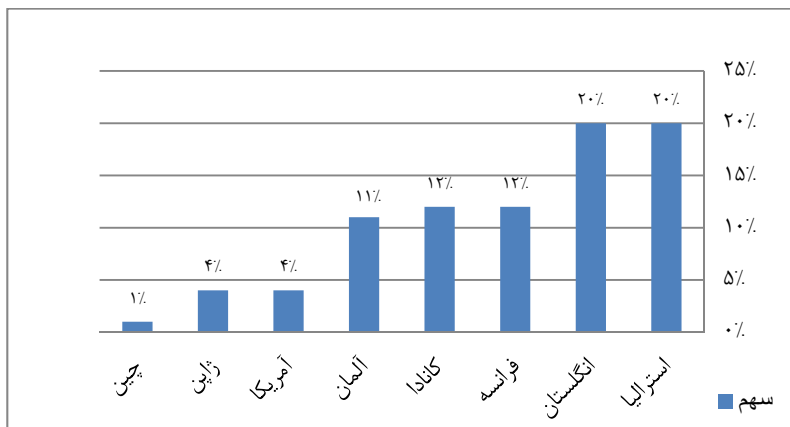
همچنین پیش‌بینی شده است که تعداد دانشجویان بین‌المللی از ۱/۲ میلیون در سال ۲۰۰۰ به بیش از ۷/۲ میلیون دانشجوی در سال ۲۰۲۵ برسد که در آن سال آسیا بیشترین تأمین‌کننده تقاضای جهانی است، همچنین در قاره آسیا کشورهای چین و هند دو کشور کلیدی هستند و نیمی از تقاضای جهانی از آن‌هاست (بوهمن و همکاران، ۲۰۰۲).

مطابق نمودار ۱ میزان جذب دانشجوی خارجی در کشور آمریکا از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۲ حدود دو برابر شده است.



نمودار ۱. روند رشد ثبت‌نام دانشجویان بین‌المللی در کشور آمریکا

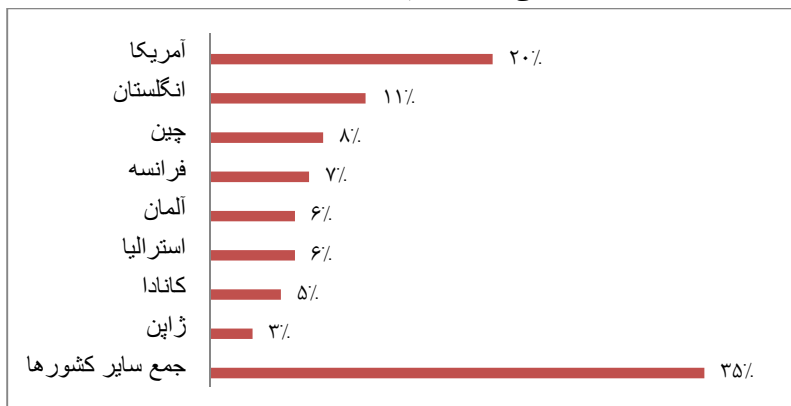
در نمودار ۲ سهم کشورهای منتخب و پیش‌تاز از ثبت‌نام شدگان در سال ۲۰۱۴ (فقط یک سال) نشان داده شده است. در این میان دو کشور استرالیا و انگلستان هرکدام با ۲۰ درصد، در صدر قرار دارند.



نمودار ۲. سهم کشورهای دانشجوی پذیر از ثبت نام شدگان در سال ۲۰۱۴

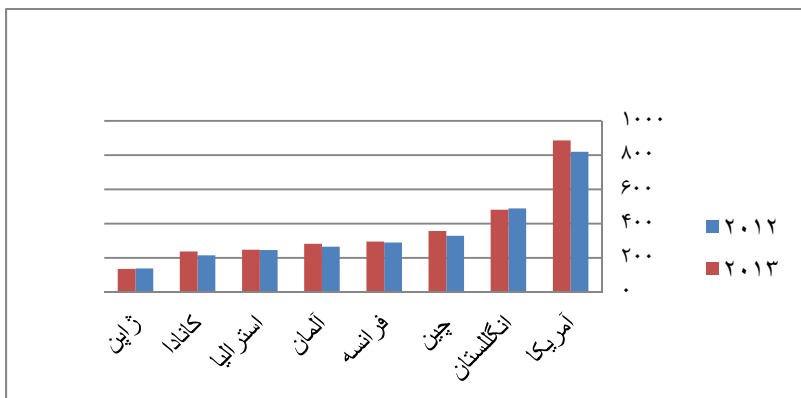
منبع: Atlas of Student Mobility

اما از نظر کل دانشجویان مشغول به تحصیل، کشور امریکا با ۲۰ درصد از کل ۴,۵ میلیون دانشجوی خارجی در جهان پیشتاز است.



نمودار ۳. کل دانشجویان بین‌المللی در سال ۲۰۱۴: ۴/۵ میلیون نفر

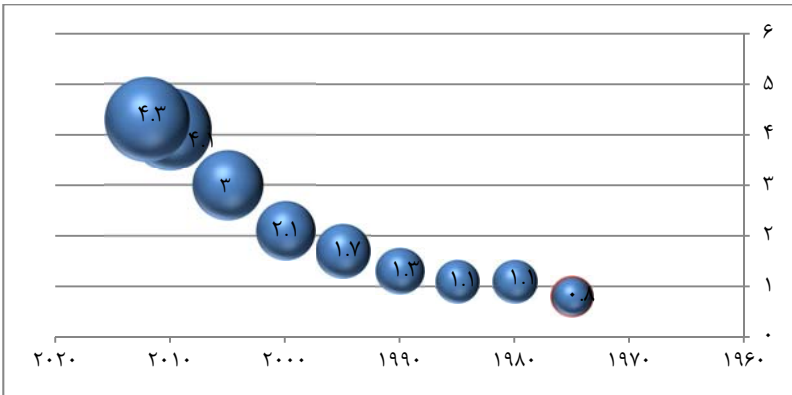
منبع: atlas of Student Mobility و ایضاً <http://www.iie.org/projecatlas>



نمودار ۴: میزان برتر دانشجویان در سراسر دنیا در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳

منبع: Atlas of Student Mobility

علی‌رغم این افت و خیزها، نمودار ۵ نشان می‌دهد که تعداد دانشجویان خارجی در سطح جهان از ۸۰۰ هزار نفر در سال ۱۹۷۵ به ۴,۳ میلیون نفر در سال ۲۰۱۲ رسیده است. این رشد بیش از پنج برابری جهش محسوب می‌شود.



نمودار ۵. تعداد ثبت‌نام دانشجویان خارجی به میلیون نفر در سال‌های مختلف

در نمودار ۶ مبدأ و مقصد دانشجویان در سراسر جهان بازنمایی شده است. در این میان قاره اروپا هم به‌عنوان مقصدی ایده‌آل و هم به‌عنوان قاره دانشجو فرست، نقش و جایگاه ویژه‌ای در تحرک بین‌المللی دانشوران ایفا کرده است. قاره آسیا نیز رتبه نخست را در بین مناطق دانشجو فرست دارد.



نمودار ۶. مبدأ و مقصد دانشجویان خارجی در سراسر جهان

منبع: UNESCO- Institute for Statistics, Education database 201, HIS calculations

برخی از محققان کشورهای جهان را در این زمینه به چهار گروه پیشرو، میانه، در حال توسعه و نوظهور تقسیم کرده‌اند.

جدول ۳. طبقه‌بندی کشورهای مهم در زمینه جذب دانشجویان بین‌المللی

کشورهای پیشرو	آمریکا، انگلستان و استرالیا
کشورهای میانه	آلمان و فرانسه
کشورهای در حال توسعه	ژاپن، کاندا و نیوزیلند
کشورهای نوظهور	مالزی، سنگاپور و چین

منبع: وربیک و لیزنسکی، به نقل از خراسانی و همکاران، ۱۳۹۰

موضوع جذب دانشجوی بین‌المللی آن‌قدر اهمیت دارد که برخی از مطالعات به برآوردهای کمی و پیش‌بینی‌های آینده‌نگر در این خصوص پرداخته‌اند که نمونه آن مطالعه‌ای است که در سال ۲۰۰۴ با عنوان "پیش‌بینی مهاجرت دانشجویان بین‌المللی، چشم‌انداز ۲۰۲۰" صورت گرفت. در این مطالعه مدلی ارائه شده است که تقاضای جهانی برای دانشجویان بین‌المللی ۱۴۴ کشور در بازه زمانی ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۰ را پیش‌بینی می‌کند. بازار آینده کشور انگلستان به تغییرات در پذیرش دانشجو از کشورهای بزرگ انگلیسی زبان وابسته خواهد بود. به‌واسطه واکاوی‌های تحلیلی بازار، عوامل کلیدی زیر بر انتخاب دانشجویان مؤثرند:

- کیفیت تحصیل
 - پیش‌بینی استخدام در آینده
 - تأمین و امنیت شخصی
 - سبک زندگی
 - دسترسی به تحصیل
- با مدل مذکور پیش‌بینی می‌شود که تقاضای جهانی برای به‌کارگیری دانشجویان بین‌المللی از ۲,۱ میلیون در سال ۲۰۰۳ به ۵,۸ میلیون در سال ۲۰۲۰ افزایش خواهد یافت. با افزایش تقاضا در پنج کشور مقصد انگلیسی زبان افزایشی از حدود یک میلیون موقعیت به ۲,۶ میلیون پیش‌بینی می‌شود. همچنین قاره آسیا

در زمینه تقاضا برای کشورهای انگلیسی زبان پیشی خواهد گرفت (جدول ۴). تقاضا برای تحصیل در دانشگاه‌های انگلستان به شرح جدول ۵ است.

جدول ۴. روند رشد دانشجویان خارجی در جهان

رشد	۲۰۲۰	۲۰۱۵	۲۰۱۰	۲۰۰۵	۲۰۰۳	
افریقا	۱۴۶	۱۱۳	۸۷	۶۷	۶۳	%۵/۲
خاورمیانه	۷۳	۶۰	۴۹	۳۹	۳۷	%۴/۲
آسیا	۱۸۶۲	۱۳۴۷	۹۴۳	۶۱۲	۵۲۸	%۷/۱۸
آمریکا	۲۰۹	۱۸۱	۱۵۶	۱۳۴	۱۲۷	%۳/۱۰
اروپا	۳۱۳	۲۸۹	۲۶۲	۲۳۵	۲۲۶	%۲/۱۰
جهان	۲۶۱۴	۲۰۰۰	۱۵۰۷	۱۰۹۶	۹۸۸	%۶/۱۰

منبع: Compound annual growth

جدول ۵. تقاضا برای تحصیل در دانشگاه‌های انگلستان

کشور	۲۰۲۰	۲۰۱۵	۲۰۱۰	۲۰۰۵	۲۰۰۳	رشد
افریقا	۴۴	۳۴	۲۶	۲۰	۱۹	%۵/۳
خاورمیانه	۲۰	۱۶	۱۳	۱۰	۱۰	%۴/۴
آسیا	۲۶۶	۱۸۸	۱۳۰	۸۵	۷۴	%۷/۹
آسیای میانه	۱۶۴	۱۱۲	۷۵	۵۰	۴۳	%۸/۳
جنوب شرق آسیا	۴۸	۳۷	۲۷	۲۰	۱۹	%۵/۹
آسیای جنوبی	۵۳	۳۸	۲۷	۱۵	۱۲	%۹/۱
آمریکا	۳۳	۳۰	۲۶	۲۳	۲۳	%۲/۳
اروپا	۱۴۶	۱۳۷	۱۲۷	۱۱۵	۱۱۱	%۱/۶
غرب	۱۲۵	۱۱۹	۱۱۲	۱۰۳	۹۹	%۱/۴
شرق	۲۰	۱۸	۱۵	۱۳	۱۲	%۳/۳
اقیانوسیه	۳	۲	۲	۲	۲	%۲/۱۰
مجموع جهان	۵۱۱	۴۰۷	۳۲۵	۲۵۶	۲۳۸	%۴/۷

منبع: Bohm et al., 2004

براساس واکاوی صورت گرفته، موضوعات مورد تقاضا به شرح زیر تغییر خواهند کرد:

- بازرگانی و مطالعات مربوط به آن. نسبت دانشجویان بین‌المللی که در چنین رشته‌هایی نام‌نویسی کرده‌اند، از ۲۱ درصد در سال ۲۰۰۳ به ۲۶ درصد در سال

۲۰۲۰ خواهد رسید.

- رشته علوم کامپیوتر بیشترین رشد با ۸,۵ درصد را خواهد داشت.
- رشته‌های هنر و علوم انسانی از ۱۸٪ در سال ۲۰۰۳ به ۱۴٪ در سال ۲۰۲۰ خواهد رسید (Bohm et al., 2004).

روندهای جابه‌جایی دانشجویان تحصیلات تکمیلی تا سال ۲۰۲۴ یافته‌ها و پیش‌بینی‌های جالبی را به‌دست می‌دهد که گزارش شورای بریتانیا مطالعه‌ای آینده پژوهانه در این زمینه است.

این گزارش بر نقل و انتقال دانشجویان کارشناسی ارشد متمرکز است و بر مبنای دو گزارش پیش‌بینی بریتانیایی با عنوان "رشد جهانی و فرصت‌های در حال ظهور تا سال ۲۰۲۰" و "دانشجویان جابه‌جا شده تا سال ۲۰۲۴" تهیه شده است. در مطالعه حاضر محرک‌های اصلی جابه‌جایی در میان دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد تا سال ۲۰۲۴ و بررسی بزرگ‌ترین بازارهای رشد یافته ورودی و خروجی در دهه آینده واکاوی شده است.

پوشش داده‌ها:

برای این تحقیق ۲۳ بازار خارجی و ۶ بازار داخلی در زمینه آموزش عالی بین‌المللی بر اساس اهمیت انتخاب شدند. پیش‌بینی انتقالات دانشجویی بر اساس اطلاعات جمعیت شناختی و اقتصادی برای هر بازار به‌صورت روند تاریخی و الگوی تجارت دوجانبه و نیز بر اساس شاخص‌های در دسترس صورت پذیرفته است.

پیش‌بینی‌های کلیدی:

- در سال ۲۰۲۴ کشور هند یکی از بزرگ‌ترین جمعیت‌های دارای سن دهه سومی (دانشگاهی) با عددی بالغ بر ۱۱۹ میلیون را خواهد داشت.
- کشور چین دومین جمعیت دارای سن دانشگاه خواهد بود و کاهش ۳۰ میلیونی از سال ۲۰۱۲ و برابر با ۷۹ میلیون در سال ۲۰۲۴ است.
- کشور هند با تعداد ۴۸ میلیون بیشترین تعداد ثبت‌نام در آموزش عالی را در سال ۲۰۲۴ خواهد داشت و به دنبال آن کشورهای چین (۳۷ میلیون)، ایالات متحده (۲۲ میلیون) و اندونزی (۱۱ میلیون) خواهند بود.

- بالاترین رشد متوسط سالانه انتقالات به خارج از مرزها به کشورهای نیجریه (با ۸,۳ درصد)، هند (۷,۵ درصد)، پاکستان (۶,۴ درصد) و عربستان سعودی (۵,۲ درصد) تعلق دارد.
 - کشور چین بزرگ‌ترین منبع دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی در سال ۲۰۲۴ خواهد بود، با خروجی کل دانشجویان ۳۳۸۰۰۰ نفر در مقایسه با کشور هند که ۲۰۹۰۰۰ نفر است.
 - تا سال ۲۰۲۴، ایالات متحده به کشور شماره یک در ورودی دانشجویان تبدیل می‌شود، با میزبانی ۴۰۷۰۰۰ نفر و پس از آن کشورهای انگلستان با ۲۴۱۰۰۰ نفر، آلمان با ۱۱۳۰۰۰ نفر و استرالیا با ۱۱۲۰۰۰ نفر قرار دارند.
 - کشورهای استرالیا و کانادا بالاترین رشد متوسط سالانه در دوره‌های تحصیلات تکمیلی را خواهند داشت.
 - کشور آمریکا به رشد ۴ درصدی در بازار ورودی تحصیلات تکمیلی دست می‌یابد.
 - کشورهای بریتانیا و ژاپن رشد ۳,۵ درصدی و ۱,۶ درصدی خواهند داشت.
 - انتظار می‌رود جریان دوسویه مهاجرت‌ها در دوره‌های تحصیلات تکمیلی از کشورهای چین و هند به کشورهای مقصد تا سال ۲۰۲۴ باقی بماند (شورای بریتانیا، ۲۰۱۴).
- بجز انگلستان، پاره ای دیگر از کشورهای پیش‌تاز اهداف کمی خود را برای آینده اعلام کرده‌اند. در جدول زیر افق چهار کشور دیگر را ملاحظه می‌کنید.

جدول ۶. اهداف کمی و چشم‌اندازهای کشورهای میزبان

کشور	افق	تعداد دانشجویان
چین	۲۰۲۰	۵۰۰,۰۰۰
کانادا	۲۰۲۲	۴۵۰,۰۰۰
ژاپن	۲۰۲۰	۳۰۰,۰۰۰
آلمان	۲۰۲۰	۳۵۰,۰۰۰

منبع: www.iie.org/opendoors

جدول زیر سهم کشورها را از بازار بین‌المللی جذب نشان می‌دهد. کشور ما در این

بازار حضوری ندارد:

جدول ۷. سهم کشورها از تحرک بین‌المللی دانشجویان در سال ۲۰۱۷

کشور	کشور	کشور	کشور
امریکا	۲۴٪	کانادا	۷٪
انگلستان	۱۱٪	روسیه	۶٪
چین	۱۰٪	آلمان	۶٪
استرالیا	۷٪	روسیه	۲۳٪
فرانسه	۷٪		

منبع: http://OECD.org/migration/froum_migration-statisticis

سهم امریکا در سال ۲۰۰۱ از کل دانشجویان بین‌المللی ۲۸٪ بوده و در طول ۱۶ سال ۴٪ کاهش داشته است در عوض سهم استرالیا از ۴٪ به ۷٪ ارتقا یافته است. البته امریکا توانسته است در ۵ سال گذشته این روند کاهشی را که در نتیجه فضای پس از حادثه ۱۱ سپتامبر متوقف کند.

در پایان باید گفت که کشورهای پیشتاز راهبردهای مدون خود را برای جذب دانشجویان بین‌المللی منتشر می‌کنند. جدول زیر برخی از این راهبردها را نشان می‌دهد:

جدول ۸. راهبرد برخی کشورهای دانشجوی‌پذیر برای جذب دانشجوی خارجی ۲۰۱۶-۲۰۱۷

کشور	راهبردها
کانادا	<ul style="list-style-type: none"> طراحی فرآیند مهاجرت جدید امتیاز ویژه برای کسانی که اقامت کانادا و پیشنهاد کار اخذ کرده‌اند
آلمان	<ul style="list-style-type: none"> هزینه حداقل مشوق‌های شغلی آموزش تکمیلی یادگیری زبان انگلیسی
چین	<ul style="list-style-type: none"> کارآموزی برای دانشجویان خارجی فرصت شغلی برای کار در صنایع برتر و تجارت الکترونیک که قصد دارند نیروی کار خود را ارتقا دهند. اعطای بورسیه
ژاپن	<ul style="list-style-type: none"> کارآموزی شرکت‌های پایین دستی تسهیل در پیدا کردن شغل دوره‌های آموزش زبان ژاپنی

منبع: <http://iie.org/opendoorsreport>

اما در کشور ما به اعتقاد خراسانی و زمانی منش (۱۳۹۱) عوامل تأثیرگذار در جذب دانشجویان بین‌المللی عبارت‌اند از: زبان آموزشی، هزینه زندگی و شهریه تحصیلی و سیاست‌های مهاجرتی.

همچنین ارتباط زیادی بین جذب دانشجویان بین‌المللی و عواملی همچون پیوند تاریخی، زبان مشترک و نظام آموزشی مشابه وجود دارد. برای مثال، جابه‌جایی دانشجویان بین کشورهای مالزی، سنگاپور و چین به‌طور چشمگیر به دلیل شباهت زبانی، اجتماعی و فرهنگی است. شهرت علمی دانشگاه‌ها، نزدیکی جغرافیایی، نظام‌های آموزشی مشابه، ارتباطات تاریخی، وجوه فرهنگی، شفافیت و انعطاف‌پذیری دروس ارائه شده و فرصت‌های شغلی ایجاد شده از عوامل تأثیرگذار در جذب دانشجویان بین‌المللی است (OECD, 2008). راسین^۱ و همکاران (۲۰۰۳) پیشنهاد می‌کنند که برای درک بهتر عوامل مشوق جذب دانشجویان بین‌المللی، زمینه‌های اجتماعی و جغرافیایی خاص هر دانشگاه مد نظر قرار گیرد و با توجه به آن زمینه‌ها به پذیرش دانشجویان بین‌المللی اقدام شود.

در سال ۲۰۰۸ کشورهای ترکیه بالغ بر ۲۰،۲۱۹، عربستان ۱۸،۷۲۵، آذربایجان ۵،۴۶۴ و ارمنستان ۴،۴۵۶ دانشجوی بین‌المللی داشته‌اند، اما در همین سال ۱،۲۳۳ دانشجوی بین‌المللی در کشور ایران تحصیل می‌کردند که نسبت به کشورهای همسایه دارای افت تعداد بوده است (خراسانی و زمانی منش، ۱۳۹۱).

همچنین مقایسه کشور ایران با کشورهای منطقه مانند مصر (۳۵،۰۳۱) دانشجوی خارجی، لبنان (۲۲،۶۷۴) دانشجوی خارجی و ترکیه (۱۹،۲۵۷) دانشجوی خارجی) نشان می‌دهد که از نظر آماری دانشگاه‌های کشور در این زمینه وضعیت نامناسبی دارند (UNESCO, 2010).

نگاهی به آمار دانشجویان خارجی در برخی از کشورهای رقیب ایران در قاره آسیا ضعف و عقب‌ماندگی ایران را در این زمینه نشان می‌دهد (جدول ۹).

جدول ۹. تعداد دانشجویان خارجی برخی از کشورهای آسیایی رقیب ایران

کشور	سال	۲۰۰۲	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۴	۲۰۱۵
ترکیه	۱۲۰۰				۱۵۰۰۰	۴۰۰۰۰	
امارات متحده					۳۰۰۰۰	۵۴۱۶۲	۱۰۰۰۰۰
سنگاپور					۸۰۰۰۰		۱۵۰۰۰۰
مالزی		۴۸۰۰۰	۷۱۰۰۰	۸۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰	۱۵۰۰۰۰	

منابع: مشاهده شده در

http:// Malaysia higher education 2008 ایضاً www.alef.ir/18851/1386/9/14

دولت سنگاپور به‌عنوان یک راهبر، برای تحقق هدف بلندمدت سال ۲۰۱۵ برای جذب استعدادهای درخشان به دانشگاه‌ها یارانه پرداخت می‌کند. اما راهبرد کشور امارات تبدیل شدن به قطب^۱ علمی – فرهنگی خاورمیانه است. در این کشور فستیوال سالانه متفکران خاورمیانه با هدف توسعه بین‌المللی شدن برگزار می‌شود. مرکزیت اجرای این طرح با کالج عالی تکنولوژی^۲ با حمایت ام‌آی‌تی. هاروارد و استنفورد و با مدیریت کلان و سیاستگذاری انگلیسی‌هاست. احداث قریه‌المعرفه^۳ که تا سال ۲۰۱۲ حدود سی هزار دانشجو جذب کرده است نیز در جهت تبدیل شدن به مرکزیت منطقه‌ای آموزش عالی دنبال شده است. کشور ترکیه حرکت خود را در این زمینه دیرتر از بقیه کشورهای آسیایی آغاز کرده است. بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر، چهار دانشگاه ترکیه (اوتادغو، غازی، آنکارا و حاجت تپه) طرحی برای جذب دانشجویان خارجی مسلمان به نخست وزیر این کشور ارائه دادند. راهبرد کشور مالزی در این زمینه بالا بردن کیفیت و پایین آوردن هزینه است. در این کشور بر اساس آمار ارائه شده، تعداد دانشجویان خارجی در سه سال گذشته جهشی بیش از صد درصد داشته است. درایران در برنامه ششم توسعه هدف کمی ۷۵ هزار دانشجو در نظر گرفته شده

1. Hub
2. Higher Colleges of Technology
3. Knowledge Village

است. درسالهای اخیر در ایران رشد تعداد دانشجویان خارجی زیاد بوده است. اما سخن از کیفیت این دانشجویان است:

جدول ۱۰. آمار دانشجویان خارجی ایران در سال ۱۳۹۷

تعداد دانشجو	مجموعه
۲۷,۰۰۰	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
۱۰,۰۰۰	دانشگاه آزاد اسلامی
۲,۵۰۰	دانشگاه‌های علوم پزشکی
۱۷,۰۰۰	جامعه المصطفی العالمیه
۵۶,۵۰۰	جمع کل
۷۵,۰۰۰	هدف تا پایان برنامه ششم توسعه

منبع: گزارش مرکز همکاری‌های علمی بین‌المللی وزارت علوم ۱۳۹۷/۷/۵

در پژوهشی که توسط «مؤسسه گالوپ» در سال ۲۰۱۵ در مورد «برنامه برای مهاجرت و آماده شدن برای مهاجرت انجام شده است، ایران در رتبه‌بندی میان ۲۰ کشور برتر با بالاترین میزان میل به مهاجرت در میان اتباع آنها، در رتبه نهم قرار دارد. براساس این گزارش ۱/۸ میلیون نفر از ایرانیان ابراز علاقه و تمایل به مهاجرت داشته اند. (گالوپ ۲۰۱۷ در: صلواتی و ملکی: ۱۳۹۷)

در کشور ایران برای توسعه جذب دانشجویان خارجی اقدامات متعدد زیر در دستور کار بوده است، اما از نظر کمی و کیفی موجب رشد و توسعه در این زمینه نشده است:

- ایجاد مناطق آزاد علمی؛
- توسعه دانشگاه مجازی؛
- برگزاری دوره‌های مشترک بین دانشگاه‌های داخلی و خارجی؛
- تأسیس شعبه دانشگاه ایرانی در خارج از کشور؛
- تأسیس یک دانشگاه بزرگ بین‌المللی (قزوین)؛
- فعال شدن همه دانشگاه‌ها (مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی مبنی بر مجوز جذب دانشجوی خارجی تا سقف ۵ درصد کل دانشجویان)؛
- فعال شدن دانشگاه‌های مرزی مطابق برنامه اعلام شده دبیر شورای گسترش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (ذاکرسالچی و صالحی نجف آبادی، ۱۳۹۱).

این برنامه‌ها و راهبردها بعضاً معارض یکدیگرند و حاکی از نبود راهبردی معین است.

در این میان، یکی از دانشگاه‌هایی که برای بین‌المللی شدن برنامه مدونی دارد، دانشگاه تهران است. این برنامه در قالب "اطلس همکاری‌های دانشگاه تهران" تدوین شده است که برخی از ابعاد مهم این برنامه عبارت‌اند از:

- رساندن نسبت دانشجویان بین‌المللی به ۱۰ درصد کل دانشجویان با برنامه‌ای پنج ساله؛

- ارتقای رتبه دانشگاه تهران در رتبه‌بندی‌های بین‌المللی به رتبه ۲۰۰؛

- اجرای ۵۰ پروژه بین‌المللی در طول برنامه پنجم توسعه؛

- برگزاری ۱۰ دوره مشترک آموزشی؛

- برگزاری ۲۰ دوره آموزش مجازی بین‌المللی در تحصیلات تکمیلی (اطلس همکاری‌های بین‌المللی دانشگاه تهران).

بدیهی است که رقم ۵۶ هزار دانشجوی خارجی برای کشوری که قرار است در چشم‌انداز ۱۴۰۴ رتبه اول علم و فناوری را در منطقه کسب کند، راضی کننده نیست. رقبای ایران در منطقه مانند ترکیه، امارات، آذربایجان، تاجیکستان و ارمنستان و اندکی دورتر، مالزی برنامه‌های بلندپروازانه‌ای در این زمینه تدارک دیده‌اند. جبران عقب ماندگی در این زمینه منوط به برخورداری دانشگاه‌ها از راهبردی مدون، علمی و بومی است.

بر اساس سوابق موجود، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی حدود ۳۵۶ نفر از اتباع خارجی در دانشگاه‌های تهران، شیراز، شهید بهشتی، شهید چمران اهواز، علم و صنعت ایران، صنعتی امیرکبیر، تبریز، اصفهان و علامه طباطبایی مشغول به تحصیل بودند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و پس از انقلاب فرهنگی و بازگشایی دانشگاه‌ها، آن دسته از دانشجویان خارجی که صلاحیت آنها تأیید شد، برای ادامه تحصیل به دانشگاه‌ها معرفی شدند که تعداد آنان حدود ۱۲۵ نفر بود (سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۸).

با توجه به اهمیت امر گسترش روابط علمی و فرهنگی با سایر کشورهای جهان با تصویب اولین آیین‌نامه پذیرش دانشجوی خارجی و دستورالعمل اعطای بورس

تحصیلی به دانشجویان خارجی، دورهٔ فعالیت جدید پذیرش دانشجوی غیر ایرانی از اواخر سال ۱۳۶۱ آغاز شد و اولین گروهی که از خارج از کشور برای ادامه تحصیل به ایران دعوت شدند، اتباع لبنانی بودند و سپس، با پذیرش داوطلبان کشورهای عراق، سودان، پاکستان، سوریه، تانزانیا، آسیای میانه و افغانستان در هیئت‌های انتخاب دانشجو در داخل کشور موافقت شد.

برای هماهنگی در اقدامات اجرایی پذیرش دانشجوی خارجی، بر اساس مصوبهٔ سال ۱۳۷۱ شورای تبلیغات خارجی و آیین‌نامهٔ اجرایی مورخه ۱۳۷۱/۶/۲۱، شورایی به نام شورای پذیرش دانشجوی خارجی با وظیفهٔ تعیین سیاست‌ها و ضوابط گزینش دانشجوی خارجی، تدوین برنامه‌های فرهنگی و پیگیری حل مشکلات دانشجویان خارجی با حضور نمایندگان دستگاه‌های ذی‌ربط ایجاد شد که ریاست آن بر عهدهٔ معاون دانشجویی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و دبیری آن بر عهدهٔ مدیر کل امور دانشجویان داخل وزارت مذکور نهاده شده است (همان).

موضوع ساماندهی فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی دانشجویان خارجی در سال ۱۳۸۴ در شورای عالی انقلاب فرهنگی (مصوبهٔ ۵۷۸) به تصویب رسید. در این مصوبه به مهم‌ترین اهداف و سیاست‌های جذب دانشجویان خارجی به شرح زیر اشاره شده است:

❖ اهداف:

- ✓ تقویت نگرش مثبت دانشجویان خارجی به جمهوری اسلامی و فرهنگ اصیل ایرانی؛
- ✓ تربیت نیروهای کارآمد، متعهد و آشنا به منطق انقلاب اسلامی؛
- ✓ تعمیق آگاهی دانشجویان خارجی به اسلام و ارزش‌های انقلاب اسلامی؛
- ✓ آشنایی دانشجویان خارجی با چالش‌ها و نیازهای جهان اسلام؛
- ✓ تربیت متخصصان متعهد به‌منظور کمک به ارتقای علمی کشورهای اسلامی.

❖ سیاستها:

- ✓ تحلیل و شناخت نیازهای فرهنگی و فکری دانشجویان خارجی؛
- ✓ تأکید بر مشترکات دینی، فرهنگی و تاریخی و پرهیز از مسائل اختلاف

- برانگیز؛
- ✓ تکریم دانشجویان خارجی و مراعات شئون آنها طبق سنت و موازین میهمان نوازی؛
 - ✓ گسترش مشارکت دانشجویان خارجی در طراحی فعالیت‌های فرهنگی و فوق برنامه مرتبط با خود؛
 - ✓ کمک به تسهیل امور جاری و حل مشکلات دانشجویان خارجی؛
 - ✓ تقویت و گسترش تفاهم و همدلی بین دانشجویان داخلی و خارجی؛
 - ✓ توسعه روابط و تعاملات دانشجویان خارجی با نهادهای فرهنگی، مذهبی و علمی کشور؛
 - ✓ آموزش زبان و ادبیات فارسی و ایجاد و تقویت کرسی‌ها و گروه‌های زبان و ادبیات فارسی.

با وجود مصوبات و با توجه به اینکه از سال ۱۳۷۸ به دانشگاه‌ها اجازه داده شد تا ۵ درصد از ظرفیت خود را به دانشجویان خارجی اختصاص دهند، هیچ‌گاه این ظرفیت تکمیل نشد و حتی به یک درصد هم نرسید. در سال ۱۳۸۲ به دانشگاه‌ها اعلام شد که تا ۲ درصد از ظرفیت خود را در اختیار شورای بورس قرار دهند که به این موضوع نیز توجهی نشد (گزارش چالش‌ها و راهبردهای جمهوری اسلامی در جذب دانشجوی خارجی، ۱۳۹۱).

در این میان، سهم کشور ایران از تحرک دانشجویان بین‌المللی بسیار اندک است. این سهم اندک با اهداف مندرج در سند چشم‌انداز؛ یعنی تبدیل شدن به قدرت اول منطقه در عرصه علم و فناوری همخوانی ندارد.

ترکیب جمعیت دانشجویان خارجی در کشور ایران نشان می‌دهد که بیشتر آنها از کشورهای خاورمیانه هستند (۴۱/۵ درصد افغانی، ۲۰٪ سوری و...؛ همچنین ۲۱/۳۷ درصد آنان از کشورهای آسیای میانه و ۸/۷۲ درصد از کشورهای هند و پاکستان و بقیه نیز از آسیای جنوب شرقی و اروپای شرقی هستند).

به اعتقاد برخی از پژوهشگران چهار عامل مؤثر در ترکیب جمعیتی مذکور عبارت‌اند از: نزدیکی مواضع سیاسی و عقیدتی کشورها، نزدیکی جغرافیایی، اقامت اتباع بیگانه در ایران و هم‌زبانی با زبان فارسی (بزرگمهری، ۱۳۸۵).

این موضوع که چرا سهم کشور ایران در جذب دانشجوی خارجی بسیار ناچیز است، تأمل‌برانگیز است.

در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی جدی‌ترین اقدام در زمینه جذب دانشجوی خارجی تأسیس دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) است.

قانون تأسیس دانشگاه بین‌المللی اسلامی در تاریخ ۱۳۶۲/۱۲/۲ در مجلس شورای اسلامی تصویب و جایگاه خوبی برای آن تعریف شد. این دانشگاه دارای شورای عالی به ریاست رئیس‌جمهور است. اما این دانشگاه در عمل راه‌اندازی نشد تا اینکه در سال ۱۳۷۰ مؤسسه آموزش عالی زبان فارسی دهخدا به دانشگاه بین‌المللی امام خمینی تبدیل شد. پس از گذشت سال‌ها از تأسیس این دانشگاه بسیاری از مفاد اساس‌نامه دانشگاه مصوب ۱۳۷۷/۴/۳۰، شورای عالی انقلاب فرهنگی اجرایی نشده است و فقط درصد کمی از دانشجویان این دانشگاه خارجی هستند. این دانشجویان عمدتاً دوره شش‌ماهه آموزش زبان فارسی را در این دانشگاه سپری می‌کنند و سپس به دانشگاه‌های دیگر منتقل می‌شوند که این نکته نیز بخشی از وجه مسئله‌ساز موضوع است.

بنا به اظهارات مسئولان این دانشگاه در مقاطعی دانشجویانی از ۴۰ کشور جهان در این مرکز مشغول به تحصیل بوده‌اند، اما این روند گاهی با کندی و گاه توقف مواجه شده است.

مبانی نظری و ادبیات موضوع

آموزه‌های نظری در زمینه جذب دانشجویان بین‌المللی و تحرک آنان بسیار متنوع است؛ ابتدا به مطالعات و نظریاتی می‌پردازیم که از مزایا و احیاناً مخاطرات آن سخن گفته‌اند.

کمال گروز (Kemal Guruz) در اثر خود "آموزش‌عالی و تحرک و جابه‌جایی بین‌المللی دانشجویان در اقتصاد دانش جهانی" می‌نویسد:

ترک خانه و وطن از سوی دانشجویان و دانش‌پژوهان در جست‌وجوی آموزش و دانش پدیده‌ای جدید نیست. این مطالعه که منبعی ضروری برای درک جابه‌جایی و تحرک بین‌المللی دانشجویان به‌شمار می‌رود، نشان می‌دهد که تحرک و جابه‌جایی جهانی دانشجویان، محققان، برنامه‌ها و مؤسسات آموزش‌عالی چگونه در طول زمان شکل گرفته است.

کمال گروز در خصوص سهم تحرک و جابه‌جایی بین‌المللی دانشجویان در پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی و راه‌هایی که تحرک و جابه‌جایی بین‌المللی از آن طریق در اقتصاد جهانی امروز رخ می‌دهد، بررسی کرده است. در نسخه دوم این مطالعه تحرک و جابه‌جایی بین‌المللی در آموزش‌عالی از دهه اول قرن بیست و یکم تا کنون ارائه شده است. این مطالعه شامل موارد زیر می‌شود:

- ۱- اطلاعات درباره ثبت‌نام و هزینه‌ها در سیستم‌های ملی و تحرک و جابه‌جایی بین‌المللی دانشجویان؛
- ۲- تعریف اصطلاحات مربوط به ارزیابی و تضمین کیفیت؛
- ۳- انتقال اعتبار اروپا و سیستم انباشت و مکمل دیپلم؛
- ۴- به رسمیت شناختن مدارک تحصیلی در اروپا؛
- ۵- آموزش و پرورش، تربیت و برنامه‌های جوانان اتحادیه اروپا؛
- ۶- تعاریفی از دانشجویان خارجی؛
- ۷- موافقتنامه عمومی تجارت خدمات (گروز، ۲۰۱۱).

به نظر گارگانو (۲۰۰۹) اکنون ظرفیت حوزه‌های اجتماعی فراملی به‌عنوان مفهومی جدید در تحرک و جابه‌جایی بین‌المللی دانشجویان پیش چشم ماست. او معتقد است که اگرچه پشت سر گذاشتن مرزهای تحصیلی پدیده تازه‌ای نیست،

ایجاد ساختارهای نظری مبتکرانه همچون حوزه‌های اجتماعی فراملی که به بررسی جریان‌های دانشجویی و شبکه‌های اجتماعی فراتر از مرزهای ملی می‌پردازد، پیشرفت عظیمی به‌شمار می‌رود. در حوزه‌های اجتماعی فراملی جریان ثابتی از ایده‌ها و روش‌ها در روابط وجود دارد که برای درک بهتر چگونگی شکل‌گیری هویت دانشجویان و مذاکرات آنها درباره فضاهای اجتماعی، موقعیت‌های فیزیکی و جغرافیای ذهن، چارچوبی برای توجه به انجمن‌های در حال شکل‌گیری فراتر از مرزها ارائه می‌دهد. با استفاده از مفهوم حوزه‌های اجتماعی فراملی در تحلیل تحرک و جابه‌جایی دانشجویان از طریق تشخیص تقارن مکان‌ها و کثرت هویت‌ها و رد تعمیم یا همگن‌سازی تجربه‌های دانشجویی به داد و ستد دانشجو پرداخته می‌شود. هدف از این مطالعه ایجاد درک کلی درباره حوزه‌های اجتماعی فراملی و توجیه اتخاذ مفاهیمی است که در حال حاضر در خارج از گفتمان آموزشی مرزی موجود است تا به داد و ستد دانشجویان بین‌المللی که تا کنون به‌طور کامل بررسی یا درک نشده‌اند، رسیدگی شود (گارگانو، ۲۰۰۹).

برخی از نویسندگان در یک سال اخیر به مشکلات و مخاطرات تحرک بین‌المللی دانشجویان پرداخته و هشدارهای تأمل برانگیزی مطرح کرده‌اند. برای نمونه، نایت می‌گوید:

بدون شک، بین‌المللی شدن و به‌ویژه تحرک و جابه‌جایی بین‌المللی دانشجویان چشم‌انداز آموزش عالی را در دهه گذشته دگرگون ساخته است. این پدیده مزایای مختلفی برای دانشجویان، مؤسسات، جوامع و کشورها به ارمغان آورده، اما نتایج و خطرهای پیش‌بینی نشده‌ای نیز به‌دنبال داشته است. هدف این مطالعه توجه به پیچیدگی‌ها و گرایش‌های فعلی تحرک و جابه‌جایی دانشجویی و تأمل درباره برخی از پیشرفت‌های اخیر و نتایج ناخواسته است که شامل موارد زیر می‌شود: اعطای اعتبارنامه‌های دانشگاهی و به رسمیت شناختن آنها، دیپلم و مجوز رسمی، طرح‌های جمعی چون مدرک دوگانه و مدرک مشترک و قراردادهای فرانشیز و دوگانه، رقابت وسیع مغزها و تأثیر آن بر جذب مغزها، فرار مغزها و تربیت مغزها، طرح رقابت جویی، موقعیت‌سازی و رتبه‌بندی جهانی، هویت منطقه‌ای و شهروندی جهانی. این مسائل مهم گاهی اوقات بدون اینکه بررسی شوند، به‌طور ضمنی بخشی

از فرهنگ یا فضای آموزش‌های بین‌المللی را شکل می‌دهند. تمرکز بر برخی از گرایش‌ها و نتایج نگران‌کننده پیشرفت‌های اخیر در تحرک و جابه‌جایی دانشجویی و بین‌المللی شدن به معنای انکار کثرت نتایج مثبت نیست، بلکه فقط تلاشی است که توجه همه جانبه به وضعیت فعلی تحرک و جابه‌جایی دانشجویی و همچنین اجرای تحقیقات و تأمل بیشتر درباره برخی از گرایش‌های مهم و نتایج پیش‌بینی نشده را فرا می‌خواند (نایت، ۲۰۱۲).

در مقاله واترز نیز دیدگاهی انتقادی درخصوص وضعیت جغرافیایی ناگهانی آموزش بین‌الملل ارائه و به پیامدهای احتمالی این وضعیت برای بازتولید مزایا و مضرات اجتماعی اشاره شده است. این گفته که آموزش رسمی می‌تواند عواقب واپسگرایی برای تحرک اجتماعی داشته باشد، مطلب جدیدی نیست، چرا که کار بر روی جامعه‌شناسی و وضعیت جغرافیایی آموزش برای مدت زمان طولانی و بدون هیچ مخالفتی حاکی از تقسیم نامنظم فرصت‌ها و امتیازات آموزش رسمی در مکان‌های مختلف و همچنین برای طبقات اجتماعی متفاوت است. با این حال، تقریباً تا همین اواخر تحقیقاتی که بر تغییر چشمگیر آموزش رسمی از طریق بین‌المللی شدن و عواقب آن برای نابرابری‌های اجتماعی متمرکز شده باشد، بسیار اندک بوده است. این مطالعه بررسی انتقادی از زمینه‌ای رو به رشد در تحقیقات جغرافیایی در خصوص تحرک و جابه‌جایی دانشجویان و آموزش بین‌الملل است و طبق این تحقیق، شواهد تا به امروز حاکی از آن است که آموزش بین‌الملل تحکیم‌کننده [و در برخی موارد، در اقتصادهای در حال ظهور به‌طور فعال به‌وجود آورنده] نابرابری‌های اجتماعی است (واترز، ۲۰۱۲).

روبرتسون (۲۰۱۰) معتقد است که دانشگاه‌ها در تمام گوشه و کنار جهان مشغول بررسی، برنامه‌ریزی و تبلیغ برنامه‌های تحرک و جابه‌جایی به‌عنوان جزء اساسی تجربه یادگیری دانشگاهیان و دانشجویان هستند، در حالی که دولت‌ها و گروه‌های منطقه‌ای در سراسر جهان در حال ترویج تحرک و جابه‌جایی به‌عنوان اصل بسیار مهم یادگیری در اقتصاد جهانی جدید هستند، با این حال، اهمیت نتایج برخی از طرح‌های تحرک و جابه‌جایی دانشگاهیان اغلب اوقات نشان داده نشده یا کمتر جلوه داده شده است. با توجه به شفاف نبودن تحرک و جابه‌جایی در

گفتمان‌های سیاسی، ممکن است به "تحرك و جابه‌جایی" فقط کمی بیشتر از یک "واژه کلیدی مهیج برای قرن بیست و یکم" نگریست. با این حال، همان‌طور که از تشدید تمرکز بر سیاست و برنامه‌ریزی‌ها و همچنین از مقالات ارائه شده در بخش ویژه روشن است، نویسندگان به این بحث می‌پردازد که ایده "تحرك و جابه‌جایی" نیز به‌واسطه راهبردی شدن، تحقق یافتن، مؤسساتی شدن و عملیاتی شدن از راه‌های بسیار، اثرها و زمینه‌های خود را ایجاد می‌کند. علاوه بر این، تحرك و جابه‌جایی به‌عنوان تجربه‌ای ضروری برای همه دانشجویان و استادان توسط سیاستگذاران و خانواده‌ها به جریان در می‌آید. با وجود این، همان‌طور که در بخش ویژه نشان داده شده است، راه‌های محدودی برای درک محتویات این تجربه از تحرك و جابه‌جایی دانشگاهیان در مقابل هر فرد قرار دارد. به اعتقاد نویسندگان کارهای زیادی وجود دارد که باید در زمینه تحرك و جابه‌جایی دانشگاهیان انجام شود (روبرتسون، ۲۰۱۰).

اما در عین این هشدارها و نگرانی‌ها، جذب دانشجویان خارجی برای مؤسسات از جنبه‌های مختلف مثبت ارزیابی می‌شود. جالب آنکه این امر همه انواع سرمایه سازمانی دانشگاه‌ها و مؤسسات را به‌صورت زیر افزایش می‌دهد:

- افزایش سرمایه مالی و فیزیکی از طریق دریافت شهریه؛
- افزایش سرمایه فرهنگی از طریق رسوب دانش همچنین کسب اعتبار و پرستیژ؛
- افزایش سرمایه اجتماعی از طریق گسترش ارتباطات علمی - بین‌المللی؛
- افزایش کیفیت آموزش و پژوهش.

اکنون به بیان شش آموزه نظری مهم و رایج درخصوص دانشجویان بین‌المللی می‌پردازیم. توجه به هر یک از موارد زیر راهبرد مشخصی را دیکته می‌کند.

۱- ظهور آموزش عالی به مثابه یک کسب و کار

از دهه ۱۹۷۰ به بعد به تدریج شاهد پدیده تجاری شدن و کالایی شدن آموزش عالی، ظهور ارزش‌های مبادله‌ای و اقتصادی آموزش عالی و وابستگی روزافزون نظام‌های اقتصادی - تکنولوژیک به همدیگر به دلیل امواج فراگیر انقلاب صنعتی هستیم. همچنین نیرومند شدن هر دو بعد عرضه و تقاضای آموزش عالی،

کنشگران این عرصه^۱ و نهادها و سازمانهای ذی‌نفع را به میدان کشانده است. از این تحول به تکامل بلوک‌های سازنده بازار آموزش عالی می‌توان یاد کرد. این تحولات موجب ورود فعال بخش خصوصی به صنعت آموزش عالی در عرصه بین‌المللی شده است.

همچنین عوامل زیر به کسب و کار آموزش عالی رونق داده و آن را به بازاری بین‌المللی تبدیل کرده است:

- انقلاب در فناوری اطلاعات و ارتباطات^۲ و سهولت مبادله آموزش؛
- ایزاری شدن نگرش به علم (علم و حکمت برای خود شکوفایی فردی، تبدیل به: بنگاه دانش)؛
- تبدیل دانشگاه نخبه‌گرا به دانشگاه توده‌ای^۳ و دانشگاه سبک^۴؛
- روندهای عام جهانی شدن فرهنگ و اقتصاد و فناوری؛
- تبدیل روند خطی دانش به شبکه‌های دانش و جریانات دانش که ماهیت جهانی دارند.

این نظریه هم اکنون در قالب صنعت بین‌المللی آموزش عالی نمود خارجی یافته و به بازاریابی و فعالیت اقتصادی مشغول است.

۲- عامل تغییر اجتماعی، سیاسی و فرهنگی

نویسنده کتاب "آموزش بین‌المللی در یک زمینه جهانی" معتقد است که آموزش بین‌المللی بسیار فراتر از برنامه‌های تحصیل در خارج از کشور است، چرا که آموزش بین‌المللی عوامل متغیر اجتماعی، سیاسی و اقتصادی فراوانی را شامل می‌شود که نه تنها بر مراکز آموزشی تأثیر می‌گذارند، بلکه بر جوامع جهانی در فضایی که نگرانی و بلا تکلیفی همه دنیا را فرا گرفته است نیز تأثیر گذارند (اورپاس، ۲۰۰۸).

پژوهشگری دیگر معتقد است که جذب دانشجویان خارجی به آماده سازی سایر دانشجویان برای کارکردن در دنیای واقعی کمک می‌کند، زیرا آنها ناگزیرند با

1. Agents

2. ICT

3. Mass University

4. Mode 2 University

انسان‌هایی با پیش زمینه‌های فرهنگی مختلف برخورد کنند. از سویی، دانشجویان و دانش‌آموختگان خارجی ارتباطات بین‌المللی مهمی برقرار می‌کنند. این ارتباطات می‌تواند به همکاری تحقیقاتی و آشنایی با دولت‌ها و همکاری مدیران و رهبران منجر شود. همچنین حضور دانشجویان خارجی اعتبار دیپارتمان‌ها و مؤسسات علمی را افزایش می‌دهد (تریس، ۲۰۰۲).

محققان چینی به آثار فرهنگی و اجتماعی تحصیلات در خارج از کشور توجه ویژه‌ای دارند. آنها یادآور می‌شوند که آموزش خارجی (عمدتاً آموزش غربی) به تدریج به‌عنوان سرمایه فرهنگی غالب و مهم‌ترین ابزار جابه‌جایی اجتماعی در چین مدرن جایگزین آموزش چینی سنتی شد. آموزش خارجی در مرحله اولیه ارائه آن به هیچ‌وجه دارای ارزش نبود، اما در طولانی مدت مفهوم اجتماعی منفی آن تا حدی تغییر یافت و به سرمایه فرهنگی مفیدی تبدیل شد. مشاغل و تجربه زندگی اولین گروه از دانشجویانی که در دهه ۱۸۸۰ از آمریکا برگشتند، به‌خوبی فرایند این تغییر را نشان می‌دهد. سه عامل در توضیح چنین فرایندی بسیار مهم بودند: شرایط اجتماعی، شرایط شغلی و شکل‌گیری گروهی. شرایط اجتماعی منحصر به‌فرد اواسط قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در کشور چین برای اولین دانشجویانی که به کشور برگشتند، فرصت‌هایی را فراهم کرد تا کارکرد برجسته و دستاوردهای حرفه‌ای خود را نشان دهند. به‌طور همزمان، فرایند انتخاب روش‌ها و سبک زندگی غربی به افزایش تقاضا برای دانش و مهارت‌های غربی در کشور چین منجر شد و در نتیجه، موجب نوعی تغییر شکل شغلی شد و کمکی بود برای ارتقای بخش شغلی جدید که دانشجویان برگشته به کشور در آن ایجاد شغل می‌کردند. سرانجام، اولین گروه دانشجویان بازگشتی فعالانه شیوه آموزش غربی را در کشور چین رواج دادند و دانشجویانی که از غرب برمی‌گشتند را به‌عنوان سمبل اجتماعی مفیدی نشان می‌دادند (هانگ، ۲۰۰۲).

یکی از استادان دانشگاه فودان چین در مطالعه خود درباره نقش دانشجویان خارجی پس از بازگشت به وطن در آموزش عالی چین بررسی کرده است. این مطالعه مروری اجمالی بر سوابق تاریخی و شرایط اجتماعی‌ای است که آموزش عالی چین در آن رشد کرد و اینکه چگونه نفرت از مدل‌ها و اندیشه‌های

خارجی بر تاریخ معاصر و مدرن آن تأثیر گذاشت. در این مطالعه، به وضعیت، تأثیرات و نقش پنج نسل از کسانی که پس از تحصیل در کشور خارجی به وطن بازگشته و در نوسازی اجتماعی، اقتصادی، علمی و سیاسی چین به‌طور کلی و نوسازی آموزش عالی به‌طور خاص تأثیر داشته‌اند، توجه ویژه‌ای شده است.

همان‌طور که معرفی آموزش عالی مدرن در کشور چین پیامد مستقیم ارتباط با دنیای خارج از این کشور بود، دانشجویان چینی که در خارج از این کشور تحصیل کرده‌اند، نقش بسیار مهمی در این تعامل بین‌المللی داشته‌اند. در این مطالعه بر نقش منحصر به فرد این دانشجویان تأکید و تأثیر و نقش آنها در آینده پیش‌بینی شده است.

در مجموع، این مطالعات بر نقش دانشجویان خارجی به‌عنوان کارگزاران تغییر و نقش‌آفرینی در توسعه کشور تأکید می‌کنند.

۳- تحرک و جابه‌جایی دانشجویان^۱

این دیدگاه مرتبط با نظریه سرمایه انسانی و در خصوص بازگشت و عدم بازگشت جمعیت‌های دانشجویی مهاجر و تأثیر آن بر اقتصاد ملی است. تفاوت تحرک دانشجویی با مهاجرت در ماندگاری کوتاه‌تر آن است. این جابه‌جایی از الگوهای موقعیتی و محلی خاص خود پیروی می‌کند. برای مثال، میزان این جابه‌جایی در قاره اروپا حدود ده درصد است.

مطابق چند یافته تجربی، تحرک و جابه‌جایی دانشجویان در عرصه بین‌المللی را می‌توان شکلی از زندگینامه انتخابی (زندگینامه خود انجام) دانست که هدفش ظهور شخصیتی آزادتر است. نتایج بررسی نظرهای هشتاد دانشجو بر مبنای تجربه‌های ناشی از اجرای طرح «اراسموس» در اروپا نشان می‌دهد که دانشجویان با قبول مخاطرات، با تغییرات محیط مقابله می‌کنند و کنترل مسیر زندگی شخصی خود را به‌صورت بازتابی به‌دست می‌گیرند. در چشم‌انداز دانشجویان تجربه جابه‌جایی و تحرک بین‌المللی، انگیزه رشد شخصی و استقلال فردی را بروز می‌دهند و

بر آگاهی فرهنگی و سیاسی، مهارت بین فرهنگی و حس بسط یافته تعلق تأثیر می‌گذارند (واسیلیکی، ۲۰۰۵).

در سال‌های اخیر، به‌ویژه پس از واقعه یازده سپتامبر، روابط سیاسی کشورها بر کم و کیف تحرک دانشجویی تأثیر داشته است. از نظر میزان تحرک مطالعات نشان می‌دهند کسانی که سطح تحصیلات بالاتری دارند؛ یعنی دانشجویان تحصیلات تکمیلی تحرک بیشتری دارند (هانگ، چیاو، ۱۹۹۸).

هم اکنون راهبردهای مدیریت تحرک علمی^۱ دانشوران، که سیاستگذاران علمی کشورها آنها را دنبال می‌کنند، عبارت‌اند از:

- جلوگیری از مهاجرت
 - جبران هزینه‌ها
 - راه بازگشتی
 - مدیریت چرخش نخبگان علمی^۲
 - جذب پیشگیرانه (درگیر کردن دانشوران در توسعه علمی کشور)
- تجربه نشان می‌دهد که دو راهکار اخیر با موفقیت بیشتری همراه بوده است. اکنون نقطه ثقل ادبیات مربوط بر بررسی چگونگی و کم و کیف تحرک دانشجویی در سطح جهان متمرکز شده است.

۴- آموزش چند فرهنگی

جذب دانشجوی خارجی و بین‌المللی کردن فضای کلاس‌های درسی با هدف چند فرهنگی کردن آموزش نیز صورت می‌گیرد. منظور از این فرایند، آموزش رها از تعصبات و تمایلات به ارث برده شده است که همراه با شناسایی چشم‌اندازها و فرهنگ‌های دیگر است و هدف آن شکل‌دهی به احساسات دانش‌آموزان و دانشجویان به سوی چندگانگی زیست انسانی، سبک‌های متفاوت تحلیل تجارب و ایده‌ها و راه‌های نگرستن در سراسر جهان است (گی، ۱۹۹۴).

برخی از متخصصان این نوع آموزش را تغییر شایستگی مؤسسات آموزشی

1. Scientific Mobility

2. Brain Circulation Management

مشمول بر ارزش‌های اساسی، تنظیمات رویه‌ای، برنامه‌های درسی، محتوای آموزشی، ساختار سازمانی و سیاست‌های آموزشی دولت به سوی بازتاب دادن چندگانگی فرهنگی دانسته‌اند (گی، ۱۹۹۴)، دیگران از آن بدین‌گونه تعبیر می‌کنند: نهادینه شدن فلسفه چندگانگی فرهنگی در نظام آموزشی که بر مبنای برابری، احترام، پذیرش و فهم متقابل و تعهد اخلاقی به عدالت اجتماعی پایه‌گذاری می‌شود (باپتیست، ۱۹۷۹ در: گی، ۱۹۹۴).

یکی از راه‌های آموزش چند فرهنگی افزایش جذب دانشجویان خارجی به‌منظور شکل‌دهی به ترکیب جمعیت دانشجویی است.

یکی از حوزه‌های مشابه، مطالعات بین فرهنگی است که در این زمینه مقاله مارامبه و همکارانش با عنوان "مقایسه بین فرهنگی الگوهای یادگیری دانشجویان در آموزش عالی" را می‌توان ذکر کرد. هدف از این مطالعه مقایسه الگوهای یادگیری دانشجویان آموزش عالی در فرهنگ‌های مختلف بود. فرا تحلیلی از سه مطالعه در مقیاس بزرگ انجام شد که در همه این مطالعات از ابزار پرسشنامه سبک‌های یادگیری (ILS) استفاده شد. این مطالعات در کشورهای آسیایی سریلانکا و اندونزی و کشور اروپایی هلند انجام شده بود. طبق گفته دانشجویان، آنها از راهبردهای یادگیری، راهبردهای فراشناختی و مفاهیم یادگیری استفاده می‌کردند. گرایش‌های یادگیری به دو روش مقایسه شد که شامل تجزیه و تحلیل واریانس میانگین نمرات مقیاس دانش‌آموزان طبق مقیاس ILS و مقایسه ساختارهای عاملی مقیاس‌های ILS بین سه مطالعه بود. نتایج نشان داد که بیشترین تفاوت‌ها در الگوهای یادگیری دانشجویان بین دانشجویان آسیایی و اروپایی وجود دارد. با این حال، تفاوت‌های بسیاری نیز بین دانشجویان دو کشور آسیایی قابل مشاهده بود. دانشجویان آسیایی نیز به اسطوره تبدیل شدند. علاوه بر این، دانشجویان سریلانکایی نسبت به همه گروه‌ها از راهبردهای به ذهن سپردن حداقل استفاده را کرده بودند. این مطلب که دانشجویان آسیایی به یادگیری طوطی وار تمایل دارند، افسانه به نظر آمد. برخی از الگوهای یادگیری الگوهایی جهانی شناخته شد که در تمام گروه‌ها استفاده و الگوهای دیگر فقط در میان دانشجویان آسیایی یا اروپایی یافت می‌شد. این یافته‌ها از نظر فرهنگ و محیط یادگیری و به‌عنوان عوامل

توضیحی مورد بحث قرار گرفته است. پیامدهای عملی درخصوص تحرک و جابه‌جایی دانشجویان در زمینه بین‌المللی نیز از این مطالعه قابل استنتاج است (مارامبه و همکاران، ۲۰۱۲).

۵- پدیده آموزش اضافی

پدیده آموزش اضافی^۱ که می‌توان آن را آموزش بیش از حد نیز نامید، بیانگر هماهنگ نبودن آموزش با نیازهای بازار کار است (مسئله‌ای که موجب خروج دانشجویان و دانش‌آموختگان از کشور و ادامه تحصیل آنها در سایر مناطق جهان می‌شود). روش اندازه‌گیری آن مقایسه سال‌های آموزش دریافت شده با آموزشی است که مشاغل فعلی نیاز دارند. روش دیگر بررسی تغییرات تقاضای بازار کار نسبت به عرضه دانش‌آموختگان جدید است.

این پدیده از سوی اقتصاددانان معمولاً منفی ارزیابی می‌شود که موجب هدر رفتن سرمایه‌گذاری و همچنین ایجاد توقع و بی‌انگیزگی می‌شود. در این شرایط کارکنان کار خود را شغل دائمی تلقی نمی‌کنند و در پی فرصت فرار از این وضعیت هستند. از این رو، برای پیگیری آموزش مجدد و کسب مطلوبیت و بازدهی بالاتر در آینده مهاجرت می‌کنند.

به‌دلیل ساختار نامناسب شغلی در کشور مبدأ و نبود پست سازمانی و شغل مناسب در آن رشته فرد مهاجرت می‌کند تا بیکاری خود را به تعویق بیندازد، شاید در آینده با بسط توانایی شغلی یا تغییر و ارتقای سطح مشاغل بتواند کار مناسبی در اقتصاد محلی پیدا کند (خورشیدی، ۱۳۸۳).

پدیده آموزش اضافی بدین ترتیب می‌تواند عاملی برای گسترش جابه‌جایی دانشجویان در سطح کشورها تلقی شود.

۶- مدل جاذبه-دافعه (کشش و رانش)

مطابق این دیدگاه چهار دسته از عوامل زیر بر مهاجرت دانشجویان و متخصصان تأثیرگذار هستند:

- ۱- عواملی که با حوزه مبدأ ارتباط دارند (عوامل دافعه)؛
- ۲- عواملی که با حوزه مقصد ارتباط دارند (عوامل جاذبه)؛
- ۳- عوامل شخصی؛
- ۴- موانع بازدارنده.

برایند این چهار دسته عوامل تصمیم شخص را برای مهاجرت رقم می‌زند. افرادی که در یک حوزه زندگی می‌کنند، آشنایی بدون واسطه و غالباً بلندمدتی را با حوزه زندگی خویش دارند و معمولاً قادرند که داورهای صبورانه‌ای را درباره آنها در نظر داشته باشند و به آنها رسیدگی کنند. برای برخی از تخصص‌ها که تقاضا برای آنها در مبدأ کم، ولی در مناطق بزرگ بسیار است، مهاجرت به صورت اجبار در می‌آید. بنابراین، مهندسان و استادان نیز مهاجرت می‌کنند. (لهسایی زاده، ۱۳۶۸). پرتز سه دسته از عوامل را برشمرده است: ۱- عوامل جذب کشور پذیرنده؛ ۲- عوامل دفع کشور مبدأ؛ ۳- عوامل فردی. دو عامل اول و دوم در سطح کلان و عامل سوم در سطح خرد است.

یکی از کسانی که درباره مهاجرت مطالعه درخور توجهی داشته، وارن تونوایت است. هر چند شهرت وی به سبب مطالعاتی است که در خصوص آب و هوا انجام داد، اما مقاله پنجاه و دو صفحه‌ای او که در سال ۱۹۳۴ منتشر شد، هنوز برای تحقیق درباره مهاجرت به‌عنوان نظر مرجع محسوب می‌شود. او در این بررسی با تعبیرات کنایی به نقش فشارها و شیب‌ها در پدیده مهاجرت اشاره می‌کند (قنبر ۱۳۸۴). طبق نظر وی جریان جمعیت تا حدودی به جریان برق شباهت دارد. میزان مهاجرت [متخصصان، دانشجویان و.....] از منطقه‌ای به منطقه دیگر با نیروی کشش و جذب بین دو منطقه نسبت مستقیم و با مقاومت نسبت معکوس دارد.

نظریه مشهور دیگری به‌نام جاذبه - دافعه را در سال ۱۹۴۱ دوری توماس مطرح کرد. این نظریه، برای تبیین مهاجرت بر نبود تعادل اجتماعی - اقتصادی میان کشورهای مبدأ و کشورهای مقصد متمرکز می‌شود و بیان می‌دارد که نبود تعادل‌های اجتماعی - اقتصادی در کشور مبدأ موجب دفع افراد از این کشورها می‌شود و برعکس، در کشورهای مقصد عوامل اجتماعی - اقتصادی به‌صورتی در کنار هم قرار گرفته‌اند که افراد را جذب می‌کنند؛ تا زمانی که عوامل دافعه در

کشورهای مبدأ پا بر جا هستند و در مقابل، بر عوامل جاذبه در کشورهای مقصد افزوده می‌شود، روند مهاجرت ادامه خواهد یافت. توماس به سن مهاجران نیز اشاره می‌کند. به نظر وی افراد در آخرین سال‌های نوجوانی تا بیست سالگی و اوایل سی سالگی نسبت به دیگر گروه‌های سنی به مهاجرت راغب‌ترند (شریفی به نقل ابراهیمی، ۱۳۸۱).

رابرت لوکاس (۱۹۸۶) از دیگر دانشمندانی بود که نظریه‌ای مشابه نظر تورنویات را ارائه کرد. وی معتقد بود که مهاجرت شبیه جریان آب یا برق است که با اختلاف فشار بین دو سر جریان متعادل کننده پدید می‌آید. این دیدگاه نشان می‌دهد که عوامل کششی یا رانشی مطلق نیستند که در این جریان مؤثرند، بلکه عامل مهم اختلاف کشش نسبی اجزا و عوامل محیطی است. لوکاس طراح مدل اختلاف جاذبه است که در متون اقتصادی مشهور است، اما در علوم اجتماعی و سیاسی جایگاه چندانی ندارد (تایلر به نقل قنبر، ۱۳۸۴).

در این نظریه‌ها توضیح درباره مهاجرت‌های دانشجویی به تبع مهاجرت عام ارائه شده است.

سیهول (۲۰۱۱) در مطالعه خود با عنوان "تحرك و جابه‌جایی دانشجویی و آموزش در مقطع دکتری در آفریقای جنوبی" از این نظریه بهره جسته است. او در مطالعه خود به تحلیل برنامه‌های آموزشی مقطع دکتری در آفریقای جنوبی همراه با توجهی خاص به تحرك و جابه‌جایی دانشجویی می‌پردازد. در این مطالعه همچنین عوامل جاذبه^۱ و عوامل دافعه^۲ را به‌عنوان چارچوب مفهومی بررسی و استدلال کرده است که الگوهای تحرك و جابه‌جایی دانشجویی در برنامه‌های آموزشی مقطع دکتری در آفریقای جنوبی از الگوهای تحرك و جابه‌جایی بین‌المللی دانشجویان در جاهای دیگر پیروی می‌کنند که عمدتاً به‌منظور کسب فرصت‌های بهتر صورت می‌گیرند. بر خلاف مطالعات قبلی که در آنها به نقش دولت در این زمینه توجه خاصی نشده است، در این مطالعه از نقش کلیدی دولت

۱. عوامل کشش بازار: عوامل جاذب خارجی و مربوط به کشور مقصد

۲. عوامل فشار: عوامل منفی داخلی و مربوط به کشور مبدأ

در تسهیل این تحرک و جابه‌جایی صحبت می‌شود. در این مطالعه با استفاده از روش‌های آموزش تطبیقی، الگوهای ثبت‌نام دانشجویان مقطع دکتری در آفریقای جنوبی در طول سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۹ مقایسه شده‌اند (سیهول، ۲۰۱۱).

در مقاله بیکر و کولستر (۲۰۱۲) با عنوان "به‌کارگیری دانشجویان خارجی: سیاست‌ها و پیشرفت‌ها در کشورهای منتخب" به جای جاذبه-دافعه از واژگان محرک-بازدارنده استفاده شده است.

به نظر این دو محقق عوامل متعددی برای انتخاب برنامه تحصیلی در کشور خارجی برای دانشجویان وجود دارد و اساساً در ادبیات آکادمیک از دو عامل «محرک» و «بازدارنده» استفاده می‌شود. این عوامل می‌توانند بر تک تک دانشجویان تأثیر بگذارند و با پارامترهایی چون شخصیت افراد، سیاست‌های اجرایی شهرها، نواحی و کشورها مرتبط است. با رشد رقابت میان کشورها و ارائه خدمات بهتر به دانشجویان، اهمیت توجه به عواملی که بر دانشجویان ملی و بین‌المللی تأثیر دارند نیز افزایش یافته است.

عوامل محرک برای تحصیل دانشجویان در خارج از کشور عبارت‌اند از:

- آمادگی نداشتن، دسترسی دشوار، برنامه‌های آموزشی و تسهیلات پژوهشی؛
- ارزش مدارک آموزشی ملی در بازار کار داخلی (هماهنگ نبودن با استانداردهای اکتسابی و مورد نیاز)؛
- ارزش پایین مدارک یا کارهای تجربی ملی؛
- کیفیت پایین تحقیقات و آموزش عالی ملی (وطنی)؛
- پذیرش و درک بهتر مدارک خارجی توسط کارفرمایان و مؤسسات آموزشی داخلی؛
- الزامات سیاسی، مذهبی، تاریخی، فرهنگی، اقتصادی، تحلیلی و زبانی در دانشگاه‌های منطقه، شهر یا کشور دیگر؛
- جذابیت‌های محیطی کشور مبدأ؛
- در دسترس بودن اطلاعات در مؤسسات آموزشی کشورها، شهرها و نواحی کشور میزبان؛
- هزینه‌های زندگی و دستمزد در کشور خود دانشجویان؛

- سیاست‌های مهاجرتی و جذابیت‌های مالی (مانند کمک هزینه دانشجویی) در کشور خود دانشجو؛
 - عوامل بازدارنده نیز به شرح زیر است:
 - کیفیت و شهرت آموزشی در کشور و سطوح آزادی آکادمیک؛
 - تصدیق دوجانبه مدارک و صلاحیت‌ها؛
 - هزینه‌های تحصیل و زندگی در یک کشور دیگر؛
 - نحوه اداره مؤسسات آموزش عالی؛
 - سطوح امنیت در کشور (نسبت جرم و جنایت و تبعیض نژادی)؛
 - سطح زندگی و تحصیل و کار در یک کشور؛
 - به هم پیوستگی‌های جغرافیایی و اجتماعی؛
 - نبود دسترسی به اطلاعات در مؤسسات داخل کشور (Becker & Kolster, 2012).
- در مجموع، نظریه جاذبه-دافعه به دلیل فراگیری و شمولی که دارد، می‌تواند همه نظریات یادشده را در خود جای دهد.

بین‌المللی کردن برنامه درسی

در اولین برداشت از بین‌المللی کردن برنامه درسی مراد از برنامه درسی طرح یک درس یا دوره آموزشی در سطح دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی است. به‌طور کلی، بر اساس اسناد و منابع در دسترس برداشت از بین‌المللی کردن برنامه درسی به دو معنای کلی زیر اشاره دارد:

الف) بین‌المللی کردن برنامه درسی به معنای تلفیق و لحاظ کردن دیدگاه و چشم‌انداز بین‌المللی در برنامه‌های درسی موجود دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی است. در چنین وضعیتی تلاش عمده بر آن است که جهتگیری کلی برای پرورش دانش، مهارت‌ها، نگرش‌ها و انگیزه‌ها در خصوص جهانی شدن در دانشجویان صورت گیرد و در این زمینه، از فرصت‌های موجود در برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها استفاده مؤثر به عمل آید. مفهوم اصلی پشتیبان این دیدگاه، نوعاً با عنوان پرورش سواد بین‌المللی است که به موجب آن هدف اصلی برنامه‌های درسی در نظام آموزش عالی تربیت شهروند جهانی است.

اساساً بین‌المللی شدن هدف اصلی بسیاری از نظام‌های آموزشی در سراسر جهان است. در این زمینه دو دسته فعالیت برای تحقق چنین هدفی باید دنبال شوند که عبارت‌اند از: مبادله وسیع استاد و دانشجو و بین‌المللی کردن پردیس دانشگاه. این فعالیت‌ها با یکدیگر ارتباط نزدیک دارند. هدف برنامه‌های همکاری بین‌المللی عبارت از خلق و ایجاد فرصت‌هایی برای دانشجویان به‌منظور رشد و توسعه اجتماعی و حرفه‌ای، ایجاد بینش و نگرش بین‌المللی در آنها و ایجاد ارزش و اعتبار بیشتر برای رشته‌های علمی از طریق پژوهش‌های مشترک است. بین‌المللی کردن پردیس دانشگاه شامل بین‌المللی کردن برنامه درسی، رویکردهای پداگوژیکی، فعالیت‌های اجتماعی بین‌فرهنگی و افزایش آگاهی و بینش فرهنگی دانشجویان، استادان و کارکنان است (دیبا و اجاری ۱۳۸۸).

اهداف اصلی بین‌المللی کردن برنامه درسی

اهداف اصلی بین‌المللی کردن برنامه درسی را می‌توان مشتمل بر موارد زیر

دانست:

۱- آماده سازی دانشجویان برای مواجهه با واقعیت‌های جهانی مهم و وابسته از

جمله فعالیت در محیطی رقابتی در سطح بین‌المللی؛

۲- افزایش درک دانشجویان از فرهنگ، مذاهب و نظام سیاسی خود و سایر

ملل؛

۳- توسعه بینش و دیدگاهی جهانی و کل‌گرایانه درخصوص جامعه جهانی و نیز

تجهیز آنها به مهارت‌های ضروری برای قضاوت‌های آگاهانه درباره مسائل

جهان معاصر و نقش کشور آنها در جهان؛

۴- ارتقای صلح جهانی (دیپلوماواری، به نقل از: هانسون، ۱۹۹۵).

در این برداشت روش‌های مختلفی برای بین‌المللی کردن برنامه‌های درسی

وجود دارد که از جمله مهم‌ترین آنها اضافه کردن دروس بین‌المللی و ایجاد دوره‌ای

تخصصی است. منظور از لحاظ کردن، گنجاندن جنبه‌های بین‌المللی در موضوعات

و عناوین درسی موجود، فیلم‌ها، ویدئوها، مطالعات موردی و فعالیت‌های جنبی

است. گنجاندن یا لحاظ کردن در برنامه درسی به معنای طرح و بنیان چشم‌اندازها

و موضوعات بین‌المللی در دروس و کلاس‌های موجود یا جدید از طریق اصلاح در

برنامه درسی، فعالیت‌های درسی یا قرار دادن آن در مرکز ثقل تدریس است. در

اصلاحات برنامه درسی از این نوع بر این نکته تأکید می‌شود که کارکنان و

دانشجویان از وضعیت فرهنگی خود فراتر روند و از فرهنگ‌های سایر ملل آگاهی

یابند و به آنها حساس باشند. استادان می‌توانند به‌گونه‌ای آموزش ببینند که مباحث

و مواد بین‌المللی را به‌طور حداقل در تدریس پوشش دهند (دیپلوماواری، ۱۳۸۸).

ب) بین‌المللی کردن برنامه درسی و ارائه دروس و دوره‌های آموزش دانشگاهی

به فراتر از مرزهای یک کشور: منظور از بین‌المللی کردن برنامه درسی دادن هویت

بین‌المللی به دروس و رشته‌های دانشگاهی از طریق آموزش و ترویج برنامه‌های

درسی به فراسوی مرزهای جغرافیایی و تلقی مردمان کشورهای مختلف جهان

به‌عنوان شهروندان جامعه جهانی است.

اساساً بین‌المللی کردن برنامه درسی در این دیدگاه در قالب مراحل زیر شکل گرفته است:

- ۱- بین‌المللی کردن از طریق پذیرش دانشجوی خارجی و اجرای برنامه‌های درسی برای دانشجویان بین‌المللی که در آن مباحث چندفرهنگی و چالش‌های مرتبط با آن در برنامه‌ریزی درسی مطرح می‌شود. بین‌المللی کردن مفهومی در حال تکامل است که به‌طور سنتی با جابه‌جایی دانشجویان در کشورهای مختلف به‌منظور تحلیل مرتبط شده است. طی دو دهه گذشته (از ۱۹۹۵) این جابه‌جایی به‌دلیل افزایش تقاضا برای آموزش عالی در دانشگاه‌های سراسر دنیا رشد چشمگیری داشته است. در بعضی از کشورها هزینه‌های پرداختی دانشجویان بین‌المللی به‌عنوان روشی برای کاهش هزینه‌های دولتی به حساب می‌آید.
- ۲- بین‌المللی کردن از طریق تأسیس واحدهای مختلف در کشورهای مختلف جهان و اجرای برنامه‌های درسی متناسب با نیازها و مسائل بومی مخاطبان در کشور میزبان که در آن مسائلی چون چالش‌های فرهنگی، خصوصی‌سازی آموزش عالی و تأمین منابع مالی و... مطرح می‌شوند.
- ۳- بین‌المللی کردن در مبدأ که در آن نظام آموزشی از راه دور و برنامه‌های درسی مجازی برای دسترسی به مخاطبان بین‌المللی به‌کار گرفته می‌شود. در این نوع از IOC، تلقی مخاطبان در سطح بین‌المللی به‌عنوان شهروندان جهانی و ضرورت ارائه آموزش‌های لازم به آنان مد نظر قرار می‌گیرد (دیبا و اجاری، ۱۳۸۸).

الگوهای جذب دانشجویان خارجی

پژوهشگران اثرهای مثبت جذب دانشجویان خارجی و بین‌المللی شدن آموزش عالی را با توجه به چهار قلمرو سیاسی، فرهنگی، علمی و اقتصادی بر شمرده‌اند، که بوستر (۲۰۱۰) این موارد را به‌قرار زیر احصا کرده است:

- توانمندی سازگاری با فرهنگ‌های متنوع (فرهنگی)؛
- فرصت برای جذب نخبگان خارجی (علمی)؛

- انعقاد تفاهمنامه‌های همکاری بین کشورها (سیاسی)؛
- کسب منابع مالی جدید برای آموزش عالی (اقتصادی)؛
- جلب مشارکت‌های منطقه‌ای (اقتصادی)؛
- بهره‌وری، درآمدها و منافع مالیاتی (اقتصادی).

کشورهای مختلف جهان بر اساس اهداف خود از الگوهای مختلفی برای جذب دانشجوی خارجی پیروی می‌کنند.

الگوی کشور آلمان با اهداف آموزشی و علمی طراحی شده و این کشور رسماً اعلام کرده است که از محل جذب دانشجو قصد درآمدزایی ندارد. در مقابل، بیشتر کشورهای جهان مانند استرالیا، کانادا، انگلستان و مالزی از الگوی اقتصادی پیروی می‌کنند.

۱- الگوی اقتصادی: نمونه استرالیا

از نظر وزارت علوم استرالیا دانشجوی خارجی به فردی اطلاق می‌شود که با روادید دانشجویی وارد این کشور می‌شود و دوره‌ای را با پرداخت هزینه آن، صرف نظر از اینکه چه کسی هزینه آن را پرداخت می‌کند، می‌گذراند. دانشجویان برای ورود به تأییدیه نام‌نویسی، روادید دانشجویی و منابع مالی کافی نیاز دارند (دائرة المعارف آموزش عالی، ج ۲: ۸۷۲).

کشور استرالیا در جذب دانشجوی خارجی اهداف اقتصادی را دنبال می‌کند و این طریق یکی از منابع مهم درآمدی این کشور است.

دانشگاه‌های استرالیا برای جذب دانشجویان خارجی و رقابت با سایر رقبا دفاتر متعددی را در کشورهای مختلف جهان به‌ویژه کشورهای آسیایی دایر کرده‌اند و هر شش ماه یک بار نمایشگاه‌هایی را برای جذب دانشجو و ثبت نام اولیه برگزار می‌کنند. در خصوص کشور استرالیا باید گفت که هر چند راهبرد این کشور صیغه اقتصادی دارد، بدین معنا نیست که همه متقاضیان حتی داوطلبان ضعیف نیز پذیرش می‌شوند. سوابق علمی دانشجو به‌ویژه دو مؤلفه معدل مقطع قبلی و برخورداری از مقالات معتبر بین‌المللی بسیار مهم تلقی می‌شوند.

۲- الگوی علمی- آموزشی: نمونه آلمان

کشور آلمان بر توسعه مبادلات آکادمیک تأکید زیادی دارد و بدین منظور، مؤسسه- ای را به همین نام تأسیس کرده است. داوطلبان خارجی باید از طریق سایت این مؤسسه درخواست خود را ابتدا به صورت متمرکز ارائه کنند. تحصیل دانشجویان خارجی در این کشور مجانی و بدون پرداخت شهریه و حق ثبت نام است. بنابراین، الگوی کشور آلمان صبغه اقتصادی ندارد و اهداف علمی- آموزشی را دنبال می‌کند. هدف اصلی در این الگو شکل دادن به اجتماع دانشگاهی^۱ است.

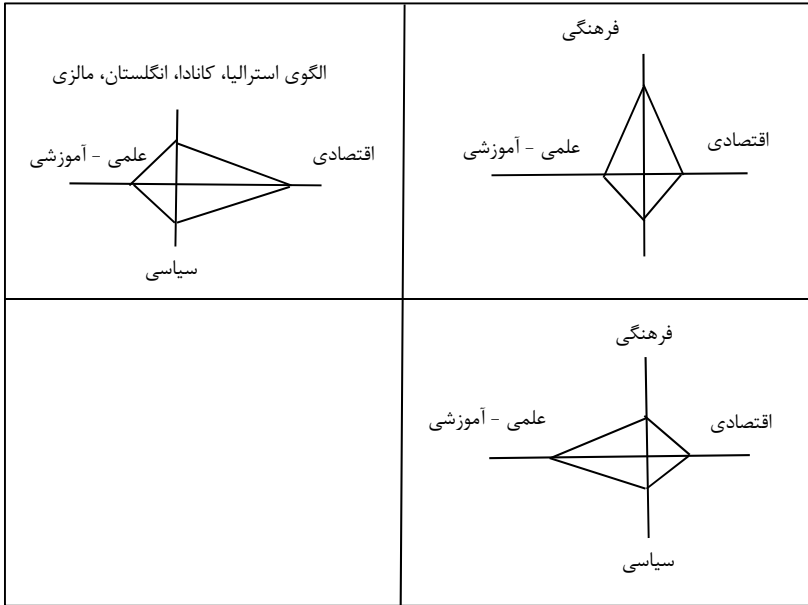
داوطلبان خارجی برای تحصیل در کشور آلمان باید به زبان آلمانی مسلط باشند. آنها می‌توانند پس از گذراندن امتحان تشخیص (سطح علمی)^۲ به درخواست داوطلب یا پس از طی دوره‌ای یکساله معادل پیش دانشگاهی^۳ در مدارس عالی مقدماتی وارد دانشگاه شوند. کشور آلمان در سال‌های اخیر در چارچوب سیاست جذب نخبگان و رقابت با کشور آمریکا امکان تحصیل در بعضی از رشته‌ها را به زبان انگلیسی برای دانشجویان خارجی فراهم کرده است. در بعضی از رشته‌های دانشگاهی مانند پزشکی، دندانپزشکی، دامپزشکی، معماری، مدیریت صنعتی، روانشناسی، علوم ارتباطات و رسانه‌ای به دلیل تعداد زیاد متقاضی پذیرش محدود است (دائرة المعارف آموزش عالی، ج ۲: ۸۰۲).

۳- الگوی فرهنگی: نمونه ایران در دهه‌های گذشته

کشور ایران از دهه ۱۳۶۰ تا کنون از الگوی فرهنگی تبعیت کرده است؛ بدین معنا که ترویج اهداف انقلاب اسلامی در کشورهای هدف که عمدتاً کشورهای اسلامی و عربی است، در اولویت بوده است. معاونت دانشجویی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۸۶) هدف از پذیرش دانشجویان خارجی را حمایت از جوانان مستعد کشورهای اسلامی، فراهم ساختن زمینه مناسب برای شناساندن بیشتر و بهتر جمهوری اسلامی، معرفی، نشر و توسعه فرهنگ ایرانی- اسلامی و... ذکر کرده

1. Academic Communit
2. Feststellungsprüfung
3. Studienkollege

است. به‌تازگی گرایش‌هایی به سمت تعدیل این الگو در مصاحبه‌های مدیران ذی‌ربط مشاهده می‌شود. شمای کلی از این الگوها و گرایش‌ها در شکل ۲ ارائه شده است.



شکل ۲. الگوهای جذب دانشجویان خارجی

برنامه‌های مبادله دانشجویی

برنامه مبادله دانشجویی برنامه‌ای است که طبق آن دانش‌آموزان یک دبیرستان یا دانشجویان یک دانشگاه در یکی از مؤسسات شریک با مؤسسه خودشان در خارج از کشور به تحصیل می‌پردازند. برنامه‌های مبادله دانشجویی ممکن است مستلزم سفرهای بین‌المللی باشد، ولی دانشجویی مجبور نیست که در خارج از کشور خود تحصیل کند. برای مثال، برنامه مبادله ملی دانشجویی (NSE) موقعیت‌هایی را برای مبادله دانشجویی در سراسر ایالات متحده و کانادا فراهم می‌کند.

به گفته دولت آمریکا هدف از وجود برنامه‌های مبادله خارجی فراهم کردن کار و آموزش عملی و به اشتراک گذاشتن تاریخ، فرهنگ و سنت‌های کشور زادگاه شرکت‌کنندگان در این برنامه‌هاست.

واژه "مبادله" بدین معناست که دانشجو در یک مؤسسه شریک پذیرش می‌شود، اما لزوماً به معنای آن نیست که دانشجو مجبور است در مؤسسه دیگر همتایی بیابد تا بتواند جای خود را با وی عوض کند. دانشجویان مبادله‌ای با یک خانواده میزبان یا در مکانی معین همچون خوابگاه، آپارتمان یا خانه دانشجویی اقامت دارند. هزینه‌های مرتبط با این برنامه در هر کشور و مؤسسه متغیر است. این هزینه‌ها از طریق بورس تحصیلی، وام یا از بودجه شخصی خود شرکت کنندگان تأمین می‌شود.

مبادلات دانشجویی بعد از جنگ جهانی دوم رایج شد و هدف از این برنامه‌ها افزایش درک و سازگاری شرکت کنندگان با فرهنگ‌های دیگر و همچنین ارتقای مهارت‌های زبانی آنان و وسیع‌تر ساختن افق‌های اجتماعی دانشجویان است. دانشجوی مبادله‌ای معمولاً شش الی ده ماه در کشور میزبان سکونت دارد. دانشجویان بین‌المللی یا افرادی که در برنامه‌های تحصیل در خارج از کشور شرکت می‌کنند، ممکن است چندین سال در کشور میزبان بمانند. در بعضی از برنامه‌های مبادله به اعطای امتیازات آکادمیک نیز توجه شده است.^۱

انواع برنامه‌های مبادله

برنامه‌های مبادله ملی

مبادله ملی دانشجو (NSE) نوعی کنسرسيوم آموزشی غیرانتفاعی است که در کشور آمریکا شکل گرفته است. این برنامه برای دانشجویانی که با هدف تحصیل و زندگی در موقعیتی جدید در دانشگاه‌های عضو این کنسرسيوم ثبت‌نام کرده‌اند، فرصت‌هایی عملی و مقرون به صرفه ایجاد می‌کند. از سال ۱۹۶۸ که این برنامه آغاز به کار کرده است، بیش از ۹۴,۰۰۰ دانشجو در آن شرکت کرده‌اند. NSE برای دانشجویانی طراحی شده است که ترجیح می‌دهند در یک ایالت دیگر و نه در یک کشور دیگر تحصیل کنند. NSE در دانشکده‌ها و دانشگاه‌های عضو این کنسرسيوم در ایالات متحده، کانادا، جزیره گوام، جزیره پورتوریکو و جزایر ویرجین در ایالات متحده عملی است. حدود ۲۰۰ دانشگاه و دانشکده به‌عنوان اعضای NSE ثبت‌نام کرده‌اند. فرایند تقاضا، تعیین سطح و اقدامات پیش از عزیمت را هماهنگ کننده NSE در کشور فرد تقاضا دهنده انجام می‌دهد. دانشجویان می‌توانند به انتخاب

1. Wikipedia, The free Encyclopedia, (2018, December 27) student exchange program

خود شهریه درخواستی را به دانشگاه مبدأ یا به دانشگاه میزبان بپردازند. دانشجویان صرفاً می‌توانند به‌طورکل برای یک سال تقویمی شامل یک سال تحصیلی و یک دوره تابستانی در برنامه مبادله شرکت کنند.

برنامه‌های مبادله بین‌المللی

مبادله کوتاه مدت

به برنامه مبادله کوتاه‌مدت برنامه مبادله فرهنگی یا تابستانی/ فشرده نیز گفته می‌شود. این برنامه‌ها بیشتر بر محل اقامت، مهارت‌های زبانی، خدمات اجتماعی، یا فعالیت‌های فرهنگی دانشجویان تمرکز دارند. دانش‌آموزان دبیرستانی و دانشجویان می‌توانند از طریق سازمان‌های دولتی و غیر دولتی متعددی که این برنامه‌ها را سازماندهی می‌کنند، برای شرکت در این برنامه‌ها تقاضا دهند. برنامه مبادله کوتاه مدت از یک هفته تا سه ماه به طول می‌انجامد و نیازی نیست که دانش‌آموز یا دانشجو در دبیرستان یا مؤسسه خاصی تحصیل کرده باشد. طی برنامه‌ای فشرده درک این دانشجویان از فرهنگ‌ها، جوامع و زبان‌های دیگر افزایش می‌یابد.

مبادله دراز مدت

مبادله دراز مدت به برنامه مبادله‌ای گفته می‌شود که شش تا ده ماه یا تا یک سال کامل به طول می‌انجامد. شرکت کنندگان با اخذ ویزای دانش‌آموزی در کشور میزبان به دبیرستان می‌روند. در آمریکا برای دانش‌آموزان مهمان معمولاً ویزای مبادله فرهنگی J-1 یا ویزای دانش‌آموز خارجی F-1 صادر می‌شود. از این دانش‌آموزان انتظار می‌رود که با خانواده میزبان ارتباط نزدیکی برقرار کنند و خود را با کلیه مسائل جامعه و محیط اطراف درگیر و آشنا سازند. وقتی این دانش‌آموزان به وطن باز می‌گردند، از آنها انتظار می‌رود که دانش‌آموخته شده را در زندگی روزمره‌شان به کار گیرند و درباره تجربه‌هایشان با حامیان خود گفت‌وگو کنند. در بسیاری از برنامه‌های مبادله از دانش‌آموزان انتظار می‌رود تا توانایی صحبت کردن به زبان کشور میزبان را حداقل در سطحی ابتدایی کسب کنند. در بعضی موارد دانش‌آموزان باید قبل از پذیرش در برنامه مبادله‌ای به کشور آمریکا در یک آزمون استاندارد شده درک زبان انگلیسی قبول شوند. در برنامه‌های دیگر توانایی زبان

بررسی نمی‌شود. اغلب دانش‌آموزان مبادله‌ای در طول چند ماه می‌توانند زبان کشور میزبان را به‌طور روان صحبت کنند. بودجه بعضی از برنامه‌های مبادله همچون "برنامه مبادله جوانان کنگره- مجلس فدرال"^۱ را دولت تأمین کند. شورای استانداردهای سفرهای آموزش بین‌المللی سازمانی غیر انتفاعی است که متعهد به مبادله و سفرهای آموزشی بین‌المللی با کیفیت برای جوانان دبیرستانی است. (همان ماخذ)

۱. برنامه مبادله بین دانشجویان آمریکایی و آلمانی است که تحت حمایت مالی کنگره ایالات متحده و دولت فدرال آلمان قرار دارد (ویکی پدیا).

جمع‌بندی

گفته می‌شود که فرهنگ و آموزش رکن چهارم سیاست خارجی و ذخیره‌ای برای ساختن جهان آینده است. این مفهوم در زمینه آموزش بین‌المللی معنادارتر می‌شود.

در بررسی موضوع جذب دانشجویان خارجی و تحرک بین‌المللی آنان هم ساختارها و زمینه‌های اجتماعی باید واکاوی شوند و هم به نقش عامل کنشگر؛ یعنی دانشجویی که تصمیم به مهاجرت می‌گیرد، باید توجه شود. معمولاً در بررسی‌ها و تحلیل‌ها نقش عوامل انسانی و فرهنگی و روانی در لابه‌لای ارقام و اعداد مغفول می‌ماند.

تصمیم به تحصیل در یک کشور خارجی تابع عوامل کشش (در مقصد) و عوامل رانش (در مبدأ) است. این عوامل در سه سطح کلان و اجتماعی (ماکرو)، سطح خرد و فردی (میکرو) و سطح میانی (مزو) شامل سازمان‌ها و نهادها خود را نشان می‌دهند.

سه جریان قوی که جریان مهاجرت و تحصیل در خارج از مرزهای ملی را می‌سازند، عبارت‌اند از:

- ۱- عوامل فشار / انگیزشی^۱؛
- ۲- عوامل کشش / جذب^۲؛
- ۳- عوامل شخصی مرتبط با عامل کنشگر.

بنابراین، مسئله را نباید صرفاً به موضوع ورود و ثبت‌نام تعدادی دانشجو تنزل داد، بلکه باید کلیه پویایی‌ها و پیچیدگی‌های مسئله دیده شوند. شاید نیمه کاره رها کردن تحصیل در کشور ایران توسط بخش مهمی از دانشجویان خارجی به مجموعه‌ای از عوامل سیستمی برمی‌گردد و صرفاً یک تصمیم آنی و شخصی نیست. جذب و ماندگاری دانشجویان خارجی می‌تواند همچنین تحت تأثیر تجربه دوستان و شبکه‌های اجتماعی و عوامل فرهنگی دیگر باشد.

1. Push Factor

2. Pull Factor

هم اکنون سازمان‌های دانشجویی و شعبه‌های محلی آنان و گروه‌های پشتیبانی و برنامه‌های دوستان^۱ در این زمینه فعال‌اند.

جوآنان برای ادامه تحصیل در خارج از کشور درباره پیشینه کشور مورد نظر، شرایط و انگیزه دانشجویان قبلی، هزینه‌ها و مزایای تحصیل تحقیق می‌کنند و سپس، برای تحصیل در آن کشور تصمیم می‌گیرند. بنابراین، کشورهایی که خواهان جذب دانشجویان هستند، باید فرایند تصمیم‌گیری متقاضیان و خانواده آنان را برای جابه‌جایی واکاوی کنند. این کشورها باید از نظر جامعه‌شناسی، روانشناسی، علوم تربیتی، تحقیقات شبکه‌ای و حتی گردشگری به این امر بنگرند. اکنون این پرسش جدی مطرح است که آیا دلیل تحرک دانشجویی دستیابی به سرمایه فرهنگی شخصی یا فرار از جبرهای ساختاری است؟

کشورهای مقصد باید نیروهای پیشران در تحرک بین‌المللی دانشجویان را بشناسند و تحولات را رصد کنند. کلیدی‌ترین این پیشران‌ها (دراپورها) عبارت‌اند از: ابعاد اقتصادی و مسائل جمعیتی و دموگرافیک. در نهایت، سیاستگذاران این کشورها باید در سطح راهبردی مشخص کنند که آیا می‌خواهند با منطبق آزادسازی و رهاسازی با موضوع برخورد کنند یا قصد دارند آن را کنترل و برای آن برنامه‌ریزی کنند؟

امروزه، کشورها با جذب دانشجویان بین‌المللی و سایر اشکال همکاری به ارتقای پرستیژ و جایگاه خود در نظام بین‌الملل می‌پردازند. بین‌المللی بودن خصیصه علم جدید و جوهره دانشگاه مدرن است. حتی مراکز علمی قدیم چون دانشگاه جندی شاپور در ایران ساسانی ماهیت بین‌المللی داشته‌اند. از این رو، به اعتقاد نگارنده درج بند (ط) در ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه و مجاز کردن دانشگاه‌ها به جذب دانشجوی خارجی زاید است و مانند این است که به دانشگاه‌ها در متن قانون اجازه دهیم که تدریس و پژوهش کنند!

سهم ناچیز کشور ایران در آموزش بین‌المللی نشان‌دهنده نبود رویکرد مثبت مدیران آموزش عالی در این زمینه یا وجود موانع جدی در بیرون از نظام

آموزش عالی است. امروزه، جریان جذب دانشجوی خارجی از شکل سنتی آن؛ یعنی حرکت از کشورهای درحال توسعه به سوی کشورهای غربی تغییر یافته و کشورهای نوظهور دیگری چون چین، ژاپن، مالزی و سنگاپور وارد این عرصه شده‌اند. از این رو، فرصت‌های نوینی برای کشور ما مهیا شده است. البته، بدون بهبود رویکرد بدبینانه و درغیاب ارتباط فعال و مشارکتی با جهان خارج، برنامه جذب دانشجوی خارجی حتی با افزایش آمارها عقیم و بی‌ثمر خواهد بود. در این خصوص، ابتدا باید مزیت‌های نسبی کشور شناسایی شود. ممکن است مزیت‌های نسبی ایران نه در رشته‌های فنی و مهندسی، بلکه در زمینه‌هایی چون معماری، هنر، طب سنتی، ادبیات و فلسفه باشد.

در کشور ایران برای توسعه جذب دانشجویان خارجی اقدامات متعددی در دستور کار بوده، اما از نظر کمی و کیفی موجب رشد و توسعه در این زمینه نشده است که این اقدامات به قرار زیر است:

- ایجاد مناطق آزاد علمی؛
- توسعه دانشگاه مجازی؛
- برگزاری دوره‌های مشترک بین دانشگاه‌های داخلی و خارجی؛
- تأسیس شعبه دانشگاه ایرانی در خارج از کشور؛
- تأسیس دانشگاه بزرگ بین‌المللی (قزوین)؛
- فعال شدن همه دانشگاه‌ها (مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی مبنی بر دریافت مجوز جذب دانشجوی خارجی تا سقف ۵ درصد کل دانشجویان)؛
- فعال شدن دانشگاه‌های مرزی (برنامه اعلام شده توسط دبیرشورای گسترش). این برنامه‌ها و راهبردها بعضاً با یکدیگر در تضادند و حاکی از نبود رویکردی منسجم و راهبردی معین است. هریک از این ایده‌ها نیز به صورت ضعیف و ناقص اجرایی شده و دستاورد مهمی نداشته است.

سهم اندک کشور ایران از جریان شش میلیون نفر دانشجوی خارجی موجب شده است که در طبقه‌بندی‌های بین‌المللی کشورها در این زمینه، کشور ایران در زمره هیچ‌یک از کشورهای پیشرو، میانه، در حال توسعه و نوظهور قرار نگیرد.

در برخی از مطالعات موجود به نقش "عوامل مؤثر" در بین‌المللی شدن

دانشگاه‌ها و وجه بارز آن؛ یعنی جذب دانشجویان خارجی پرداخته شده است. با توجه به این بخش راهبردهای زیر را می‌توان برای ارتقای کمی و کیفی این مقوله مطرح‌نظر قرار داد و عوامل مساعد و تسهیل‌گر را تقویت کرد:

- بین‌المللی سازی برنامه درسی و توجه به زبان بین‌المللی آموزش؛
- کاهش هزینه زندگی و شهریه‌های تحصیلی دانشجویان خارجی؛
- تدوین و اجرای سیاست‌های مهاجرتی تشویق کننده؛
- مشابه‌سازی نظام‌های آموزشی کشور با کشورهای مبدأ؛
- ارتقای شهرت علمی دانشگاه‌ها؛
- توجه به ارتباطات تاریخی و نزدیکی جغرافیایی کشورهای هدف؛
- شفافیت و انعطاف‌پذیری دروس ارائه شده.

در مطالعات ایرانی علاوه بر ذکر عوامل، عمدتاً بر نقش مهم "موانع و مشکلات" تمرکز شده است. بنابراین، راهبردهای واقع‌گرایانه راهبردهایی هستند که رفع آنها مطرح‌نظر قرار گیرد. بر اساس آنچه در این بخش بیان شد، راهبردهای گرفته شده از مطالعات و تجارب ایرانی، عبارت‌اند از:

- آماده سازی محیط عمومی جامعه برای پذیرش مهمانان بیگانه؛
- ارتقای جاذبه‌های فرهنگی و اجتماعی در محیط و انعطاف‌پذیری؛
- تأکید بر زبان انگلیسی برای تدریس؛
- ارتقای بینش و آگاهی مردم کشورهای دیگر از فرهنگ و تمدن ایران؛
- گشودن درهای آموزش عالی کشور به سوی ایده‌های جدید بین‌المللی؛
- تسهیل ورود دانشمندان و استادان بنام بین‌المللی به کشور؛
- ایجاد درک و ضرورت مشترک در بین مدیران و دولتمردان؛
- تلاش برای به رسمیت شناختن مدارک تحصیلی ایران در همه کشورها؛
- توسعه کیفی خدمات حمایتی از دانشجویان خارجی؛
- ارتقای مشارکت استادان در پروژه‌های بین‌المللی؛
- برقراری ارتباطات مستمر با دانشگاه‌های برتر جهان؛
- تدوین راهبردها و اهداف جامع و ابلاغ آنها به دانشگاه‌ها؛
- فعال تر شدن دفاتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی؛
- حل مشکلات صدور روادید؛

- اعطای استقلال به دانشگاه‌ها برای پذیرش دانشجویان خارجی؛
 - تغییر ساختار سازمانی دانشگاه‌ها به سود ایده جذب دانشجویان بین‌المللی؛
 - استفاده از تجارب کشورهای موفق جهان در این حوزه.
- همچنین از شش نظریه (تئوری) بیان شده نیز می‌توان ایده‌های راهبردی را به شرح زیر استخراج کرد:

نظریه	ایده راهبردی
آموزش عالی به مثابه کسب و کار	تأکید بر بهره‌برداری از آموزش عالی به‌عنوان یک بازار کسب و کار بین‌المللی؛
جامعه‌شناسی تغییر	بهره‌برداری از جذب دانشجویان خارجی به‌عنوان عامل تغییر و توسعه کشور (انتقال فناوری و...)
تحرك دانشجویان	مدیریت و هدفمندسازی تحرك بین‌المللی دانشجویان در منطقه؛
آموزش چندفرهنگی	توسعه آموزش‌های چند فرهنگی و مطالعات بین فرهنگی در دانشگاه‌ها؛
آموزش اضافی	بهره‌برداری از فرصت پدیده آموزش زائد در کشورهای همسایه ایران (افغانستان، عراق و...)
نظریه کشش و رانش	افزایش جاذبه‌های علمی و فرهنگی کشور برای متقاضیان بالقوه.

الزامات و زیرساخت‌های جذب دانشجویان بین‌المللی

اکنون با توجه به ادبیات نظری و تجارب عملی کشورها که در صفحات پیشین بیان شد این الزامات در چند بخش تدوین می‌شود:

- الزامات و زیرساخت‌های حقوقی
- الزامات و زیرساخت‌های سیاسی
- الزامات و زیرساخت‌های آموزشی
- الزامات و زیرساخت‌های مدیریتی
- الزامات و زیرساخت‌های اقتصادی
- الزامات و زیرساخت‌های فرهنگی

الزامات و زیرساخت حقوقی

۱. به موجب اصل هشتاد و یکم قانون اساسی: «دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجارتي و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است» حال چنان چه بخش آموزش عالی را در قالب خدمات محسوب کنیم تأسیس شعبه دانشگاه خارجی در ایران با موانعی رو به روست. هر چند نگارنده معتقد است در تأسیس شعبه باید سخت‌گیری اعمال کرد اما این سخت‌گیری باید از نوع متمیزي علمی باشد نه یک منع کلی قانونی.
۲. هم چنین به موجب اصل هشتاد و دوم: «استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت ممنوع است مگر در موارد ضرورت با تصویب مجلس شورای اسلامی» بنابراین همکاری و پذیرش استادان خارجی در دانشگاه‌های دولتی صرفاً می‌بایست در قالب قراردادهای همکاری موقت (نه استخدام) باشد. این قوانین نیاز به تفسیر مناسب دارند.
۳. علاوه بر این‌ها به موجب مصوبه ۱۳۸۶/۴/۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی «تدریس در کلیه ی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور برای همه ی دانشجویان اعم از ایرانی و غیر ایرانی باید به زبان فارسی انجام پذیرد». این الزام مانع توسعه زیرساخت زبان‌های بین‌المللی در دانشگاه‌ها می‌شود لذا لازم است دانشگاه‌هایی که دارای بیش از ۲۰۰ نفر دانشجوی خارجی هستند از این مصوبه مستثنی شوند.
- این استناد از طریق مکاتبه وزارت علوم و درخواست از رئیس محترم جمهور که ریاست این شورا را برعهده دارند امکان پذیر و میسر است.
۴. هر شخص خارجی اعم از این که مسلمان، مسیحی، یهودی یا بی‌دین باشد به محض ورود به ایران از نظر سبک زندگی و پوشش و تغذیه و مراودات اجتماعی باید کلیه قوانین ایران را مراعات نماید. توجیه کردن استادان و دانشجویان خارجی در خصوص این الزام ممکن است دشوار باشد. اسکان دانشجویان خارجی در پردیسهای مجزا و تأسیس دفتر مشاوره ویژه و انتشار

بروشورهای مختلف می‌تواند در توجیه آنان برای پذیرش سبک زندگی دانشجویی در ایران موثر واقع شود.

۵. قوانین مهاجرتی و تابعیت در ایران بسیار سخت گیرانه است. طبق ماده ۷۹۷ قانون مدنی (مصوب ۱۳۱۳) اشخاصی می‌توانند تابعیت ایران را کسب کنند که پنج سال اعم از متوالی یا متناوب در ایران ساکن بوده باشند. پس از اعطای تابعیت این افراد نمی‌توانند وزیر، وکیل مجلس، قاضی، عضو شورای شهر و شهرستان، یا کارمند وزارت خارجه و سایر مناسب حساس حکومتی شوند. (اصلاحیه ماده ۹۸۷ مصوب ۷۰/۷/۱۴). تجربه نشان داده است بهترین دانشجویان خارجی آنانی هستند که همراه خانواده خود مهاجرت می‌کنند. بنابراین عدم انعطاف قوانین مهاجرت باعث کاهش تمایل آنان می‌شود.
۶. هم اکنون ممنوعیتهایی برای کار نیمه وقت یا پاره وقت دانشجویان خارجی در بازار کار ایران وجود دارد. در این زمینه می‌توان در مقاطع تحصیلی خاص و برای فعالیتهای خاص (مثلا تدریس و.....) اینگونه موانع را برداشت. در بسیاری کشورهای موفق دانشجوی خارجی می‌تواند ۱۰ تا ۲۰ ساعت در هفته کار کند و بخشی از شهریه سنگین خود را تامین کند.

الزامات و زیرساخت‌های سیاسی

۱- گشودگی

گشودگی در فرهنگ وبستر به معنای بیان آزاد عقاید و احساسات واقعی فرد است. گشودگی یک دلالت ضمنی مثبتی به همراه دارد. به عنوان مثال حکومت‌های باز، اطلاعات باز، جوامع باز، گشودگی به عنوان مشخصه‌ای مفید بویژه در بافتار اجتماعی دیده می‌شود. گشودگی بر سه پایه متکی است: گشودگی تصمیم‌گیری‌های دموکراتیک برای تقویت مشارکت شهروندان، گشودگی منابع اطلاعاتی دولتی برای استفاده عمومی و گشودگی فرآیند نوآوری اجتماعی به یک جامعه گسترده‌تر از ذینفعان. مورد اول بر پیشرفت به سوی یک دموکراسی با مشارکت بیشتر شهروندان در فرآیندهای سیاسی بیشتر تأکید می‌کند. دوم اینکه،

گشودگی به اطلاعات باز اشاره دارد. فرآیند دولتی انتشار داده‌های باز، پاسخگویی و خودآگاهی را شکل می‌دهد، در حالیکه اختلافات بین بخش‌ها و چالش‌های خصوصی را از بین می‌برد. و مورد آخر بر توانایی تسریع در نوآوری اجتماعی تأکید دارد. جوامع باز از شهروندان، سازمان‌های غیر انتفاعی و سازمان‌های دولتی نوآورتر و قدرتمندتر از هر یک از این جوامع به حساب می‌آیند. با حفظ این سه بعد، گشودگی به جوامع مشارکتی، آگاه و نوآورانه منجر خواهد شد. در کل، آینده گشودگی به نظر می‌رسد روشن و سزاوار شهرت مثبت آن است.

گشودگی سیاسی فرهنگی^۱ یک مفهوم کلیدی و فلسفی است که با تأکید بر شفافیت و دسترسی آزادانه و بدون محدودیت به دانش و اطلاعات، همچنین مدیریت و تصمیم‌گیری مشارکتی یا همکاری تا تصمیم‌گیری توسط یک اقتدار مرکزی تأکید دارد. (Peters, 2014)

گشودگی سیاسی فرهنگی باعث می‌شود تسهیل در فرآیند بین‌المللی شدن آموزش عالی موفقیت آمیز شود. بارتل (۲۰۰۳) فرهنگی را که انطباق‌پذیری خارجی، گشودگی سیستمی و تعامل اجتماعی از مشخصه‌های آن باشد را یک نوع فرهنگ منعطف می‌داند که تسهیل‌کنندگی آن از فرهنگی که بر سلسله مراتبی بودن و تخصیص منابع تأکید دارد، بیشتر است.

در اهمیت این مؤلفه در فرآیند بین‌المللی شدن کیتامورا^۲ سه نوع استاندارد را برای آن بیان می‌کند: (۱) تطبیق‌پذیری: آموزش عالی در یک کشور زمانی می‌تواند در جامعه بین‌الملل جهان شمول باشد که فرهنگ ملی، آموزش، ظرفیت پژوهش و سیستم آموزشی مورد شناخت و ارزیابی کشورهای دیگر قرار بگیرد. (۲) ارتباطات: دانشمندان با ملیت‌های مختلف نیاز به تبادل و ارتباط مداوم دارند. (۳) گشودگی: یک کشور باید با سازمان‌ها و افراد خارجی با زمینه‌های فرهنگی متفاوت به مانند مردم خودش رفتار کند. (Kitamura, 2001: 1).

در این بررسی منظور از گشودگی سیاسی فرهنگی، به فضای سیاسی فرهنگی

1 . Cultural-political Oppennes

2. kitamura

اشاره دارد که در آن حکومت با اعمال محدودیت‌های کمتر بر روابطی که در این فضا در حوزه‌های مختلف اجتماعی وجود دارد، سعی در شکل‌گیری آزادانه این روابط دارد.

۲- انعطاف‌پذیری مدیریتی^۱

انعطاف‌پذیری به پاسخ یک یا چند متغیر که در آن یک یا چند متغیر وابسته تغییر می‌کند، گفته می‌شود. در مدیریت، این به معنای پاسخ دادن به برنامه‌های مدیریتی و اقدامات به تغییرات در محیط است. این ویژگی است که مدیریت را قادر می‌سازد به چالش‌ها و مسائل شرایط جدید پاسخ دهد. (Massie, 1958:447)

منظور از این اصطلاح در این پژوهش این است که با توجه به اینکه تغییر و تحولات در یک سازمان یا نهاد نسبت به گذشته بسیار زیاد است، برای بقای آن سازمان می‌بایست با شرایط موجود خود را وفق داد تا بتوان به مطلوبیت مورد نظر دست یافت. در این پژوهش این انعطاف مدیریتی در حوزه آموزش عالی جای دارد که مدیر بتواند در زمینه بین‌المللی شدن آموزش عالی بهترین راهبرد را انتخاب کند.

۳- تعهد به بین‌المللی‌شدن^۲ توسط همه سطوح مدیریتی

منظور از تعهد پیوند بین مأموریت، راهبرد، برنامه‌ریزی، ارزیابی مکانیسم‌ها و کانال‌های ارتباطی در داخل و خارج دانشگاه به منظور ارزیابی اینکه چرا و چگونه ذینفعان بین‌المللی شدن را به عنوان یک اولویت برای دانشگاه تعقیب می‌کنند. (Carvalho, 2015:26)

در این گزارش تعهد به بین‌المللی شدن به معنای پایدار بودن و متعهد بودن به اجرای سیاست‌هایی است که در زمینه بین‌المللی شدن آموزش عالی وضع شده و دامنه این تعهد از سطوح بالای سیاستگذاری تا سطوح بعدی را در برمی‌گیرد. این تعهد، تعهد به اجرای دقیق سیاست‌هاست.

1 . Management Flexibility

2 . Commitment to Internationalization

۴-آماده سازی محیط داخلی^۱ و فرهنگ ملی

فرهنگ ملی مجموعه ای از هنجارها، رفتارها، باورها، آداب و رسوم و ارزش‌هایی که توسط یک ملت مستقل به اشتراک گذاشته شده است. همچنین به ویژگی‌های خاصی نظیر زبان، مذهب، هویت قومی و نژادی و تاریخ و سنت‌های فرهنگی اشاره دارد. (Almedia,2018:19)

سطح محیط داخلی (فرهنگ ملی) به مؤلفه‌هایی اشاره دارد که پذیرش بین-المللی شدن را برای جامعه تسهیل و تسریع می‌کند و در مقابل سیاست‌هایی که شکل می‌گیرد باید با فرهنگ داخلی و ارزش‌های بومی منطبق باشد و خلاف مصلحت عمومی جامعه نباشد.

الزامات و زیرساخت‌های آموزشی

۱. در وهله ی نخست ضرورت دارد چارچوب ملی صلاحیت‌ها و مدارک تحصیلی (NQF) تدوین و تصویب و ابلاغ شود. در غیر این صورت مدارک تحصیلی دانشجویان خارجی در کشور مبدأ ممکن است شناسایی نشده و رسمیت نداشته باشد. این امر موجب سرگردانی و متضرر شدن دانش‌آموختگان خارجی می‌شود. چنان‌چه بخواهیم از کشورهای توسعه یافته دانشجو پذیرش کنیم ضرورت این کار مضاعف می‌شود.
۲. از بین استانداردهای آموزشی شناخته شده در دنیا یک استاندارد انتخاب و اجرایی شود. تغییر و بومی سازی درصد اندکی از محتویات این استانداردها نیز مانعی ایجاد نمی‌کند اما سازگاری و شناخته شده بودن استاندارد آموزشی مهم است.
۳. نوسازی و به روز رسانی رشته‌های موجود منطبق بر نیازهای بازارهای جدید ضرورت دارد.

۴. دانشگاه‌ها برای راه‌اندازی رشته‌های نو، پرطرفدار در سطح جهان، هم‌سو با مرزهای دانش به ویژه میان رشته‌ای‌ها ترغیب شوند. تصویب سریع‌تر این رشته‌ها بهترین مشوق مراکز علمی است.
۵. در هر دانشگاهی که بیش از ۲۰۰ دانشجوی بین‌المللی دارد کمیته‌ای به منظور تدوین یا انتخاب متون درسی به زبان انگلیسی راه‌اندازی شود. هم‌زمان موضوع لغو مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی یا تعدیل آن با ریاست محترم جمهور مذاکره شود. چنان‌چه این مصوبه تعدیل نشود این متون به عنوان کمک آموزشی به دانشجویان معرفی شوند.
۶. زیرساخت زبان استادان در ایران ضعیف است. به منظور رفع این نقیصه آموزش‌های ضمن خدمت برای تکمیل و غنابخشی به توانمندی زبان‌های بین‌المللی (انگلیسی - فرانسه - روسی - اسپانیولی - عربی و چینی و ...) طراحی و اجرا شود. شرکت در این کلاس‌ها در ترفیع و ارتقای استادان باید امتیاز ویژه داشته باشد و هزینه آن از طرف دانشگاه پرداخت شود.
۷. تعداد استادان وابسته خارجی یا مشغول به فرصت مطالعاتی در دانشگاه‌های ایران به عنوان معیاری در رتبه‌بندی و سطح‌بندی دانشگاه‌ها در نظر گرفته شود. در مورد تسریع در ویزای آنان می‌توان با وزارت امور خارجه موافقت‌نامه‌ای به امضا رساند.
۸. افزایش نسبت دانشجویان غیر بومی که با معیارهای صرفاً علمی توسط دانشگاه‌ها انتخاب می‌شوند، مهم است. هدف پیشنهادی می‌تواند پوشش ۸۰ درصدی دانشجویان غیر بومی باشد.
۹. طراحی و ترویج رشته‌هایی که کشور ما در آن‌ها دارای مزیت است مانند: تاریخ تمدن ایران - هنرهای ایرانی - معماری - ادبیات - حکمت ایرانی، اسلامی - تصوف و عرفان - فرش - زعفران - نانوتکنولوژی - علوم پزشکی و طب سنتی.

۱۰. کاهش طول مقطع کارشناسی به ۳/۵ سال، کارشناسی ارشد به ۱/۵ سال و دکتری تخصصی به ۴ سال منطبق بر عرف جاری در اکثر کشورهای جهان.
۱۱. اعتبار بخشی دانشگاه‌های ایران توسط مراکز معتبر اعتباربخشی آسیا.
۱۲. افزایش تحرک بین‌المللی دانشجویان از طریق گرفتن دانشجوی مهمان (یک یا دو ترم) به ویژه از کشورهای اروپایی.
۱۳. بهره‌گیری مناسب از ارتباطات شخصی استادان با سابقه به منظور توسعه همکاری‌های آموزشی با دانشگاه‌های خارجی و اعطای مشوق و اختیارات به این دسته از استادان.
۱۴. توسعه دوره‌های مشترک آموزشی در هر سه مقطع با دانشگاه‌های معتبر جهان از طریق اعطای اختیارات و استقلال بیش تر به دانشگاه‌ها.
۱۵. توسعه پرتال Education Iran و اتصال سایر دانشگاه‌ها به آن.
- تبدیل این درگاه به بازاری برای عرضه و تقاضای آموزش عالی بین‌المللی.
۱۶. ایجاد دفتر مشاوره تحصیلی دانشجویان خارجی در دانشگاه‌هایی که بیش از ۲۰۰ دانشجوی خارجی دارند.
۱۷. پرورش سواد بین‌المللی استادان از طریق کارگاه‌های آموزشی و یا رسانه‌های ارتباطی جدید.
۱۸. طراحی و تدوین مباحث چند فرهنگی و گنجاندن آن‌ها در برنامه‌های درسی دانشجویان.
۱۹. گنجاندن جنبه‌های بین‌المللی در موضوعات و عناوین درسی موجود، فیلم‌ها، تک‌نگاشت‌ها و جزوات و کتب درسی، ابزارهای چند رسانه‌ای و فعالیت‌های فوق برنامه.
۲۰. سازوکار متمرکز اعطای بورس به سازوکاری غیر متمرکز تبدیل شود. حداقل در مورد ۱۳ دانشگاه برتر کشور که مأموریت آن‌ها بین‌المللی است اختیارات مستقل داشته باشند.

الزامات و زیر ساخت مدیریتی:

۱. افزایش استقلال دانشگاهها (بویژه دانشگاههای برتر) و تفویض اختیار نحوه جذب دانشجوی خارجی به هیأت امنای و هیأت رئیسه دانشگاه. بگونه ای که در تقسیم کار ملی نقش بیشتری به دانشگاههای برتر داده شود.
۲. ایجاد زیرساخت برای مدیریت چرخش نخبگان بویژه سهولت تردد، سهولت همکاری در محیط مجازی، سهولت همکاری پاره وقت و ...
۳. تأسیس یک دانشگاه معتبر و بزرگ مجازی بین‌المللی برای پذیرش دانشجویان خارجی با روش آموزش مجازی و الکترونیکی
۴. ایجاد زیرساخت ارتباطی از طریق تأسیس و توسعه درگاه ملی و اتصال همه سازمانهای همکار به این درگاه ملی (وزارت امور خارجه وزارت اطلاعات - نیروی انتظامی - وزارت علوم - دانشگاههای پذیرنده و ...)
۵. تدوین و انتشار یک برنامه ده ساله برای توسعه و کیفی سازی جذب دانشجویان خارجی (مجموعه‌ای شامل سیاستها، راهبردها، منابع، متولیان، تقسیم کار ملی، اقدامات اساسی)
۶. ارتقای توانمندی سرپرستان دانشجویان خارجی از طریق تقویت نیروی انسانی در اختیار، جایگاه قانونی و اداری بودجه‌های در اختیار و آموزشهای ضمن خدمت
۷. حل مشکلات صدور و تمدید روادید دانشجویان و استادان خارجی از طریق هماهنگی نزدیک با وزارت امور خارجه و سایر مراجع ذیربط
۸. توسعه کیفی خدمات حمایتی و رفاهی دانشجویان خارجی و جلب کمک‌های مقامات محلی مانند استانداریها و شهرداریها
۹. ایجاد وفاق و درک مشترک در بین مدیران و دولتمردان و مقامات محلی استان
۱۰. مطالعه تطبیقی و اخذ تجارب کشورهای موفق و به‌گزینی دستاوردها در زمینه تحرک بین‌المللی دانشجویان
۱۱. ایجاد انعطاف در ساختارهای سازمانی و مقررات به سود بین‌المللی شدن دانشگاه/مؤسسه

۱۲. جلوگیری از ورود دانشگاهها و مؤسسات بی‌کیفیت به فرآیند جذب دانشجویان خارجی
۱۳. تخصیص بودجه‌های خاص برای جذب دانشجویان نخبه
۱۴. توجه به رویکرد سرمایه‌گذاری در کنار رویکرد در آمدزایی از جذب دانشجویان خارجی
۱۵. برگزاری هم‌اندیشی‌ها و همایش‌های کوچک و کاری برای تغییرنگاه به دانشجویان خارجی و مقولهٔ بین‌المللی شدن
۱۶. ایجاد انسجام و هماهنگی بین نهادهای ذی‌ربط از طریق تمرکز آنها در سازمان دانشگاه یا پرتال کشوری یا هر ساختار هماهنگ کنندهٔ دیگر
۱۷. تلاش مضاعف و مجدد برای اجرایی سازی تفاهم‌نامه‌های قبلی
۱۸. اتخاذ تمهیداتی برای تثبیت دانشجویان خارجی شاغل به تحصیل در ایران و جلوگیری از بی‌انگیزه شدن، مهاجرت مجدد، افت تحصیلی یا سایر مشکلات آنان
۱۹. طبقه‌بندی دانشگاه‌های پذیرنده متناسب با توان کیفی و زیر ساخت‌های آنان
۲۰. فعال سازی ریزبان علمی ایران در جهت توسعه هدفمند تحرک بین‌المللی دانشجویان به گونه‌های که جذب دانشجویان مستعد خارجی در مرکز فعالیتهای روزمرهٔ آنان قرار گیرد.
۲۱. عقد قرارداد با مؤسسات خارجی که در زمینه جذب دانشجوی خارجی فعالیت می‌کنند.
۲۲. پیش‌بینی انعطاف و مشوق‌های لازم در آیین‌نامه پذیرش استاد وابسته و میهمان
۲۳. دعوت از وزاری علوم کشورهای هدف برای مذاکره و بازدید از توانمندی دانشگاه‌های ایرانی
۲۴. جلوگیری از پوپولیستی شدن موضوع جذب دانشجویان خارجی و اعلام ضوابط کیفی و زیرساخت‌های لازم برای دانشگاه‌های پذیرنده
۲۵. ارزیابی تجارب قبلی چون دانشگاه شناور خزر، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین، تجربه پردیس‌ها

۲۶. دریافت مشاوره از سامان‌های بین‌المللی مانند IAU
۲۷. تقویت زیرساخت فضای پردیس از نظر استاندارد خوابگاهی، تغذیه سالم، امکانات ورزشی و هنری و اینترنت پرسرعت.

الزامات و زیرساخت اقتصادی

۱. کمک به دانشگاه‌ها برای ارتقای شهرت جهانی خود و برندسازی با روش‌های معقول و سنجیده.
۲. غنی‌سازی وب سایت انگلیسی دانشگاه‌ها به ویژه آشنا کردن جوانان داوطلب با ظرفیت‌ها و امکانات آموزشی و زندگی دانشجویی و جاذبه‌های توریستی کشور.
۳. درگیرسازی شبکه‌ای از استادان و دانشجویان داخلی و خارجی در طرح‌های انتقال تکنولوژی.
۴. تعریف موضوعاتی برای پایان‌نامه دانشجویان خارجی که هم‌سو با اقتصاد پژوهش و قابل تجاری شدن باشند. این رویکرد در مورد رشته‌های فنی مهندسی و کشاورزی و علوم پزشکی و هنر کاملاً قابل اجراست و در مورد علوم پایه و علوم انسانی تا حدودی می‌تواند تحقق پیدا کند.
۵. استفاده دانشگاه‌ها از ظرفیت‌ها و معافیت‌های مناطق آزاد.
۶. تلاش برای افزایش دانشجویان شهریه‌پرداز خارجی. این امر می‌تواند به افزایش توان اقتصادی دانشگاه‌ها برای جذب دانشجوی بیشتر و ارتقای کیفیت منجر شود.
۷. تعیین دقیق فرمول شهریه دانشجویان خارجی با در نظر گرفتن رقبای منطقه‌ای، درآمد خانواده‌ی دانشجو، نوع و میزان خدمات آموزشی و رفاهی دانشگاه به دانشجو توسط هیأت امنای دانشگاه‌ها.
۸. استفاده از ظرفیت کمک‌های سازمان‌های بین‌المللی برای پرداخت کمک‌هزینه‌ی تحصیلی به دانشجویان کم‌بضاعت.

۹. ایجاد بخش بازاریابی بین‌المللی و تقویت تبلیغات و برگزاری همایش معرفی توانمندی‌های دانشگاه‌های ایران در کشورهای دیگر به منظور کشف بازارها و کشورهای هدف جدید.
۱۰. تقویت اتحادیه دانشگاه‌های حاشیه دریای خزر و تشکیل اتحادیه‌های مشابه.
۱۱. پیش‌بینی تحقق بخشی از درآمد دانشگاه‌های بزرگ از طریق شهریه دانشجویان خارجی.
۱۲. تنوع بخشی در روش‌های جذب دانشجو.
۱۳. استفاده‌ی حداکثری از جاذبه‌های توریستی کشور و ادغام ایده‌ی توریسم علمی در فعالیت دانشگاه‌ها.
۱۴. تشویق خیرین و سرمایه‌گذاران ایرانی مقیم خارج به ساخت فضاهای کالبدی مخصوص دانشجویان خارجی.
۱۵. فعال کردن بخش اقتصادی سفارت‌خانه‌های ایران در جهت جذب دانشجوی خارجی شهریه پرداز.
۱۶. تخصیص بودجه مشخص و تفکیک شده و مناسب توسط وزارت علوم، سازمان برنامه و بودجه و دانشگاه‌ها برای ارتقای فعالیت‌های بین‌المللی دانشگاه‌ها و توسعه‌ی جذب دانشجویان خارجی با کیفیت.
۱۷. مطالعه‌ی پایش و ارائه تحلیل‌های اقتصادی مستمر و دوره‌ای در خصوص بازار منطقه‌ای تحرک دانشجویی.

الزامات و زیرساخت‌های فرهنگی

(۱) پذیرش تنوع فرهنگی در دانشگاه و جامعه

تنوع فرهنگی می‌تواند به عنوان تمایز در تجربیات زندگی و فهم و واکنش به این تجربیات که موجب تفاوت گروهی از گروه دیگر می‌شود، تعریف شود. (Marshall, 2002:7) کلمه تنوع فرهنگی تأکید بر پذیرش و احترام به تفاوت‌های فرهنگی دارد با شناسایی اینکه هیچ فرهنگی به طور ذاتی برتر از دیگری

نیست (Diversity Dictionary [n.d.]) در تعریف دیگر غالباً به مفهوم گوناگونی فرهنگ و در معیاری وسیع تفاوت فرهنگ جوامع مختلف انسانی در مناطق مختلف جهان است. (گولد و کولب، ۱۳۸۴: ۲۷۱) در تعریف دیگر تنوع فرهنگی کیفیت فرهنگ‌های متنوع و یا متفاوت است که با تک فرهنگی تضاد دارد. عبارت تنوع فرهنگی نیز بعضی اوقات به معنای انواع جوامع یا فرهنگ‌های بشری است که در یک منطقه خاص یا در کل جهان است. عدم قطعیتی که در مورد تعریف تنوع فرهنگی وجود دارد از مبارزه برای قدرت بین بازیگران مختلف و همچنین بین سطوح مختلف داخلی که آن را به عنوان یک فرصت در نظر می‌گیرد. عدم قطعیتی که در مورد تعریف تنوع فرهنگی وجود دارد ناشی از مبارزه برای قدرت بین بازیگران مختلف و همچنین بین سطوح مختلف داخلی که آن را به عنوان یک فرصت در نظر می‌گیرند، است.

آموزش عالی در جایگاه دانشجویان و اعضای هیأت علمی می‌توانند دانش را فراتر از مرزهای متعارف یا محلی انتقال دهند و دریافت کنند موجب تغییر پارادایم می‌شود. همانطور که دانشگاه‌ها به طور فزاینده‌ای به سوی بین‌المللی شدن حرکت می‌کنند، نیاز به افزایش چشم‌انداز جهانی به آموزش وجود دارد که می‌تواند به افراد کمک کند تا با تفاوت‌های فرهنگی سازگار شوند. (Thompson, 2016: 8)

تنوع به عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف نهادی و آموزشی است. صرفاً افزودن افراد متنوع به یک محیط همگن به طور خودکار یک محیط دانشگاهی بین‌فرهنگی ایجاد نمی‌کند. تلاش‌های طولانی مدت، مشارکت و توجه قابل ملاحظه‌ای برای تشخیص مزایایی که تنوع فرهنگی ارائه می‌دهد و برای اطمینان از اینکه همه اعضای جامعه دانشگاهی مورد احترام، شنیده شدن و ارزیابی قرار گیرد، ضروری است.

در زمینه بین‌المللی شدن آموزش عالی همانطور که بیان شد، حرکت به این سمت نیاز دستیابی به چشم‌انداز جهانی بر ضرورت رشد شایستگی‌های میان فرهنگی در دانشگاه به عنوان مکان بازتولید فرهنگ جامعه را ضرورت می‌دهد. تقویت مهارت‌های بین فرهنگی دانشجویان و تفکر مهارت‌ها برای بازتاب بر مبنای فرهنگی، ماهیت بی‌طرف و ماندگار دانش شروع مفید برای ارائه مهارت‌های تحقیق

و تجزیه و تحلیل تا ارائه حقیقت‌هایی در مورد جهانی شدن است. (Volet, 2004:9)

تنوع فرهنگی در دانشگاه‌ها منحصر به فرد نیست؛ تنوع فرهنگی می‌تواند به عنوان ابزاری برای بازسازی سیاست‌های فرهنگی بدون زیر سؤال بردن سطح حکومتی استفاده شود. (Bonet, 2011:574) تنوع فرهنگی جنبه فزاینده مهم بسیاری از جوامع است که تقریباً در هر حوزه اجتماعی تأثیر می‌گذارد. به همین دلیل، قرار دادن مردم جامعه در برابر چنین تنوع‌هایی در اوایل زندگی آن‌ها می‌تواند تواناییشان را برای قدردانی و احترام به افراد با زمینه‌های مختلف فرهنگی افزایش دهد، در نتیجه پتانسیل تعارض کاهش می‌یابد.

روسادو^۱ (۱۹۹۶) بیان می‌کند برای ایجاد تنوع فرهنگی در سطوح مختلف باید هفت اقدام صورت گیرد: (۱) شناخت فراوان تنوع فرهنگ‌ها (۲) احترام به تفاوت‌ها (۳) تأیید اعتبار اظهارات و مشارکت فرهنگ‌های مختلف (۴) تکریم آنچه فرهنگ‌های دیگر ارائه می‌دهند (۵) تشویق سهم گروه‌های گوناگون (۶) توانمند ساختن مردم برای تقویت خود و دیگران برای رسیدن به حداکثر توان بالقوه آن‌ها با انتقاد از تعصبات خود (۷) تجلیل کردن به جای تحمل تفاوت‌ها به منظور ایجاد اتحاد از طریق تنوع اگر بخواهیم بر پایه هفت اقدام روسادو به وضعیت تنوع فرهنگی در ایران بپردازیم باید گفت که همچنان در مرحله اقدام اول یعنی شناخت فرهنگ‌ها هستیم.

راهکار دیگری که پترووا^۲ برای آوردن تنوع فرهنگی به فرآیند آموزشی ارائه داده شامل موارد ذیل است: (۱) دعوت از اساتید خارجی برای تدریس (۲) دعوت از دانشجویان خارجی در کلاس (۳) سازماندهی رویدادهای فرهنگی و جشن‌هایی حول فرهنگ‌های خاص (۴) برگزاری دوره‌های آموزشی بین‌المللی (۵) برنامه‌ریزی برای مباحثه آنلاین بین دانشجویان سراسر جهان (petrova, 2012:9)

(۲) پذیرش و تعمیق مدارای فرهنگی

مدارا یک مفهوم هنجاری است بدین معنی که ارزش‌های فرهنگی خاص با بافتار

1. Rosado

2. petrova

هنجاری و محیط مرتبط می‌شود. از آنجایی که عمل مدارا همیشه در محیط اخلاقی و فرهنگی خاصی اتفاق می‌افتد، بافتار فرهنگی بر اینکه چگونه مدارا در عمل انجام شود و همچنین هنجارها محدودیتش را تعریف کند، نفوذ می‌گذارد. (forst,2010) مدارا شناخت و احترام به عقاید و اعمال دیگران بدون سهم شدن در آن است. همچنین می‌توان آن را احترام، پذیرش و قدردانی از تنوع غنی فرهنگ‌های جهان ما، اشکال بیان و روش‌های انسان بودن توصیف کرد. (nefeldt,1994)

همبستگی مثبت بین مدارا و سطوح تحصیلات یک یافته مداوم پژوهشی بوده است. (Holt,1969:27) بین مدارای فرهنگی و فعال بودن دانشجویان در زندگی دانشگاهی رابطه دارد. آماده کردن شهروندان و رهبران آینده به سیستم آموزش عالی نیاز است که بین‌المللی شدن تنوع فرهنگی را ارتقا دهد و فهم بین فرهنگی، احترام و مدارای فرهنگی بین مردم تقویت شود. مدارای فرهنگی، فهم بین فرهنگی و ایجاد جوامع و شهروندان دموکراتیک وظیفه حکومت و همچنین دانشگاه‌ها است که در فرآیند بین‌المللی شدن آموزش عالی این اتفاق می‌افتد. (chan 2008:22) این امر ریشه در این بحث دارد که میراث فرهنگی مردم جهانی است و بشریت نوع بشر بودن و شهروند جهانی را در پیشرفت دانش به اشتراک می‌گذارد.

آموزش عالی با افزایش شناخت و مهارت‌های استدلالی موجب افزایش بیشتر مدارا در افراد می‌شود. این امر سبب می‌شود ادعاهای ناخواسته و ترس‌های نامعقول در مورد کسانی که از نظر فرهنگی متفاوت هستند را ببیند (Stubager,2008). دانشگاه‌ها همچنین با تأکید بر آن به عنوان فضیلت، مدارا را افزایش می‌دهد. افرادی که مدت طولانی در نظام آموزشی هستند مدارا را به عنوان یک ارزش مرکزی می‌دانند و بیشتر احتمال دارد آن را درونی کنند. (Nunn,1987)

بین‌المللی شدن آموزش عالی باعث ایجاد شاخص‌های بین‌المللی می‌شود که شامل ذهنیت باز و بینش ذهنی، شایستگی زبانی، انعطاف در تفکر، مدارا و احترام به دیگران است. (Jibeen,2015:197) شناخت کشورهای دیگر، محیط‌های اجتماعی، محیط‌های فرهنگی به مهارت‌های اجتماعی در هماهنگی با محیط‌های مختلف کمک می‌کند. بسیاری از طرفداران بین‌المللی شدن آموزش عالی انتظار دارند که

این پدیده به احترام و مدارای بیشتر برای اشکال زندگی و فرهنگ‌های دیگر منجر شود.

بین‌المللی شدن آموزش عالی به نوعی سفر ایده‌ها، عقاید و باورهاست. با توجه به حاکم شدن فرهنگی ایرانی-اسلامی در جامعه ما به مفهومی که در غرب از مدارا استنتاج می‌شود نیاز است که ابتدا به تعریفی از مدارای فرهنگی دست یابیم تا بتوانیم مهارت مدارا را در جامعه و دانشگاه تسری دهیم. رسیدن به شاخص‌های مدارا از سوی سطوح عالی سیاستگذاران کشور به قطعاً به تحقق سیاست‌های اجرایی که در چارچوب آن وضع می‌شود کمک می‌کند.

۳) توسعه شناخت فرهنگی

شناخت فرهنگی آشنایی با ویژگی‌های فرهنگی انتخاب شده، تاریخ، ارزش‌ها، سیستم‌های باور، و رفتارهای اعضای یک گروه قومی دیگر است. (آدامز، ۱۹۹۵) شناخت فرهنگی بخش مهمی از توانایی‌های فرهنگیمان است. مردم در هنگام تعامل اغلب بر اطلاعات خاص فرهنگی تمرکز می‌کنند در حالیکه این شناخت برای موقعیتی خاص ضروری است و ضرورتاً قابل انتقال به دیگر فرهنگ‌ها نیست.

شناخت فرهنگی بخش مهمی از توانایی‌های فرهنگی مردم است هنگامی که تعامل می‌کنند بر اطلاعات فرهنگی خاصی تمرکز دارند در حالیکه این شناخت در موقعیت خاصی مفید است و ضرورتاً قابل انتقال به فرهنگ‌های دیگر نیست، شناخت فرهنگی یک مسیر عام را برای فهم تفاوت‌هایی که می‌تواند برای هر گروه فرهنگی که ما با آن برخورد می‌کنیم، فراهم آورد.

پوپ و همکاران شایستگی فرهنگی برای آموزش عالی را در سه عامل شناخت فرهنگی، آگاهی فرهنگی و مهارت می‌دانند برای ارزیابی شناخت فرهنگی یازده معیار ذکر می‌کنند که شامل: (۱) شناخت از فرهنگ‌های مختلف (به عنوان مثال تاریخ، سنت‌ها، ارزش‌ها، آداب و رسوم، منابع، مسائل) (۲) شناخت در مورد چگونگی تغییرات برای ارزش‌ها و رفتارهای فردی (۳) شناخت در مورد راه‌هایی که تفاوت‌های فرهنگی ارتباطات کلامی و غیر کلامی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (۴) شناخت در مورد اینکه چگونه هویت‌های اجتماعی (مثلاً نژاد، قومیت، ملیت، مذهب، جنسیت، طبقه اجتماعی، وضعیت توانایی) بر افراد و تجربیات آن‌ها تأثیر می‌گذارد. (۵)

اطلاعات در مورد منابع فرهنگی مناسب و نحوه تشویق به استفاده از آن‌ها (۶) اطلاعات در مورد ماهیت قدرت نهادی، امتیاز (۷) آگاهی از مدل‌های توسعه هویت (۸) شناخت در مورد تفاوت‌های درون گروهی و درک هویت‌های چندگانه (۹) اطلاعات و فهم فشار داخلی و تأثیر آن بر هویت و اعتماد به نفس (۱۰) شناخت در مورد موانع نهادی که دسترسی در آموزش عالی را محدود می‌کند (۱۱) دانش در مورد نظریه‌های سیستم و نحوه تغییر سیستم

زمانی که جهان به عنوان جامعه جهانی شده شود برای اینکه روابط متقابل با معنا و سودمند باشد، فهم فرهنگ ضرورت می‌یابد. بین‌المللی شدن آموزش عالی می‌تواند نقش مهمی در پرورش دادن شناخت فرهنگی ایجاد کند. با ایجاد شرایطی که از سوی این پدیده فراهم می‌شود دانشجویان این فرصت را دارند که در محیطی که فراهم شده به تعامل با افراد گوناگون با پیشینه‌های فرهنگی متفاوت بپردازند. (Croese:2011:394)

۴) خودآگاهی فرهنگی

خودآگاهی فرهنگی یکی از عناصر اصلی صلاحیت فرهنگی است که توسط مرکز ملی صلاحیت‌های فرهنگی (NCCC) تعریف شده است. خودآگاهی فرهنگی نخستین و از عناصر پایه‌ای است، زیرا بدون آن، به دست آوردن نگرش‌ها، مهارت‌ها و دانشی که برای صلاحیت‌های فرهنگی ضروری است، تقریباً غیرممکن است. وینکلمن (۲۰۰۵) آگاهی از تفاوت‌های فرهنگی و تأثیرشان بر رفتار را آغاز کارآمدی فرهنگی می‌داند. او بیان می‌کند که خودآگاهی فرهنگی شامل شناخت نفوذ فرهنگی خود بر ارزش‌ها، باورها و قضاوت‌ها و همچنین تأثیراتی که از فرهنگ کار حرفه‌ای نشأت گرفته می‌داند. (Winkelman, 2005:9)

خودآگاهی فرهنگی می‌تواند به دانشکده کمک کند تا: تصدیق کند که چگونه فرهنگ ادراکاتشان را شکل می‌دهد، بیشتر به دانشجویان و همکاران فرهنگ‌های متنوع پاسخگو باشند، به عنوان یک مربی یا سرپرست حساس‌تر و در دسترس‌تر باشند، به تفاوت‌ها و شباهت‌های فرهنگی که فرصت‌ها و چالش‌های کار در یک محیط چند فرهنگی ارائه می‌دهد، آگاه می‌کند.

ارتباط برقرار کردن بین دانشجویان و محیط زندگی‌شان، محیطی برای تعامل برقرار کردن و فهم فرهنگ‌ها فراهم می‌آورد. این ارتباط ضروری است و موجب رشد خودآگاهی فرهنگی بین دانشجویان می‌شود. (Rodriguez, 2016: 115) آموزش خودآگاهی فرهنگی به دانشجویان کمک می‌کند نگرش‌ها، عقاید و تعصباتی که در فرهنگشان وجود دارد را تشخیص دهند که این امر بر ارتباط آن‌ها با افراد دیگر تأثیر می‌گذارد. این امر شامل دانشجویان داخلی و خارجی می‌شود.

(۵) ایجاد فرهنگ آکادمیک^۱ مساعد و برون‌گرا

فرهنگ آکادمیک به عنوان سیستم باورها، ارزش‌ها و اقدامات فرهنگی دانشگاهیان تعریف می‌شود. فرهنگ دانشگاهی یک الگوی ضمنی از معانی است که به عنوان نمادها مانند: اعمال، نشانه‌ها، مصنوعات و سایر مقولات معنی‌داری که توسط آن دانشمندان تجربیات، باورها، ادراکات و ارتباطات مشترک خود را به اشتراک می‌گذارند، بیان می‌شود. (Birenbaum, 2002)

در این گزارش منظور نگرش، ارزش و شیوه رفتارهایی است که توسط افرادی که در دانشگاه کار می‌کنند یا تحصیل می‌کنند، به اشتراک گذاشته می‌شود. این فرهنگ در تمامی مکان‌های دانشگاه خود را جلوه می‌دهد. نظم، نقدپذیری، کار جمعی، بی‌طرفی عاطفی، حقیقت‌جویی برخی از ارزش‌های آکادمیک هستند. دانشجوی خارجی باید احساس کند در یک فضا و فرهنگی آکادمیک تنفس می‌کند.

منابع:

- ابراهیمی، یزدان (۱۳۸۱). بررسی تمایل دانشجویان دانشگاه‌های تهران و صنعتی شریف به خروج از کشور، طرح تحقیقاتی، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- اداره کل دانشجویان داخل، معاونت دانشجویی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۸۸)، منوگراف.
- اسکات، پیتر (۲۰۰۰). **جهانی شدن آموزش عالی**، مترجم: رضا فاضلی، سروش، ۱۳۸۷.
- اطلس همکاری‌های بین‌المللی دانشگاه تهران، معاونت امور بین‌الملل.
- بزرگمهری، مجید (۱۳۸۵)، پذیرش دانشجوی خارجی در کشور، تجربیات و راهکارها، **ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی**، شماره ۲۳۳ و ۲۳۴، بهمن و اسفند ۱۳۸۵.
- حریرچی، ملیحه (۱۳۸۴). نظرسنجی مشکلات دانشجویان بورسیه غیرایرانی در دانشگاه‌های علوم پزشکی مستقر در تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی.
- خراسانی، اباضلت و زمانی منش، حامد (۱۳۹۱). موانع فرهنگی و سیاسی مؤثر در جذب دانشجویان بین‌المللی، **فصلنامه مهندسی فرهنگی**، شماره‌های ۶۹ و ۷۰، مهر و آبان ۱۳۹۱.
- خورشیدی، غلامحسین (۱۳۸۳). **در آمدی بر اقتصاد آموزش عالی**، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، صص. ۳۱-۳۰.
- دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین (۱۳۸۰). **نگرش‌های دانشجویان خارجی**، گزارش طرح تحقیقاتی.
- دائرة المعارف آموزش عالی، جمعی از نویسندگان (۱۳۸۳)، جلد دوم، بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.
- دیباواجاری، طلعت (۱۳۸۸). مفهوم پردازی بین‌المللی کردن برنامه درسی در آموزش عالی: ابعاد و روندها، **مجله راهبردهای آموزش**، دوره ۲، شماره ۲.

- ذاکر صالحی، غلامرضا (۱۳۸۳). دانشگاه و همکاری‌های بین‌المللی در ایران، **نامه آموزش عالی**، شماره ۷.
- ذاکر صالحی، غلامرضا و صالحی نجف آبادی، مائده (۱۳۹۱). ارائه راهبردهایی برای جذب دانشجویان خارجی در ایران، **فصلنامه آموزش عالی ایران**، شماره ۱۵.
- عارفی، محبوبه (۱۳۸۴). برنامه‌ریزی درسی راهبردی در آموزش عالی، جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۷). **فرهنگ و دانشگاه**، نشر ثالث.
- فتحی واجارگاه، کورش و همکاران (۱۳۹۰). بررسی موانع پذیرش دانشجویان خارجی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، **فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی**، شماره ۶۲، صص ۸۰-۶۵.
- فرد، آر، دیوید (۱۳۷۹). **مدیریت استراتژیک**، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- قنبر، افسانه (۱۳۸۴). بررسی علل مهاجرت متخصصان ایرانی به امریکا، طرح تحقیقاتی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- صلواتی، بهرام و ملکی علی (۱۳۹۷) **جابجایی بین‌المللی دانشجویان و تحصیل‌کردگان در سطح ایران و جهان**، پژوهشکده سیاست‌گذاری علم و فناوری
- گزارش مدیرکل دانشجویان داخل وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۸۹). نشست جذب دانشجویان خارجی.
- گولد، جولوس، و کولب، ویلیام . 1392. **فرهنگ علوم اجتماعی** ترجمه محمد جواد زاهدی. تهران: مازیار
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸). **نظریات مهاجرت**، انتشارات نوید شیراز.
- مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (۱۳۸۵). **بررسی مسائل و مشکلات دانشجویان غیرایرانی در حال تحصیل در ایران**.
- معاونت پژوهشی سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی (۱۳۸۸). گزارش نشست‌های

علمی جذب دانشجویان خارجی.

- هریسون، جفری وجان، کارون (۱۳۸۲). مدیریت استراتژیک، ترجمه بهروز قاسمی، انتشارات هیئت.

- Angelika Grabher, A., Wejwar, P., Unger, M., & Terzieva, B.(2014). Student mobility in the EHEA: Underrepresentation in student credit mobility and imbalances in degree mobility, Study commissioned by the Austrian Ministry of Science (BMWF), Institute for Advanced Studies, Vienna.
- Antonio, M. R., & Vilmante, K. (2014). Economics reason of migration from point of view of students, 2nd World Conference On Business, Economics And Management. **Procedia - Social and Behavioral Sciences**, 109, 522 – 526.
- Atlas of Student Mobility (2015). Retrieved from <http://iie.org/projectatlas>
- Becker, R., & Kolster, R.(2012). International student recruitment: Policies and developments in selected countries, Netherlands organization for international corporation in higher education (Nuffic). Retrieved from www.nuffic.nl
- Beine, M., Noël, R., & Ragot, L.(2014). Determinants of the international mobility of students. **Economics of Education Review**,41,40-54.
- Bohm, A., Follari, M., Hewett, A., Jones, S., Kemp, N., Meares, D., Pearce, D., & Van Cauter, K.(2004). Vision 2020: Forecasting international student mobility a UK perspective, The United Kingdom's international organisation for educational opportunities and cultural relations.
- Bonet, L., & Négrier, E. 2011. "The end (s) of national cultures? Cultural policy in the face of diversity". *International journal of cultural policy*, 17(5), 574-589.
- Bostrom, Ch.A. (2010). Diffusion of internationalization in Turkish Higher education. **Journal of Studies in International Education**, Vol. 14.
- Brandi, M.C., Avveduto, S., & Cerbara, L. (2011). The reasons of scientists mobility: Results from the comparison of outgoing and

- ingoing fluxes of researchers in Italy, International Conference on “Human Capital and Employment in the European and Mediterranean Area” Bologna, 10-11 March 2011.
- British Council (2014). Postgraduate student mobility trends to 2024, Education Intelligence
 - Chan, W., & Dimmock, C. 2008. “The internationalization of universities: Globalist, internationalist and translocalist models”. *Journal of research in international education*, 7(2), 184-204.
 - Choudaha, R., & Ch. L. (2012, February). Trends in International Student Mobility. World Education Services, New York: Retrieved from www.wes.org/RAS.
 - Collins, F. L. (2012). Organizing Student Mobility: Education agents and student migration to New Zealand. 85 Issue 1, 137-160. 24p.
 - Crose, B. 2011. “Internationalization of the higher education classroom: Strategies to facilitate intercultural learning and academic success”. *International Journal of Teaching and Learning in Higher Education*, 23(3), 388-395.
 - Darbi, L. R.(2012). international graduate student mobility in the us: what more can we be doing?. **Journal of College and Character**. 13 (1).
 - Delpierre, M., & Verheyden, B.(2014). Student and worker mobility under university and government competition. **Journal of Public Economics**, 110, 26-41.
 - Demange, G., Fenge, F., & Uebelmesser, S. (2008). The provision of higher education in a global world– analysis and policy implications. **CESIFO Economic Studies**, 54, (2),248-276.
 - Diversity Dictionary ([n.d.]) Entry “Diversity”. In: Diversity Dictionary. <http://www.ohiou.edu/~one/dd.html> (accessed May 10, 2009)
 - Edler, J., Fier, H., & Grimpe, C.(2014), International scientist mobility and the locus of technology transfer. Discussion Paper No. 08-082, Download this ZEW Discussion Paper from our ftp server: <ftp://ftp.zew.de/pub/zew-docs/dp/dp08082.pdf>.
 - Elena, M. (2014).The mobility of romanian students in europe, 5th World Conference on Educational Sciences. Procedia - Social and

- Behavioral Sciences, 116, 4884 – 4888.
- European Students' Union. (2011). ESU Plan of Work 2012.
 - Gargano, T. (2009). Conceptualizing international student mobility: the potential of transnational social fields. **Journal of Studies in International Education**, 13 (3), 331-346.
 - Gay, G.(1994). A synthesis of scholarship in multicultural education. NCREL, S urban Education Program. Urban Education Monograph Series. //ncrel. Org.
 - Guest, D., Livett, M., & Stone, N. (2006). Fostering international student exchanges for science students. **Journal Of Studies In International Education**, 10(4), 378-395.
 - Guruz, K. (2011). **Higher education and international student mobility in the global knowledge economy: revised and updated**. second edition. SUNY Press.
 - Holt, N. ,& Tygart, C. E. 1969. “Political Tolerance and Higher Education”. *The Pacific Sociological Review*, 12(1),27-33.
 - [http://IIE.org/Open Doors](http://IIE.org/Open%20Doors) (2013).
 - http://en.wikipedia.org/wiki/International_student
 - http://en.wikipedia.org/wiki/Student_exchange_program
 - http://en.wikipedia.org/wiki/Study_abroad
 - <http://www.alef.ir/18851/1386/9/14>
 - Hui, H. (2002). Overseas studies and the rise of foreign cultural capital in modern china. **International Sociology**, 17(1) 35-55.
 - Inger, A. (2007). The impact of marketization on higher education genres- the international student prospectus as a case in point. **Discourse Studies**, 9(6), 723-742.
 - Innis-Klitz, S., & Clark, J.E. (2003). Study abroad consortia: collaborative ventures among schools, *Advances in International Marketing*. **Emerald Group Publishing Limited**, 209 – 226.
 - Jibeen, T., & Khan, M. A. 2015. “Internationalization of higher education: Potential benefits and costs”. *International Journal of Evaluation and Research in Education (IJERE)*, 4(4), 196-199.

- Jong, P.D., Schnusenberg, O., & Goel, L. (2010). Marketing study abroad programs effectively: what do American business students think?. **Journal of International Education in Business**, 3(1,2), 34 – 52.
- Kitamura, K. 1986. University Internationalization, Institute of Education at Hiroshima University, in Ouyang yu. History, Meaning and Trend of Higher Education Internationalization [J], Higher education research of mechanical industry.
- Knight, J. (2012). Student mobility and internationalization: Trends and tribulations. **Research in Comparative and International Education**, 7(1), 20-33 2012.
- Knobel, M. (2011). Internationalizing brazil's universities: creating coherent national policies must be a priority. Research & Occasional Paper Series: CSHE.11.11, Center for Studies in Higher Education.
- Koh, A. (2012). Tactics of Interventions: Student mobility and human capital building in singapore. **Higher Education Policy**, 25 (2), 191-206.
- Leanne, M. S., & Allan, N. R. (2006). Coping with demand: managing international student numbers at new zealand universities. **Journal of Studies in International Education**, 10, 27.
- Lynda. K. et all. (2014). To the ends of the earth: Student mobility in southern Chile. **International Journal of Educational Management**, 28(1), 82 – 95.
- Malaysia Higher Education Statistics (2008). Ministry of Higher Education, Malaysia.
- Marambe, K. N., Vermunt, J. D., & Boshuizen, H.P. A. (2012). A cross-cultural comparison of student learning patterns in higher education. **Higher Education: The International Journal of Higher Education and Educational Planning**, 64 (3), 299-316.
- Maringe, F., & Carter, S. (2007). International students' motivations for studying in UK HE: Insights into the choice and decision making of African students. **International Journal of Educational Management**, 21(6), 459 – 475.
- Marshall, P. L. 2002. *Cultural diversity in our schools*. Belmont, CA: Wadsworth/Thomson Learning.

- Munch, C., & Hoch, M.(2013). The financial impact of cross-border student mobility on the economy of the host country. German Academic Exchange Services, Berlin, 18 November 2013.
- Neufeldt, V., Ed.1994. *Webster's New World Dictionary: Third College Edition*. New York: McMillan
- Nguyen, C.H. (2013). Vietnamese international student mobility: Past and current trends. **Asian Education and Development Studies**, 2(2), 127 – 148.
- Nunn, C. A., Crockett Jr, H. J., & Williams Jr, A. J. 1978. *Tolerance for Nonconformity: A National Survey of American's Changing Commitment to Civil Liberties*. London: Jossey-Bass Publishers.
- OECD (2009). Education at a glance, oecd indicators. Retrieved from http://www.oecd-ilibrary.org/education/education_at_a_glance_2009_eag-2009-en
- OECD (2011) Education at a glance. Retrieved from http://www.oecd-ilibrary.org/education/education_at_a_glance_19991487.
- OECD (201۷) Education at a glance. Retrieved from <http://www.oecd.org/indicators>, OECD publishing.Paris.
- Petrova, E. Y. 2012. “Promoting cultural diversity in higher education”. *Sino--US English Teaching*, 9(4), 1091-1099.
- Qs intelligence unit (2018) applicant survey2018, Wath Drives an international student today?
- Ratanakarn, S. (2011). Enhancing multi-cultural awareness through extra and co-curricular activities: The Case of Bangkok University, Online Submission, Paper presented at the Annual Meeting of the Asia Pacific Association of International Education (Taipei, Taiwan, Mar 10, 2011).
- Robertson, S.L.(2010). Critical response to special section: International academic mobility. **Discourse: Studies in the Cultural Politics of Education**, 31 (5), 641-647.
- Rodriguez Gonzalez, C., Bustillo Mesanza, R., & Mariel, P.(2011). The determinants of international student mobility flows: An empirical study on the erasmus programme. **Higher Education: The International Journal of Higher Education and Educational Planning**, 62(4)413-430.

- Rodriguez, M. T., & Lamm, A. J. 2016. “Identifying Student Cultural Awareness and Perceptions of Different Cultures”. *Journal of Agricultural Education*, 57(2), 106-118.
- Schoole, C.T. (2011). Student mobility and doctoral education in South Africa. **Perspectives in Education**, 29 (3), 53-63.
- Sideli, K., Dollinger, M., Doyle, S. (2003) Successful recruitment of business students for study abroad through program development, curricular integration and marketing, *Advances in International Marketing* Emerald Group Publishing Limited., 37 – 57.
- Sison, M. D., & Brennan, L. (2012). Students as global citizens: Strategies for mobilizing studies abroad. **Journal of Marketing for Higher Education**., 22 (2), 167-181.
- Staniscia, B. (2012). Mobility of students and attractiveness of universities. The case of Sapienza University of Rome. **International Review of Sociology**, 22 (2), 245-258.
- Stronkhorst, R. (2005). Learning outcomes of international mobility at two dutch institutions of higher education. **Journal of Studies in International Education** 9(4), 292-315.
- Stubager, R. 2008. “Education effects on authoritarian–libertarian values: a question of socialization”. *The British journal of sociology*, 59(2), 327-350.
- Thompson, S., & Forde, T. 2016. “Fostering Campus Diversity and Advancing the Internationalization of Education on College and University Campuses”. *Journal for the Advancement of Educational Research*. 10(1), 1-15.
- Trice, G.A. (2007). Faculty perceptions of graduate international students: The benefits and the challenges, Eric Microfish collection, No Ed 457816.
- UNESCO (2016). Institute for statistics. eucation database 2016, HIS Calculations.
- Universities UK (2014a). International students in higher education: The uk and its competition, Download this from: Retrieved from www.universitiesuk.ac.uk.
- Urias, D. (2008). International education in a global context, *advances in education in diverse communities: Policy and Prais Iss*:

6, 307-340.

- Vassiliki, P.(2005). Student mobility: An academic cultural and mental Journey? Some conceptual reflection and empirical findings in: malcom Tight(ed). International Perspectives on Higher Education Research, Vol. 3, Emerald Group, 29-65.
- Volet, S. 2004. “Challenges of internationalization: Enhancing intercultural competence and skills for critical reflection on the situated and non-neutral nature of knowledge”. *Language and academic skills in higher education*, 6, 1-10.
- Waters, JL (2012). Geographies of international education: Mobilities and the reproduction of social (Dis) advantage. **Johanna L. Geography Compass**, 6 (3), 123-136.
- Winkelman, M. 2005. *Cultural awareness, sensitivity and competence*. Peosta, IA: Eddie Bowers.
- www.unesco.org/statistic.
- Yucas, A. (2003). The important role of faculty involvement in study abroad, *Advances in International Marketing*, Emerald Group Publishing Limited, 13, 99 – 113.
- Yugui, G. (1998). The roles of returned foreign education students in chinese higher education. **Journal of Studies in International Education**,(2), 35-58.

لیست گزارش‌های تخصصی

۱. گسست و بازپیوست آموزش پزشکی به آموزش عالی یا ادغام آموزش پزشکی در وزارت بهداشت؟ (حمید جاودانی)
۲. بررسی تطبیقی ساختار دانشگاه‌ها در کشورهای دنیا و ایران در جهت پیشنهادی برای کوچک‌سازی دانشگاه‌ها و گروه‌های تحصیلی (سمیه فریدونی)
۳. شناسایی و حمایت از استعداد‌های برتر و نخبه در کشورهای دنیا و ایران (مهتاب پورآتشی)
۴. مطالعه تطبیقی دوره‌های آموزشی کوتاه مدت در کشورهای دنیا (با اولویت کشورهای پیشرو) و رهیافت‌هایی برای ایران (مهتاب پورآتشی)
۵. جهانی شدن دانشگاه‌ها در ایران؛ تحول در برنامه درسی دانشگاهی (زهرا رشیدی)
۶. تحلیل وضعیت کیفیت آموزشی در دانشگاه‌های ایران و ارائه راهکارهایی برای بهبود آن (زهرا رشیدی)
۷. الزامات و زیرساخت‌های لازم برای جذب دانشجوی بین‌المللی در ایران (یعقوب انتظاری)